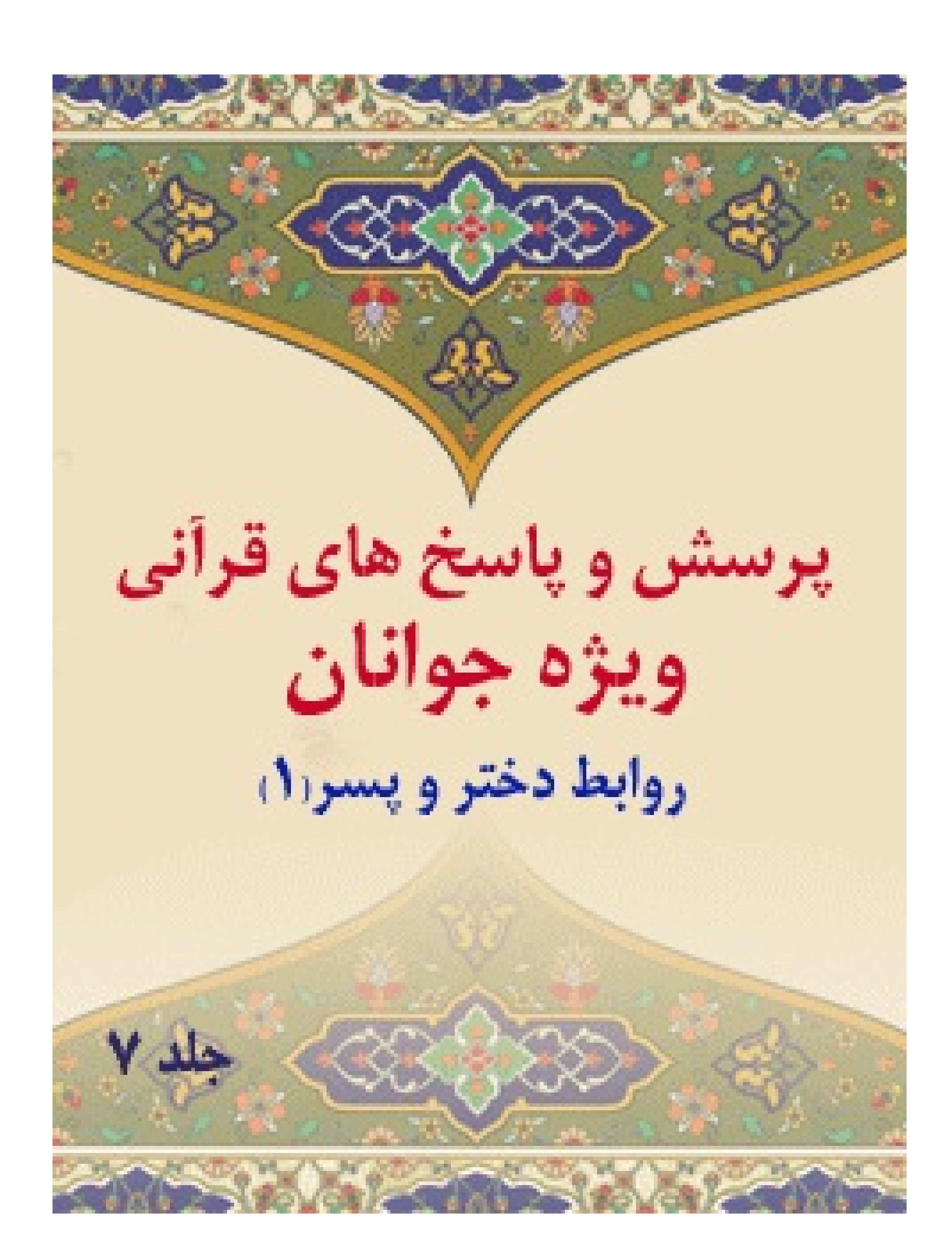

پرسش و پاسخ های قرآنی
ویژه جوانان
روابط دختر و پسر(۱)
جلد ۷


بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، جلد ۷- روابط دختر و پسر (۱)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور :پرسشهای قرآنی جوانان ۷ روابط دختر و پسر ۱/جمعی از پژوهشگران ؛ زیرنظر محمدعلی رضایی اصفهانی
مشخصات نشر:قم: پژوهش های تفسیرو علوم قرآن، ۱۳۸۶
مشخصات ظاهری:۲۸۳ص
وضعیت فهرست نویسی:در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت)
یادداشت :چاپ دوم
شماره کتابشناسی ملی:۱۲۸۶۱۸۰

درآمد

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه‌ی بشر تابید و راه انسان‌ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره‌ای الهی است «۱» که می‌تواند نسل‌های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می‌نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی‌داند، «۲» بلکه با اشارات متعدد به مباحث علوم تربیتی، کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی، رویان‌شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می‌سازد. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج‌۷، ص: ۱۴

پرسش کلید دانش است. «۱» و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه دانشمندان دریافت پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش‌های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال پرسش نامه به دانشگاه‌های مختلف، به گردآوری پرسش‌ها و ارائه پاسخ پرداخته‌اند و حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته‌ام، شاهد تلاش علمیِ همراه با تعهد آنها بوده‌ام، که در حد توان کوشیده‌اند پاسخ‌های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش‌ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده‌ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه‌ی ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت (ع) پاداش نیک عطا فرماید!

از آنجا که واحد تخصصی پاسخ به پرسش‌های قرآن و علم، مشمول حمایت ویژه «ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دینی دفتر تبلیغات» بوده، بر خود لازم می‌دانیم از مسئولین محترم ستاد تشکر کنیم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج‌۷، ص: ۱۵

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می‌خواهیم که اگر پرسش‌هایی در زمینه قرآن و علم دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند. «۱»

با سپاس

دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی

قم- ۷/ ۶/ ۸۵

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷

فصل اول: کلیات

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹

قرآن در مورد عدالت حقوقی و حقیقی بین دختر و پسر چه می‌فرماید؟

اشاره

پرسش:

قرآن در مورد عدالت حقوقی و حقیقی بین دختر و پسر چه می‌فرماید؟ پاسخ:

دختران و پسران جزئی از زنان و مردان اجتماع انسانی هستند و قرآن از نظر حقیقی بین زن و مرد تفاوتی قائل نیست و اگر از نظر حقوقی نیز تفاوتی در بین باشد، براساس دلیلی است که از مطالب زیر روشن می‌شود:

تفاوت بین زن و مرد دو گونه است:

الف- تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی

همان‌گونه که از آیات قرآن به دست می‌آید، دین اسلام نه تنها در این زمینه بین زنان و مردان تفاوتی قائل نیست، بلکه زن و مرد را در ارزش‌ها، و مقام و منزلت معنوی و انسانی مساوی می‌داند «۱» که به ذکر نمونه‌هایی از آیات قرآن می‌پردازیم:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۰

۱. تساوی ارزش و مقام زن و مرد از نظر خلقت: قرآن کریم در آیاتی متعدد «۱»، زن و مرد را از یک طینت دانسته و اعلام می‌کند که زن و مرد از «نفس واحده» خلق شده‌اند و مکمل یکدیگرند. «۲»

۲. تساوی ارزش و مقام زن و مرد، در داشتن صفات برجسته و ارزش‌های والای انسانی و مقام معنوی. «۳»

۳. تساوی زن و مرد از نظر ثواب «۴» و عقاب «۵» اعمال: قرآن در کیفرها و ثواب اعمال، به زن و مرد به طور یکسان خطاب کرده، قبح گناه و اعمال حرام و کیفر آن‌ها، و نیز ثواب اعمال را در مورد زن و مرد مساوی بیان می‌کند.

۴. تساوی زن و مرد در تکلیف و مسئولیت‌پذیری: قرآن کریم با مطرح کردن زندگی آدم و حوا و رانده شدن آن‌ها از بهشت، هیچ‌یک را مسئول اصلی معرفی نمی‌کند و در بیشتر مواقع، هر دو را مسئول می‌داند «۶» و حتی گاهی به صراحت می‌گوید: شیطان آدم را وسوسه کرد؛ و قرآن با این بیان بر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۱

روی اعتقاداتی مانند این‌که «زن را عنصر گناه و شیطان کوچک مطرح می‌کنند» خط بطلان می‌کشد. «۱»

۵. تساوی زن و مرد از نظرتعلیم و تعلّم: از آیات قرآن کریم به دست می‌آید که همه مسلمانان اعم از زن و مرد باید به کسب علم و

دانش اهتمام ورزند. «۲» در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «فراگیری دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.» «۳»

۶. برابری زن و مرد در پیشگاه خدا: خداوند در قرآن می‌فرماید: «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا، خود نگهدارترین [پارساترین شماست!» «۴»

در واقع قرآن ملاک برتری نزد خداوند را تقوا می‌داند (چه زن و چه مرد).

ب- تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد

اشاره

با وجود مطالبی که در مورد تساوی زن و مرد گذشت، تفاوت‌های موجود میان زن و مرد را نمی‌توان انکار کرد؛ تفاوت‌هایی که زن و مرد را از یکدیگر متمایز می‌سازند و همین تفاوت‌هاست که باعث تفاوت در حقوق و وظایف زنان و مردان می‌شود. در این‌جا به برخی تفاوت‌های طبیعی زن و مرد اشاره می‌کنیم:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۲

۱. تفاوت‌های زیستی (جسمی)

الف- تفاوت‌های اساسی تعیین کننده جنسیت.

ب- تفاوت‌های ثانوی در اندام.

برای مثال، به طور متوسط مردان درشت اندام‌تر، بلند قدتر، خشن‌تر و دارای صدای متفاوت با زنان می‌باشند. رشد عضلانی مرد و نیروی بدنی او از زن بیشتر است؛ مقاومت زن در مقابل بسیاری از بیماری‌ها، از مقاومت مرد بیشتر است و ... «۱»

از آن‌جا که بین نفس [روح و روان و جسم، تناسب و ارتباط متقابل برقرار است. تفاوت جسمانی بدون تفاوت روانی [و روحی ممکن نیست و این برای بقا و کمال جامعه و نسل بشری ضروری است. «۲»

۲. تفاوت‌های روانی

احساسات [و عواطف زن، از مرد جوشان‌تر است؛ زن از مرد زودتر به هیجان می‌آید و سریع‌تر تحت تاثیر احساسات و عواطف خویش قرار می‌گیرد. زن طبعاً به زینت و زیور و جمال و آرایش علاقه دارد. احساسات زن بی‌ثبات‌تر از مرد است، زن از مرد محتاطتر و مذهبی‌تر است [و مردها معمولًا

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۳

جسورتر و شجاع‌تر می‌باشند] احساسات زن، مادرانه است و علاقه زن به خانواده بیشتر است و ... «۱»

۳. تفاوت‌های اجتماعی حاصل از جامعه انسانی و رفتارها و مناسبات میان آدمیان

با توجه به تفاوت‌هایی که در توانایی‌ها و نقش اجتماعی زن و مرد وجود دارد عقل سلیم اقتضا می‌کند که برای انجام نقش‌ها، بین زن و مرد تفاوت قائل شویم؛ به این ترتیب که:

۱. نقش‌ها و کارهایی که زن و مرد هر دو امکان اجرا دارند؛

۲. نقش‌هایی که با ساخت جسمی و روحی زن متناسب است؛

۳. نقش‌هایی که با ساخت روحی و جسمی مرد متناسب است. «۲»

۴. تفاوت در برخی احکام دینیِ نشأت گرفته از وحی

همان‌گونه که گذشت، تفاوت‌های طبیعی و فطری (جسمی و روحی) وظایف و تکالیف خاصی را برعهده انسان‌ها (زن و مرد)

می گذارد و به علت همین تفاوت‌هاست که برای مردان و زنان، احکام و تکالیف دینی خاصی معین شده است. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۴

بعد از بیان تفاوت‌های بین زن و مرد و اقسام آن، لازم است نکاتی را مورد توجه قرار دهیم:

۱. با دقت در آیه ۱۱ سوره نساء در می‌یابیم که قرآن کریم برای اهتمام به حق زن هنگام تعیین سهم ارث، ارث زن را اصل و مبنا قرارداده و آن را مسلم دانسته و معیار ارث معرفی می‌نماید، آن‌گاه می‌فرماید: «لِلْذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ»؛ یعنی موقع بیان سهم برادر، نمی‌فرماید که خواهر نصف سهم برادر می‌برد تا معیار اصلی، سهم برادر باشد، بلکه معیار و اصل مفروض و مسلم را ارث خواهر که دختر میّت است، قرار می‌دهد و سهم برادر را دو برابر سهم خواهر بیان می‌کند، تا اصل ارث زن قطعی و مفروغ عنه باشد. «۱»

این احتمال نیز وجود دارد که محور بودن دختر در آیه یاد شده برای جبران بی‌توجهی به دختر باشد. «۲»

۳. در مورد برخی احکام فلسفه‌هایی ذکر شده است که بعضی از آن‌ها را عقل سلیم درک می‌کند و برخی از آن‌ها در منابع دینی به نام فلسفه احکام و اسرار عبادات آمده است که البته به صورت کامل نمی‌باشد و این مورد حکمت حکم است نه علت آن، و بعضی دیگر از احکام نه فلسفه آن‌ها در کتاب‌های دینی آمده است و نه عقل ما آن‌ها را درک می‌کند و ناگزیر از روی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۵

تعبد آن‌ها را بپذیریم و به آن‌ها عمل کنیم؛ زیرا براساس علم و حکمت الهی بوده است.

نکته جالب این‌که از آنجا که خداوند تمام قوانین حقوقی را براساس حقوق فطری و ویژگی‌های انسان تنظیم و تدوین فرموده است، در پایان آیه ارث (نساء/ ۱۱) دو اسم از اسمای حسنای الهی را یادآور می‌شود ... و آن «علم» و «حکمت» خداوند است «... ان الله کان علیماً حکیما»؛ یعنی شما از علم و حکمت کافی برخوردار نیستید تا راز تفاوت را که در هسته مرکزی عدل نهفته است، در آن جستجو کنید، لیکن خداوند آگاه و حکیم است؛ همه علل تساوی و عوامل تفاوت را جمع بندی نموده و بر مدار حکمت، به صورت دستورهای معتدل حقوقی صادر می‌فرماید تا مسائل در سنت و مانند آن، از «تفریط» جاهلیت کهن، و از «افراط» جاهلیت جدید و مُدرن مصون بماند. «۱»

۵. عدالت آن نیست که در تقسیم چیزی، به همه افراد به طور مساوی بدهند؛ برای مثال، در یکی از اتاق‌های بیمارستان که یک متخصص مسئول معالجه بیماران آن اتاق است، برای هر کدام با توجه به وضعیت آن‌ها دستور غذایی خاص می‌دهد؛ در دستور غذایی یکی چلومرغ است و دیگری سوپ و به بیماری نیز اجازه غذا خوردن نمی‌دهد که ممکن است برای برخی جای تعجب باشد و بگویند چرا به همه یک نوع غذا نمی‌دهد؟

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶

عدالت آن است که هر چیزی را به موقع، و در جای خودش قرار دهیم و خداوند که حکیم و علیم است و خود خالق انسان‌ها می‌باشد، می‌داند که مصالح و مفاسد بندگان خود در چیست و از این رو، احکام را بر اساس مصالح و مفاسد وضع می‌کند، هرچند در ظاهر برای برخی افراد ناخوشایند باشد؛ بنابراین، آنچه ناپسند است، تبعیض می‌باشد نه تفاوت.

تذکر مهم

احکام اسلامی به صورت اجزای یک سیستم و شبکه به همدیگر مرتبط هستند و گاهی با توجه به همدیگر حکم جدید وضع می‌شود؛ از این رو، در موقع قضاوت و داوری و اشکال گرفتن به یک حکم، باید به احکام دیگر بی‌توجه نبود و از همه جوانب به آن نگاه کرد؛ برای مثال، داوری درباره تقسیم ارث زنان که از قوانین اقتصادی اسلام است، باید با توجه به قوانین اقتصادی دیگر اسلام باشد.

چنانچه بیان شد، اسلام مسئولیت اقتصادی خانواده را به مرد واگذار و بر او واجب کرده است، در حالی که در این باره به عهده زن

هیچ مسئولیتی گذاشته نشده است، و از سوی دیگر، به هنگام ازدواج مهریه زن بر عهده مرد است که پرداخت آن عند المطالبه بر مرد واجب می‌باشد؛ از این رو لازم است احکام و قوانین اقتصادی را به صورت یک شبکه و سیستم به هم پیوسته نگریست نه از هم گسیخته و جدا جدا.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷

۶. در قانون ارث همیشه این گونه نیست که سهم پسر دو برابر دختر باشد و در مواردی از این قانون تبعیت نمی‌شود که عبارت‌اند از: «۱»

الف- مواردی که سهم زن بیشتر از مرد است

- موردی که میت غیر از پدر و دختر، وارث دیگری نداشته باشد که در این‌جا پدر می‌برد و دخترش بیش از او.

- موردی که میّت دارای نوه باشد و فرزندان او در زمان حیات وی مرده باشند، که در این‌جا نوه پسری، سهم پسر را می‌برد (هرچند دختر باشد) و نوه دختری، سهم دختر را می‌برد (هرچند پسر باشد).

ب. مواردی که زن به مانند مرد ارث می‌برد

- در صورتی که میت فرزند داشته باشد، هر یک از پدرو مادر از سهم ارث را می‌برند، و سهم پدر از مال فرزند (در این مورد) بیشتر از مادر نیست.

* کلاله مادری- یعنی برادر و خواهر مادری میت- به اندازه مساوی ارث می‌برند. «۲»

در وضع احکام و قوانین، قانون به صورت کلی وضع می‌شود و ناظر به موارد جزئی و استثنایی نیست و بر محور افراد دور نمی‌زند؛ برای مثال، اسلام

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۸

مسئولیت اقتصادی خانواده را بر عهده مرد قرار داده و بر او واجب کرده است؛ از این رو در وضع قوانین، اسلام مرد را محور و رکن اقتصادی و نان‌آور خانواده می‌داند، حال اگر دختری مجرد و ازدواج نکرده باشد، موردی استثنایی است، ولی قانون، کلی و برای همه زنان است.

اما در مورد قسمت دوم سوال که گفته شده است: «در برخی روایات تبعیض حقوقی به ویژه بین زن و شوهر به چشم می‌خورد.» توجه به چند نکته لازم است:

اولًا: تمام روایات را بررسی کرده و مورد مطالعه قرار دهیم تا بتوانیم به صورت جامع و دقیق قضاوت کنیم.

ثانیاً: هر روایتی که مشکل به نظر می‌رسد، باید به صورت خاص ذکر شود.

ثالثاً: بین تفاوت و تبعیض فرق بگذاریم؛ زیرا در بسیاری از روایات تفاوت‌ها بیان شده نه تبعیض، همان گونه که در بخش قبل بیان شد.

رابعاً: اگر در بعضی روایات برخی زنان نکوهش شده‌اند، دلیلی خاص دارد.

ستایش‌ها و نکوهش‌ها

گاهی حادثه و یا موضوعی در اثر یک سلسله عوامل تاریخی، زمانی، مکانی، افراد، و شرایط و علل و اسباب آن، ستایش یا نکوهش می‌شود. معنای این ستایش و نکوهش این نیست که اصل طبیعت آن شیء قابل ستایش و یا مستحق نکوهش است، بلکه احتمال دارد زمینه خاصی سبب این ستایش و نکوهش شده باشد؛ مثلًا اگر قبیله‌ای ستایش شود، احتمال دارد به خاطر آن

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۹

باشد که مردان خوبی در آن عصر از این قبیله برخاسته‌اند و شاید در موقعی دیگر افرادی از آن قبیله مستحق نکوهش باشند و مورد نکوهش واقع شوند؛ «۱» همان‌گونه که از بصره و کوفه نیز در زمینه‌هایی نکوهش شده، در صورتی که بصره رجال علمی فراوانی تربیت کرده و کوفه نیز مردان مبارز و کم نظیری را به اسلام تقدیم کرده است، و کسانی که به خونخواهی سالار شهیدان (ع) برخاستند، از کوفه برخاسته بودند.

در نتیجه نمی‌توان گفت: «چون مثلًا کوفه یا بصره نکوهش شده است، آن دو شهر برای همیشه و ذاتاً بد و سزاوار نکوهش‌اند.»

آری قضایای تاریخی در یک مقطع حساس زمینه ستایش و یا نکوهش را فراهم می‌کند و با گذشت آن مقطع، زمینه مدح و ذم منتفی می گردد. «۲»

بخشی از نکوهش‌های نهج البلاغه در مورد زن نیز ظاهراً به جریان جنگ جمل باز می گردد «۳» و یک قانون کلی و همگانی درباره عموم زنان نیست، بلکه با توجه به این‌که این خطبه بعد از جنگ جمل (که عایشه به راه انداخت) از امام علی (ع) صادر شده است، درباره دسته خاصی از زنان می‌باشد که در این گونه مسیرها گام برمی‌دارند؛ «۴» چنانچه ابن ابی‌الحدید- از علمای سنی مذهب

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۳۰

- در شرح نهج البلاغه در مورد این خطبه می‌نویسد: «هذا الفصل کله رمز الی عایشه؛ «۱» تمام این خطبه اشاره به عایشه است.»

وگرنه چه کسی می‌تواند فداکاری‌های زنان بزرگ و با شخصیتی همچون حضرت خدیجه (س)، حضرت فاطمه زهرا و زینب کبری- علیهن السلام- و ... را در راه اسلام، انکار کند؛ علی (ع) نیز برای آنان احترام فوق العاده‌ای قائل بود. «۲»

معرفی کتاب:

۱. تفسیر المیزان، سید محمدحسین طباطبایی، ذیل آیات مربوطه؛

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛

۳. تفسیر نور، محسن قرائتی؛

۴. قرآن در آیینه اندیشه‌ها، جمعی از نویسندگان؛

۵. سیری در مسائل خانواده، حبیب الله طاهری؛

۶. شخصیت زن از دیدگاه قرآن، هادی دوست محمدی؛

۷. نظام حقوق زن در اسلام، مرتضی مطهری؛

۸. منزلت زن در اندیشه اسلامی، محمد فنایی اشکوری؛

۹. زن در آیینه جلال و جمال، عبدالله جوادی آملی.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۳۱

اگر دین اسلام میان دختر و پسر تفاوتی قائل نیست، چرا دیه دختر نصف دیه پسر است؟

اشاره

پرسش:

اگر دین اسلام میان دختر و پسر تفاوتی قائل نیست، چرا دیه دختر نصف دیه پسر است؟ پاسخ:

دختران و پسران جزئی از جامعه انسانی زنان و مردان هستند و تفاوت بین زن و مرد دو گونه است:

الف- تفاوت در ارزش، مقام و منزلت معنوی زن و مرد

همان‌گونه که از آیات قرآن به دست می‌آید، دین اسلام نه تنها در این زمینه بین زنان و مردان تفاوتی قائل نیست، بلکه زن و مرد را در ارزش‌ها، و مقام و منزلت معنوی و انسانی، مساوی می‌داند که به ذکر نمونه‌هایی از آیات قرآن می‌پردازیم:

۱. تساوی ارزش و مقام زن و مرد از لحاظ خلقت

قرآن کریم در آیاتی متعدد زن و مرد را از یک طینت دانسته و اعلام می‌کند که زن و مرد از «نفس واحده» خلق شده‌اند و مکمل یکدیگرند؛ از جمله: «یَا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَهٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۳۲

وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا کَثِیراً وَنِسَاءً؛ «۱»

ای مردم! [خودتان را] از [عذاب پروردگارتان حفظ کنید، (همان) کسی که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.»

۲. تساوی ارزش و مقام زن و مرد در داشتن صفات برجسته و ارزش‌های والای انسانی و مقام معنوی

در سوره احزاب آیه ۳۵ می‌خوانیم: «به یقین مردان مسلمان و زنان مسلمان، و مردان با ایمان و زنان با ایمان، و مردانِ مطیع فرمان خدا و زنان مطیعِ فرمان خدا، مردان راستگو و زنان راستگو، مردان صابر و شکیبا و زنان صابر و شکیبا، مردان با خشوع و زنان با خشوع، مردان انفاق کننده و زنان انفاق کننده، مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار، مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار یاد خدا می‌کنند، خداوند برای همه آن‌ها مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است.» «۲»

در تفسیر آیه چنین آمده است: «گاه بعضی چنین تصور می‌کنند که اسلام کفه سنگین شخصیت را برای مردان قرار داده و زنان در برنامه اسلام چندان جایی ندارند؛ شاید منشأ اشتباه آن‌ها پاره‌ای از «تفاوت‌های حقوقی»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۳۳ باشد که هر کدام دلیل و فلسفه خاصی دارد، ولی بدون شک با قطع نظر از این گونه تفاوت‌ها که با موقعیت اجتماعی و شرایط طبیعی آن‌ها ارتباط دارد، هیچ‌گونه فرقی از جنبه‌های انسانی و مقامات معنوی میان زن و مرد در برنامه‌های اسلام وجود ندارد. آیه فوق دلیل روشنی بر این واقعیت است؛ زیرا به هنگام بیان ویژگی‌های مؤمنان و اساسی‌ترین مسائل اعتقادی و اخلاقی و عملی، زن و مرد را در کنار یکدیگر همچون دو کفه یک ترازو قرار می‌دهد و برای هر دو ارزشی یکسان بدون کم‌ترین تفاوت قائل می‌شود. ...» «۱»

۳. تساوی زن و مرد از لحاظ ثواب و عقاب اعمال

قرآن در احکام، کیفرها و ثواب اعمال به زن و مرد را یکسان خطاب کرده، قبح گناه و اعمال حرام و ممنوع، و کیفر آن‌ها، و نیز ثواب اعمال را در مورد زن و مرد مساوی بیان می‌کند؛ از جمله:

- «و مردِ دزد و زنِ دزد، به کیفر آنچه بدست آورده‌اند [و] بخاطر مجازات [پیشگیرانه الهی، دست‌هایشان را قطع کنید؛ و خدا شکست‌ناپذیری فرزانه است.» «۲»

- «خدا به مردان منافق و زنان منافق و کافران، آتش جهنّم را وعده داده است، در حالی که در آن ماندگارند؛ آن (آتش) برای آنان کافی و خدا آنان را از رحمت خود دور ساخته؛ و برایشان عذابی پایدار است.» «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۳۴

- «و هر کس از مرد یا زن، (چیزی) از (اعمال) شایسته انجام دهد در حالی که او مؤمن باشد، پس آنان داخل بهشت می‌شوند؛ و

کم‌ترین ستمی به آنها نخواهد شد.» «۱»

- «هر کس از مرد یـا زن، [کـار] شایسته‌ای انجـام دهـد، در حـالی که او مـؤمن است، پس قطعاً او را به زنـدگانی پـاکیزه‌ای زنـده می‌داریم؛ و حتماً مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، به آنان پاداش خواهیم داد.» «۲»

- «هر کس از مرد یا زن، (کار) شایسـته‌ای انجام دهـد، در حالی که او مؤمن است، پس آنان داخل بهشت می‌شوند در حالی که در آنجا بی شمار «روزی» داده می‌شوند.» «۳»

۴. تساوی زن و مرد در تحمل تکلیف و مسئولیت

قرآن کریم با مطرح کردن زنـدگی آدم و حوا و رانـده شدن آن‌ها از بهشت هیچ کدام را مسـئول اصـلی معرفی نمی‌کند و در بیشتر مواقع هر دو را مسئول می‌داند و حتی گاهی به صراحت می‌گوید: شیطان آدم را وسوسه کرد و قرآن

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۳۵

با این بیان بر روی اعتقاداتی مانند این‌که «عنصر گناه و شیطان کوچک دانستن زن» خط بطلان می‌کشد.

- «فَقُلْنَا یَاآدَمُ إِنَّ هذا عَدُوٌّ لَکَ وَلِزَوْجِکَ فَلَا یُخْرِجَنَّکُمَا مِنَ الْجَنَّهِ فَتَشْقَی؛ «۱»

پس گفتیم: ای آدم! این (ابلیس) دشـمن تو و (دشـمن) همسر توست، مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به رنج و زحمت خواهی افتاد!»

- «فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ ...؛ «۲»

به این ترتیب آن‌ها را با فریب از مقامشان فرود آورد.»

- «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّیْطَانُ ...؛ «۳»

پس شیطان آن دو را وسوسه کرد.»

۵. تساوی زن و مرد از لحاظ تعلیم و تعلّم

از آیات قرآن کریم به دست می‌آید که همه مسـلمانان اعم از زن و مرد باید به کسب علم و دانش اهتمام ورزند؛ برای نمونه، قرآن بارها یادآور می‌شود که قرآن را بخوانیـد، تلاوت کنید و پیرامون آیات آن بیندیشـید. تفکر و تدبر در آیات خداوند و در طبیعت و عبرت از آن‌هـا نیز بارهـا در قرآن توصـیه شـده است و قرآن در این زمینه میـان زن و مرد تفـاوتی قائـل نیست و هرگز کسب علم و دانش را به یک جنس خاص محدود نمی‌کند. از حضرت رسول

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۳۶

اکرم (ص) روایت شده است: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه؛ «۱» فراگیری دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.»

۶. مساوات زن و مرد در پیشگاه خدا

خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِندَ اللَّهِ أَتْقَاکُمْ؛ «۲»

ملاک برتری نزد خداوند تقوا می‌باشد (چه زن چه مرد).»

اینها نمونه‌هایی از تساوی ارزشی و مقام و منزلت معنوی زن و مرد بود که در این‌جا به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

ب- تفاوت‌های بین زن و مرد

با وجود مطالبی که در مورد تساوی زن و مرد گذشت، نمی‌توان تفاوت‌های موجود میان زن و مرد را منکر شد، تفاوت‌هایی که زن و مرد را از یکدیگر متمایز می‌سازد و همین تفاوت‌هاست که باعث تفاوت در حقوق و وظایف زن و مرد می‌شود.

یادآوری: در مورد تفاوت‌های زن و مرد در مباحث قبلی مطالب مبسوطی بیان شد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۳۷

مقصود از «فمینیسم» چیست و پیامدهای منفی آن در روابط زن و مرد کدام است؟

پرسش:

مقصود از «فمینیسم» چیست و پیامدهای منفی آن در روابط زن و مرد کدام است؟ پاسخ:

فمینیسم (جنبش دفاع از حقوق زنان) با تمام افت و خیز و تشتّت درونی‌اش، به تدریج به یک حرکت حقوقی وسیع اندیشید.

پیدایش سازمان ملل متحد به عنوان بالاترین نهاد مدنی، تعاملات ملت‌ها را به سمت روابط دیپلماتیک‌تر سوق داد، و کمیسیون حقوق بشر شورای اقتصادی و اجتماعی این سازمان اعلامیه‌ای را تهیه کرد که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م، ۱۹ آذر ۱۳۲۷ مجمع عمومی به تصویب رساند. شش سال بعد، مجمع عمومی بر این اساس دو قرار یا دو میثاق سامان داد که یکی شامل «حقوق سیاسی و مدنی» و دیگری شامل «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» شد. این دو میثاق به منزله دو سازِ کار مهم برای اعلامیه‌ای جهانی حقوق بشر بودند که در نهایت در ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ میلادی از تصویب مجمع عمومی گذشت. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۳۸

آنچه این پیشینه مختصر را به بحث ما مرتبط می‌سازد، این است که تمام این نوشته‌ها با وجود تاکیدشان بر «حقوق طبیعی و فطری» آحاد انسان‌ها، به صراحت وحدیت زنان را مخاطب قرار نداده و مدافعان حقوق زن را ابداً راضی نکرده‌اند. بر این اساس، آن‌ها تلاش خود را به این سمت معطوف ساختند که سازمان ملل متحد را به عقد معاهده‌ای وادار نمایند که موضوع اصلی آن، زنان و هدف اساسی آن، بررسی حقوق زنان و مردان باشد. این تلاش‌ها در ۷ نوامبر ۱۹۶۷ به تهیه پیش‌نویسی در باره مسائل زنان با عنوان «اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان» انجامید. پیش‌نویس یاد شده پس از تصویب نهایی به صورت «کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان» در آمد و در ردیف معاهدات حقوقی بین المللی با تضمینات لازم قرار گرفت. زمان تصویب معاهده فوق ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ م، آذرماه ۱۳۵۸ و زمان لازم الاجرا شدن آن (به دلیل الحاق حد نصاب لازم از کشورها به آن) ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ م، ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ بود.

از آن پس، با رویکرد مستمر این سازمان به مسئله زنان روبه‌رو هستیم، به گونه‌ای که این سازمان طی ۲۷ سال گذشته پنج کنفرانس جهانی مخصوص زنان برگزار کرده که در هر کدام از آن‌ها چگونگی پیشرفت یا رکود کشورها در مسائل زنان گزارش و بررسی شده است. در تمام این اجلاس‌ها شاخص اصلی، کنوانسیون محو تبعیض از زنان بوده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۳۹

کنفرانس‌های مزبور عبارت‌اند از: کنفرانس مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کپنهاک (۱۹۸۰)، نایروبی (۱۹۸۵)، پکن (۱۱۹۴) و نیویورک (۲۰۰۰). «۱»

جنبش فمنیستی و پیامدهای اجتماعی

جنبش فمینیستی و پیامدهای اجتماعی «کنوانسیون» که در واقع نتیجه تلاش جنبش‌های فمینیستی است، همنوا با جنبش‌های فمینیستی زنان غرب به منظور استیفای حقوق زنان و در جهت احیا و تثبیت جایگاه واقعی آنان، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را با تأکید به اعضای خود توصیه نموده است. مواردی نیز مانند فرصت‌های شغلی برابر، آموزش‌های مختلط به جای قالب‌های سنّتی آموزش، الغای محدودیت‌های سنّتی حضور اجتماعی زنان و روابط آزاد مرد و زن از جمله برنامه‌های جنبش‌های فمینیستی و کنوانسیون برای یکسان‌سازی جایگاه زنان و مردان در جهان است که از دیرباز بسیاری از جوامع غربی تحت تأثیر امواج اجتماعی و فرهنگی

فمینیستی به این توصیه‌ها عمل کرده‌اند. اکنون پس از چندین دهه فرصت آزمون و خطا، وقت ارزیابی برنامه‌های فمینیستی و توصیه‌های آنان فرا رسیده است. این در حالی است که جمعی از جامعه‌شناسان غربی و منتقدان اجتماعی مقولاتی را که با تأکید از سوی کنوانسیون و جنبش فمینیستی توصیه شده است، برای علل اصلی برخی معضلات اجتماعی بر شمرده‌اند. هدف ما در این‌جا نشان دادن همین نقاط تلاقی است؛ یعنی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۰

مواردی که از سوی کنوانسیون و جنبش فمینیستی به جوامع انسانی، به ویژه جامعه زنان، توصیه شده‌اند، ولی نظریه‌های آسیب‌شناسی آن را علت بروز اختلالات و ناهنجاری‌های اجتماعی معرفی می‌کنند. اگر چه بررسی و تبیین همه نقاط تلاقی کار دشوار و پیچیده‌ای است که فرصت مناسب تری را می‌طلبد، مواردی که در این‌جا مورد بررسی و استناد قرار گرفته، در جدول (شماره ۱) به نمایش گذاشته است:

جدول شماره ۱:

توصیه‌های جنبش فمینیستی و کنوانسیون و پیامدهای آن از نگاه صاحب‌نظران اجتماعی

توصیه‌های جنبش فمینیستی و کنوانسیون و پیامدهای آن از نگاه صاحب‌نظران اجتماعی ردیف

معضلات و ناهنجاری‌های در حال رشد جوامع غربیتوصیه‌های کنوانسیون و جنبش فمینیستی که از سوی صاحب‌نظران اجتماعی به عنوان علل ناهنجاری‌ها و معضلات اجتماعی معرفی شده‌اند ۱ رشد منفی جمعیت- اشتغال زنان- روابط آزاد زن و مرد

۲ روابط جنسی نامشروع (و پیامدهای آن همچون آبستنی‌های ناخواسته، سقط جنین موالید امشروع، افول ازدواج، همجنسگرایی، روسپیگری و بیماری‌های مقاربتی)- اختلاط جنسی- آزادی در روابط جنسی

۳ خشونت جنسی علیه زنان، آزار جنسی زنان- جایگزین حقوق به جای اخلاق در روابط زن و مرد- ارتباط آزاد زن و مرد در جامعه

۴ فشار مضاعف روانی علیه زنان- ترویج فرهنگ اشتغال بانوان و نادیده‌انگاری انگیزه‌های عاطفی مادران شاغل ۵ بحران خانواده- روابط آزاد جنسی (عشق آزاد)- تأکید بر حقوق به جای اخلاق خانواده

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۱

در اینجا به بررسی معضلات اجتماعی جوامع صنعتی غرب و ارتباط آن‌ها با مقولات مورد عنایت کنوانسیون و جنبش فمینیستی می‌پردازیم:

۱. رشد منفی یا سیر نزولی جمعیت

یکی از مسائل و معضلات بزرگ اجتماعی، تئوری‌های توسعه یافته رشد منفی (یا ساخت پیر) جمعیت است. در جمعیت‌شناسی، «رشد منفی جمعیت» به سیر نزولی و انقراض تدریجی یک نسل تعریف شده است؛ به تعبیر روشن‌تر، با رشد منفی جمعیت در یک جامعه ناقوس‌های مرگ و انقراض آن جامعه به صدا در آمده است. این پدیده نامیمون هنگامی رخ می‌دهد که نسل حاضر به تولید نسل بعدی (جانشین) تمایلی نشان ندهند و یا حداکثر به یک (یا حتی دو) فرزند بسنده کنند، بدیهی است که در این گونه جوامع، درصدد بزرگسالان و سال‌خوردگان نسبت به درصد کودکان و نوجوانان مساوی یا بیشتر است.

مطالعات جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که ساخت جمعیت در کشورهای پیشرفته صنعتی اروپایی و آمریکایی، پیر و در کشورهای جهان سوم جوان است. مقایسه جمعیت زیر ۱۵ سال و بیش از ۲۵ سال در چند کشور جهان سوم و جهان صنعتی غرب در سال ۱۹۹۷ مطلب فوق را تایید می‌کند:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۲

جدول شماره ۲: ردیف

معضلات و ناهنجاری‌های در حال رشد جوامع غربیتوصیه‌های کنوانسیون و جنبش فمینیستی که از سوی صاحب‌نظران اجتماعی به عنوان علل ناهنجاری‌ها و معضلات اجتماعی معرفی شده‌اند ۱ رشد منفی جمعیت- اشتغال زنان- روابط آزاد زن و مرد

۲ روابط جنسی نامشروع (و پیامدهای آن همچون آبستنی‌های ناخواسته، سقط جنین موالید امشروع، افول ازدواج، همجنسگرایی، روسپیگری و بیماری‌های مقاربتی)- اختلاط جنسی- آزادی در روابط جنسی

۳ خشونت جنسی علیه زنان، آزار جنسی زنان- جایگزین حقوق به جای اخلاق در روابط زن و مرد- ارتباط آزاد زن و مرد در جامعه

۴ فشار مضاعف روانی علیه زنان- ترویج فرهنگ اشتغال بانوان و نادیده‌انگاری انگیزه‌های عاطفی مادران شاغل ۵ بحران خانواده- روابط آزاد جنسی (عشق آزاد)- تأکید بر حقوق به جای اخلاق خانواده

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۱

در اینجا به بررسی معضلات اجتماعی جوامع صنعتی غرب و ارتباط آن‌ها با مقولات مورد عنایت کنوانسیون و جنبش فمینیستی می‌پردازیم:

۱. رشد منفی یا سیر نزولی جمعیت

یکی از مسائل و معضلات بزرگ اجتماعی، تئوری‌های توسعه یافته رشد منفی (یا ساخت پیر) جمعیت است. در جمعیت‌شناسی، «رشد منفی جمعیت» به سیر نزولی و انقراض تدریجی یک نسل تعریف شده است؛ به تعبیر روشن‌تر، با رشد منفی جمعیت در یک جامعه ناقوس‌های مرگ و انقراض آن جامعه به صدا در آمده است. این پدیده نامیمون هنگامی رخ می‌دهد که نسل حاضر به تولید نسل بعدی (جانشین) تمایلی نشان ندهند و یا حداکثر به یک (یا حتی دو) فرزند بسنده کنند، بدیهی است که در این گونه جوامع، درصدد بزرگسالان و سالخوردگان نسبت به درصد کودکان و نوجوانان مساوی یا بیشتر است.

مطالعات جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که ساخت جمعیت در کشورهای پیشرفته صنعتی اروپایی و آمریکایی، پیر و در کشورهای جهان سوم جوان است. مقایسه جمعیت زیر ۱۵ سال و بیش از ۲۵ سال در چند کشور جهان سوم و جهان صنعتی غرب در سال ۱۹۹۷ مطلب فوق را تایید می‌کند:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۲

جدول شماره ۲:

مقایسه جمعیت زیر ۱۵ سال و بیش از ۶۵ سال جهان سوم و جهان صنعتی

کشور

زیر ۱۵ سالگی (درصد) ۶۵ سال و بیشتر (درصد) ایران (۱۳۷۵) ۵/ ۳۹۲/ ۳ مصر ۳۹۴ کامرون ۴۴۴ مکزیک ۳۶۴ عربستان صعودی ۴۲۳ دانمارک ۱۸۱۵ نروژ ۲۰۱۶ آلمان ۱۶۱۵ اسپانیا ۱۶۱۶ ویلیام. ژگود کاهش درصد موالید در کشورهای مغرب زمین بین سال‌های ۱۸۶۶- ۱۹۶۱ را یادآور می‌شود. این کاهش به خصوص در چهارده کشور، به موازات توسعه صنعتی مشاهده شده است: در فرانسه ۲۵ تولد برای ۱۰۰۰ نفر در سال‌های ۱۸۸۱- ۱۱۸۵ در مقابل هجده تولد سال ۱۹۵۹ و ۱۶۷ تولد در سال‌های ۱۹۶۷- ۱۹۶۹ بوده است. در ایالت متحده آمریکا چهل تولد برای هزار نفر در سال ۱۸۸۰، ۵/ ۲۳ تولد در سال ۱۹۶۱ و ۵/ ۱۷ تولد در سال ۱۹۶۸ ثبت شده است. در کشورهای کاپیتالیست (ایالت متحده آمریکا، فرانسه، کانادا، بلژیک و ...) و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۳

سوسیالیست (شوروی، رومانی، اتریش) درصد تولدها کاهش بیشتری داشته است. «۱» در آمریکا طی سال‌های اخیر به طرز قابل توجهی از تعداد خانواده‌هایی که دارای سه فرزند یا بیشتر بودند کاسته شده و در مقابل به تعداد خانواده‌هایی که دارای فرزند نیستند، افزوده شده است. «۲» رشد منفی جمعیت و پیامدهای زیانبار اجتماعی و سیاسی آن، همان خطر و بحرانی است که فیلسوف و روانشناس شهیر فرانسوی- پیرژانه- از سال‌ها قبل آن را به مغرب زمین، به ویژه فرانسه کشور متبوعش، گوش زد کرده بود.

«کشور فرانسه را اکنون خطری بزرگ و سهمناک تهدید می‌کند. این خطر را نیاکان ما درست احساس نمی‌کرده‌اند، ولی در هر صورت حتمی و نزدیک است. بسیاری از گویندگان و نویسندگان بحران موالید و خطر نقصان جمعیت را یادآوری کرده اند. از چند سال پیش، میزان موالید (یعنی نسبت عده نوزادان هر سال به تعداد جمعیت) پیوسته رو به کاهش می‌رود و این کاهش در هر سرشماری بعدی محسوس‌تر است. تعداد نوزادان که در سال ۱۸۶۹ در حدود یک میلیون بوده، به تدریج کاهش یافته است و در سال ۱۹۲۲ به ۷۶۰۰۰۰ رسیده است. ... نقصان جمعیت، کشور را به سقوط سیاسی و نظامی و همچنین به ورشکستگی اقتصادی، عقلی و اخلاقی تهدید

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۴

می‌کند. ... نقصان جمعیت به تدریج از سلامت بدنی و فکری نژاد ما می‌کاهد. اگر نقصان نوزادان ادامه پیدا کند، ناچار کشور فرانسه شاهد و ناظر انحطاط و تنزل فاحش خود خواهد بود. «۱»

این خطر و پیامد منفی آنچنان آینده و بقای کشورهای صنعتی غرب را تهدید می‌کند که دولتمردان و سیاستمداران آن سامان را به اتخاذ سیاست و تدابیر تشویقی برای افزایش بارداری ناگزیر ساخته است. به گفته یکی از کارشناسان جمعیت شناسی «اصلی‌ترین سیاست کشورهای توسعه یافته در سال‌های اخیر سیاست جمعیتی تشویق ولادت بوده است.» «۲»

چهارچوب تئوریک رشد منفی جمعیت و مفاد گزاره‌های فمینیستی در کنوانسیون

علت اصلی و اساسی این سیر نزولی جمعیت در کشورهای فمینیستی، پیامد اجتماعی چه متغیر مستقلی است؟

در پاسخ به سؤال فوق و در بررسی و تحلیل رشد منفی جمعیت، صاحب نظران و منتقدان اجتماعی بر نقاط مشترکی دست گذاشته‌اند، ولی علل و عواملی که از سوی آنان برای این پدیده ناخواسته معرفی شده، همان اموری است که فمینیست‌ها در مفاد کنوانسیون بدان توصیه، سفارش و تاکید می‌کنند:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۵

الف- اشتغال بانوان

اشتغال بانوان و ایجاد فرصت‌های شغلی برابر با مردان که فمینیست‌ها در ماده ۸۱ کنوانسیون بدان توصیه و تاکید کرده‌اند، از سوی جمعیت‌شناسان و محققان اجتماعی از جمله عوامل اصلی کاهش میزان رشد جمعیت در کشورهای غربی و صنعتی معرفی شده است.

اشتغال بانوان

خستگی مفرط و پدیداری پدیده فشار مضاعفعدم گرایش بانوان به مادریکاهش سطح باروری و بارداریکاهش نرخ جمعیت و رشد منفی آنانقراض تدریجی نسل ارتباط میان این دو متغیر (اشتغال زنان و سقوط رشد جمعیت) در نزد جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان به قدری بدیهی است که برای کنترل و تعدیل رشد جمعیت در کشورهای جهان سوم، اشتغال بانوان را

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۶

توصیه می‌کنند: «۱» خانم «اندره میشل» در کتاب جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج در بررسی عوامل کاهش میزان جمعیت در

کشورهای صنعتی می‌نویسد:

«در کشورهای صنعتی، مطالعات نشان می‌دهد که نقش زن در خانواده دگرگون شده؛ زن ازدواج کرده که در خارج از منزل کار می‌کند، وظایف سنگین مربوط به خانه را نیز انجام می‌دهد، پس این سوال پیش می‌آید که آیا وظایف دو جانبه ما در جامعه امروزی تا حدودی در کاهش متولدین موثر نیست؟ آمار فرانسه و آمریکا- من باب مثال- نشان می‌دهد که تعداد کودکان زنان شاغل معمولًا نسبت به زنانی که شاغل نیستند، کم‌تر است. در پاریس، یک مطالعه نمونه‌گیری احتمالی روی ۴۵۰ خانواده پاریسی نشان داده که میانگین تعداد فرزندان زنان ازدواج کرده شاغل ۴۸/ ۱ است و میانگین آن برای زنانی که کار نمی کنند ۵۰/ ۲ است. در ایالات متحده آمریکا تعداد فرزندان با تعداد سال‌هایی که زن ازدواج کرده شاغل است، نسبت معکوس دارد.» «۲»

به هر حال کشورهای فمینیستی مغرب زمین، امروزه به سر دو راهی دشواری قرار گرفته‌اند؛ آیا بر شعار تساوی و برابری پافشارند و اشتغال بانوان را پا به پای مردان ترویج کنند، یا از شعار جهانی خود (ضرورت اشتغال برابر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۷

زنان با مردان) دست بردارند و به برگشت بانوان به خانه برای تولید نسل و بهبود نرخ رشد جمعیت رضایت دهند؟

ب- روابط جنسی آزاد

از نظر کارشناسان علوم اجتماعی یکی دیگر از عوامل رشد منفی جمعیت در غرب، گسترش فزاینده روابط عاطفی و جنسی آزاد است. مواد ۱ و ۳ کنوانسیون، جوامع انسانی را از اعمال هرگونه محدودیت زنان به سبب تمایزها و تفاوت‌های جنسیتی بر حذر می‌دارد و این گونه محدودیت‌ها را تبعیض ناروا بر زنان و ممنوع می‌شمارد. دقیقاً بر هیمن اساس کنوانسیون در بند «ج» از ماده ۱۰ خواستار اختلاط و ارتباط آزاد دختران و پسران در مدارس می‌شود و در بند «الف» از ماده ۵ نیز الغای رسوم و روش‌های سنّتی، تعصب آمیز و کلیشه‌ای را در روابط زن و مرد توجیه می کند.

در الگویی که گزاره‌های فمینیستی و کنوانسیون از روابط اجتماعی زن و مرد ارائه می‌دهند، زنان مانند مردان آزادند با هر فردی که دوست دارند، روابط عاطفی و دوستانه برقرار کنند و در این راه، تفاوت‌های جنسی و طبیعی آنان با مردان مجوز معقول و مشروعی برای ممنوعیت رابطه دوستی آنان با مردان نیست. پیامد طبیعی و منطقی چنین توصیه‌ای که در کشورهای اروپایی و صنعتی غرب به دقت عمل می‌شود، طبق آمار و واقعیت موجود در

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۸

این گونه کشورها، افزایش چشمگیر میزان روابط جنسی نامشروع به ویژه در قشر دانش‌آموزان دبیرستانی و حتی راهنمایی، است. بنا بر برخی برآوردها شمار افرادی که در آمریکا قبل از نخستین ازدواج خود تجربه زندگی مشترک خارج از ازدواج با دیگری را داشته‌اند، از ۱۱ درصد در سال ۱۹۷۰ به حدود ۵۰ درصد در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. به ادعای یک پزشک آمریکایی که در یکی از زایشگاه‌های این کشور فعالیت داشته و در مورد مشکلات محل کار خود مقاله‌ای نوشته است، بیشتر موالیدِ مربوط به زنان پایین‌تر از ۲۰ سال و تقریباً ۹ درصد از زایمان‌های زنان سیاه پوست همسن آنان مربوط به موالید نامشروع بوده است. «۱»

نکته‌ای که در این مطلب به بحث ما (رشد منفی جمعیت در غرب) مربوط می‌شود، این است که شیوع روابط آزاد زنان و مردان موجب ارضای غرایز و نیازهای جنسی آنان می گردد و تمایل نداشتن به تشکیل خانواده که دارای بار مسئولیت است، یا تاخیر در سن ازدواج را به دنبال دارد:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۴۹

عمل به مفاد گزاره‌های فمینیستی و آزادی روابط عاطفی زن و مرد

روابط جنسی نامشروعارضای غرایز جنسیعدم تمایل به ازدواج و تشکیل خانوادهعدم تشکیل خانواده و زندگی مشترکبالا رفتن سن

ازدواجکاهش نرخ زاد و ولـد و رشـد منفی جمعیت آمارهای اجتماعی در کشورهای اروپایی و صـنعتی نشان می‌دهـد میان رشـد و افزایش روابـط جنسـی نامشـروع و تاخیر در ازدواج، همبسـتگی و رابطه مسـتقیم وجود دارد؛ یعنی به همان میزان که فراوانی روابطه نامشروع افزایش می‌یابد، سن ازدواج نیز بالا می‌رود و پدیده خانواده گریزی بروز می‌کند.

خانم اندره میشل در گزارش یونسـکو (۱۹۹۱- ۱۹۹۲) اعلام می‌کنـد که شـمار فزاینـده‌ای از مردان و زنان در پی زندگی مشترکی هسـتند بیرون از مـدار ازدواج قراردادی در سراسـر اروپـا. افزایش شـمار وصـلت‌های غیررسـمی، کاهش در میزان ازدواج را ترسـیم می‌کند. تنها در فرانسه که در این زمینه از کشورهای اسکاندیناوی بسیار عقب‌تر است، ده درصد ازدواج‌ها

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۵۰

(حدود یک میلیون زوج) در دایره وصلت‌های آزاد با هم زندگی می‌کنند. این نسبت میان زوج‌های جوانی که در پاریس و حول و حوش آن زندگی می‌کنند و سن مرد در میان آن‌ها از ۲۵ سال کم‌تر است تا ۵۰ درصد بالاتر می‌رود.

گزارش کارشـناسان اجتمـاعی مرکز امور مشـارکت زنـان ریـاست جمهوری دربـاره وضـعیت سیاسـی و اجتمـاعی آمریکـا نیز نشان می‌دهـد که رواج ارزش‌هـای جدیـد جوامع صـنعتی و غربی همچون همجنس بازی، زنـدگی مشترک خارج از چهارچوب ازدواج، روابط جنسی غیر مشروع ... در آمریکا، ازدواج سنتی و خانواده را با تهدیدات زیادی مواجه کرده‌اند. در طی دو سه دهه گذشته در کشورهای غربی زنـدگی مشترک خارج از ازدواج رشـد زیادی کرده است. در نروژ، دانمارک و سوئـد از هر ۱۰ زوج ۳ تا ۴ زوج زنـدگی مشترک خارج از ازدواج دارند. این نرخ در سوئیس، فرانسه، انگلسـتان و هلند بین ۱ تا ۲ و در ایتالیا، اسپانیا، ایرلند و سایر کشورهـای کاتولیـک کم‌تر است. امروزه آمار زنـدگی مشترک خارج از ازدواج در آمریکا رشـد نگران کننـده‌ای یافته است؛ بنابر برخی تخمین‌هـا، تعـداد افرادی که قبـل از نخستین ازدواج خود تجربه زنـدگی مشترک خـارج از ازدواج را با دیگری داشـته‌اند، از ۱۱٪ در سال ۱۹۷۰ به ۵۰٪ در سال ۱۹۹۳ افزایش یافته است. ... «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۵۱

۲. روابط نامشروع جنسی

دومین پیامد اجتماعی اجرای مفاد گزاره‌های فمینیستی و کنوانسیون در مغرب زمین رشد فزاینده «روابط جنسی خارج از چهارچوب خانواده» است. فمینیست‌ها با التزام به ضـرورت نادیده‌انگاری تفاوت‌های جنسـی و طبیعی میان زنان و مردان، از آزادی روابط زن و مرد و حتی اختلاط آزاد جنسـی آنان در مدارس، حمایت و به آن توصـیه کرده‌اند. جوامع غربی این توصـیه را مانند توصـیه پیشـین (فرصت‌های برابر شـغلی برای زنان و مردان) تحت تاثیر جنبش‌های فمینیستی پذیرفتند و دقیقاً اجرا کردند و جامه عمل پوشاندند، به گونه‌ای که مـدارس و ورزشـگاه‌های مختلط از نمادهای برجسـته آن است؛ اما این تمام داسـتان نیست. ناگفته پیـدا است که روابط آزاد جنسـی، بستری مناسب برای رشد و گسترش تمایلات جنسـی است. نظریات روان‌کاوی در مورد رفتار جنسی مؤید این واقعیت است؛ برای مثال، می‌توان به نظریه «هورنای» در باره تمایلات جنسـی اشاره کرد. هورنای معتقد است علت این‌که گاه نیاز به محبت به صورت تمایلـات جنسـی در می‌آیـد، عوامـل مختلفی از جمله اوضـاع و احوال فرهنگی و تربیتی است. در اجتماع‌هایی که روابط جنسی آزاد است، بسیاری از احتیاجات روانی شکل تمایلات جنسی پیدا می‌کنند و به صورت عطش جنسی در می‌آیند. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۵۲

مطالعـات و تحقیقـات اجتماعی که جامعه‌شـناسان و روان‌شـناسان اجتماعی در آمریکا و کشورهای اروپایی انجام داده‌انـد، نیز موید نظریه فوق است.

«هـانت» نتایـج تحقیقـات خود را در بـاره رفتارهـای جنسـی در مردان و زنـان در مقایسه با تحقیقات «کین» در سـی سال گذشـته در کتابی به نام رفتار جنسـی نگاشت که در اوایل دهه ۱۹۷۰، مؤسسه (yob yalp) آن را منتشـر کرد. نتیجه مقایسه تحقیقات هانت و

کین در ۲۴ ایالت از ایالات متحده انجام شده، بیانگر آن است که در دهه‌های اخیر، آمیزش جنسی قبل از ازدواج بر اثر آزادی‌های جنسی افزایش یافته است؛ اما آمریکاییان سعی داشته‌اند که نتایج تحقیقات هانت را اشتباه جلوه دهند تا خود را از مشکلات مربوط به آن برهانند. «۱»

گزارش نشریه آمریکایی ریدرز دایجست در سپتامبر ۱۹۹۶ نیز نظریه «هورنای» و نتایج تحقیقات «هانت» را تایید کرد. طبق این گزارش، هر ساله ۳۵۰ هزار دختر نوجوان آمریکایی در سنین بین ۱۵ تا ۱۹ (دوره دبیرستان) به سبب ارتباطهای نامشروع آبستن شده و فرزندان غیر قانونی خود را به دنیا می‌آورند که این آمار در دهه‌های اخیر، سال به سال در حال افزایش است. این دختران با رؤیایی چون ازدواج با دوستان پسرشان، اتمام تحصیلات، شروع یک زندگی ایده‌آل و دست‌یابی به یک شغل مناسب، به این ارتباط

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۵۳

غیر قانونی روی می‌آورند، ولی بسیار زود پرده‌های سراب‌گونه این اوهام به کنار رفته و واقعیت زندگی روی خود را نشان می‌دهد و متاسفانه این بیداری درست در زمانی به دست می‌آید که این دختران نوجوان دیگر شأنی برای برخورداری از یک زندگی سالم و ایده‌آل ندارند.

این نشریه در ادامه گزارش خود، با اشاره به چگونگی آشنایی و برقراری ارتباط این دختران نوجوان با هم‌کلاس‌هایی پسرشان، طی گفتگویی با برخی از این دختران به نقل از یکی از آن‌ها می‌نویسد:

«ای کاش زمان به عقب بر می‌گشت! ای کاش من به عنوان عضوی از خانواده در میان والدینم جای داشتم! ای کاش هنگامی که زمینه‌های ایجاد یک ارتباط نامشروع برایم فراهم شده بود، کمی هم به زندگی آینده‌ام می‌اندیشیدم و این گونه به پایان خط نمی‌رسیدم!» «۱»

آمارهای نگران کننده فراوان در این زمینه ارائه شده است که برای رعایت اختصار از بیان آن صرف‌نظر می‌کنیم؛ اما از آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که: اولًا: روابط نامشروع و خانواده‌های پیش از ازدواج، در آغاز پدیده‌ای رایج اما ناخواسته و زیانبار نزد افکار عمومی غرب بوده است و ثانیاً: رواج این پدیده از نظر جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی غربی، ارتباط و همبستگی مستقیمی اجرا و تحقق گزاره‌های فمینیستی، به ویژه آزادی روابط زن و مرد، دارد؛ اما قضیه به همین جا ختم نمی‌شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۵۴

برای آگاهی دقیق از پیامدهای اجتماعی اجرای مفاد گزاره‌های فمینیستی، به ویژه آزادی روابط و اختلاط زن و مرد، در غرب باید جاده روابط نامشروع را تا پایان بپیماییم؛ به بیان دیگر، نانی که دیدگاه‌های فمینیستی بر سر سفره غربی‌ها گذاشته‌اند، در ظاهر به گسترش روابط نامشروع ختم می‌شود، ولی واقعیت پنهان آن سقط جنین، موالید نامشروع، خشونت و تجاوز به زنان، خانواده‌های تک والدینی (مادر و فرزند)، بیماری‌های عفونی، واخوردگی جنسی و گرایش به همجنس بازی، روسپی‌گری و فروپاشی بنیاد خانواده است که از آن به بحران اخلاق و خانواده در غرب یاد می‌کنند. «۱»

در این‌جا از نمایی نزدیک، با گوشه‌ای از ارقام و آمار موجود درباره پیامدهای روابط غیر رسمی در غرب آشنا می‌شویم:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۵۵

۱- ۲. نوزادان ناخواسته

بی‌شک موالید نامشروع بدیهی‌ترین پیامد روابط غیررسمی در غرب است. به گفته «اندره میشل» در ایالت متحده آمریکا درصد متولدین کودکان نامشروع سفید پوست و غیر سفید پوست در یک دوره سی ساله بالا رفته است. از سال ۱۹۴۰ تا سال ۱۹۶۹ از صد کودک به دنیا آمده غیرسفیدپوست، هفده کودک نامشروع بوده و در سال ۱۹۶۹ این درصد به ۳۱ رسیده است و برای سفید

پوستان در دوره یاد شده افزایش از ۲ درصد به ۳/ ۵ درصد می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۵۶

امروزه یکی از بزرگ‌ترین معضلات جامعه آمریکا حاملگی دختران نوجوان و زایمان‌های نامشروع آنان است. طی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۸ نسبت دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله آمریکایی که سابقه آمیزش جنسی داشتند، از ۴۷ درصد به ۵۲ درصد افزایش یافت و با توجه به این‌که اکثر آنان از وسایل پیشگیری از بارداری نیز استفاده نمی‌کردند، آمار موالید نامشروع نیز افزایش چشمگیری یافت. «۱»

نوزادان نامشروع، عقده‌های روانی و فشارهای زندگی

حال که جریان بحث، به میزان فزاینده موالید ناخواسته در غرب رسید، بد نیست به واقعیتی تلخ در این باره اشاره کنیم. موالید نامشروع در کشورهای غربی، سرنوشت شومی پیش رو دارند. آن‌ها محکوم‌اند که در کنار مادر (خانواده‌های تک والدینی)، اقوام و بستگان مادر یا در پرورشگاه‌ها زندگی سخت و پر مشقتی را سپری کنند و از آن بدتر، عنوان تحقیر آمیز و شکننده «بچه سر راهی و نامشروع» را تا پایان عمر بر دوش کشند. موالید نامشروع به سهم خود عامل بسیاری از بحران‌ها، ناامنی‌ها و انحراف‌ها در جوامع غربی بوده و هستند که امروزه قتل‌های خیابانی و خودکشی‌های جوانان و ... معلول همین علت است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۵۷

۲- ۲. سقط جنین

روابط غیررسمی و آبستنی‌های ناخواسته راهی است که در پایان به موالید نامشروع یا سقط جنین می‌انجامد؛ به بیان دیگر سقط جنین در کنار تولد موالید نامشروع، آخرین ایستگاهی است که روابط آزاد بدان منتهی می‌شود؛ از این رو، در کنار شمار روزافزون موالید نامشروع آمار سقط جنین در کشورهای غربی به ویژه دانش‌آموزان همواره رو به افزایش بوده است:

بنابر آمارهای منتشر شده در سال ۱۹۹۳ هر ساله حدود یک میلیون زن نوجوان آمریکایی حامله می‌شوند که ۴۰ درصد آنان داوطلبانه و ۱۳ درصد آن به علت بیماری، اقدام به سقط جنین می‌کنند و ۴۷ درصد باقی، فرزند نامشروع خویش را به دنیا می‌آورند. نرخ سقط جنین‌های قانونی که در سال ۱۹۹۱ در آمریکا صورت گرفته ۹۳۷/ ۳۸۸/ ۱ مورد بوده است؛ به سخن دیگر، در این سال در مقابل هر هزار نوزادی که متولد شده، ۳۳۹ مورد سقط جنین صورت گرفته که رقم بسیار بالایی است. «۱»

این پدیده ناهنجار که معلول روابط آزاد جنسی به ویژه اختلاط دختران و پسران دانش‌آموز است، خطری است که جان شمار زیادی از زنان را تهدید می‌کند؛ از این رو، همان کسانی که دیروز از روابط آزاد و اختلاط دختران و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۵۸

پسران دانش‌آموز (که زمینه را برای روابط نامشروع و آبستنی‌های ناخواسته فراهم کرده‌اند) حمایت می‌کردند، امروزه فریادشان به وانفسا برخواسته است. در ماده ۹۶ از اعلامیه پایانی چهارمین کنفرانس جهانی زنان (پکن ۱۹۹۵) آمده است:

سقط جنین‌های ناایمن جان شمار زیادی از زنان را تهدید می‌کند و بیانگر مسئله‌ای خطیر در بهداشت عمومی است؛ زیرا عمدتاً فقیرترین و جوان‌ترین افراد در معرض بیشترین خطرها قرار می‌گیرند.

سپس در بند دال از ماده ۱۰۶ با عنوان «اقداماتی که باید اتخاذ شود» برای جلوگیری از این پدیده شوم آمده است:

بررسی و بازنگری قوانینی که در بردارنده اقدامات جزایی علیه زنان است که به سقط جنین غیر قانونی دست زده‌اند، در پرتو مفاد بند ۲۵/ ۸ برنامه عمل کنفرانس بین المللی جمعیت و توسعه می‌باشد که بیان می‌دارد: تحت هیچ شرایطی نباید سقط جنین به عنوان روش تنظیم خانواده مطرح گردد و از دولت‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط بین الدولی و غیر دولتی مصرّاً درخواست می‌شود تعهد خویش را به بهداشت زنان تحکیم بخشند و با پیامدهای سقط جنینِ ناایمن به منزله یکی از نگرانی‌های عمده بهداشت عمومی برخورد نمایند.

۳- ۲. گسترش روسپی گری و شیوع بیماری‌های مقاربتی

گسترش روسپی گری و بیماری‌های عفونی و مقاربتی را باید از ضلع‌های دیگر مثلث شوم روابط آزاد جنسی برشمرد؛ به بیان دیگر، روابط آزاد جنسی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۵۹

نقطه عزیمت و سکّوی پرش به سوی روسپی گری و بیماری‌های مقاربتی است. این پدیـده به ویژه در بین دختران جوانی که به طور ناخواسته، آبستن و صاحب فرزند (یا فرزندان) نامشروع شده‌اند، شایع است؛ زیرا بدین وسیله فرصت‌های اشتغال و تحصیل را از دست می‌دهنـد و برای تـامین هزینه‌هـای زنـدگی و رهایی از فقر به خودفروشـی رو می‌آورنـد. ارتباط و همبسـتگی واقعی میان سه پدیده یاد شده به گونه‌ای است که حتی مراکز رسـمی بین المللی که مروج روابط آزاد دختران و پسران بوده‌اند، نتوانسته‌اند آن را انکار کنند، بلکه به اشاره آن را تأیید کرده‌اند. اعلامیه جهانی پکن (۱۹۹۵) در ماده ۱۲۲ ضمن تایید روابط و همبستگی میان روابط آزاد و آمیزش نامشروع، پیامدهای روابط آزاد دختران و پسران (آبستنی‌های ناخواسته و بیماری‌های مقاربتی) به ویژه در مدارس و آموزشگاه‌ها را هشدار می‌دهد و برای کنترل این عواقب زیانبار، طرح‌ها و برنامه‌های آموزش جنسی را توصیه می‌کند؛ از سوی دیگر، همین اعلامیه خطرهای مادر شدن زود هنگام دختران جوان و پیامدهای آن (ترک تحصیل و از دست دادن فرصت‌های اشتغال) را که به فقر شدید آنان ختم می‌شود، گوشزد می‌کند:

دختران نوجوان، هم از نظر زیست‌شناختی و هم از نظر ویژگی‌های روانی- اجتماعی در برابر سوء استفاده و خشونت جنسی و روسپی گری و نیز پیامدهای روابط جنسی بی محافظه و پیش از بلوغ آسیب پذیرند. روندی که هم‌اینک به راستای تجربه زود هنگام جنسی پیش می‌رود، همراه با فقدان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۶۰

اطلاعات و خدمات، احتمال خطر آبستنی‌های ناخواسته و بسیار زود هنگام، آلودگی به ایدز و دیگر بیماری‌هایی که انتقالشان از طریق دستگاه جنسی است و نیز سقط جنین‌های نا ایمن را افزایش می‌دهد. فرزند آوری زود هنگام همچنان یکی از موانع بهبود منزلت آموزشی، اقتصادی و اجتماعی زنان در همه نقاط جهان است. ...

روابط آزاد

افزایش نرخ روابط غیررسمیافزایش نرخ خانواده‌های متشکل از مادر و فرزند (فرزندان) از دست رفتن فرصت‌های اشتغال و تحصیل برای دختران جوان مادر شدهفقر شدید اقتصادیخودفروشی (فحشا) بیماری‌های عفونی و مقاربتی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۶۱

۴- ۲. افول ازدواج و تشکیل خانواده

برای بررسی پیامدهای روابط جنسی آزاد در غرب، اینک بر اساس آخرین گزارش، به سقوط آمار ازدواج و تشکیل خانواده در غرب می‌پردازیم.

خانواده یکی از کهن‌ترین، گسترده‌ترین و کارآمدترین نهادهای اجتماعی است. قدمت این نهاد به آغاز زندگی بشر باز می‌گردد. گستره خانواده به یک منطقه یا قبیله اختصاص ندارد، بلکه چتر جغرافیایی آن همه جوامع، ملل، قبایل و نژادها را در بر می‌گیرد. اگر چه دنیای مدرن و فرهنگ مدرنیته، بسیاری از عناصر و مولفه‌های سنتی زندگی اجتماعی را ناکار آمد و از صحنه خارج کرد، کارکردهای متنوع، متعدد و انکارناپذیر این درخت کهن به گونه‌ای است که سازمان‌های بین المللی در سال‌های اخیر برای حفظ، احیا و گسترش آن در مقابل امواج سهمگین و خانمان‌برانداز فرهنگ مدرنیته سالی را به نام «سال خانواده» تعیین کردند.

ضعف و رخوت این نهاد کهن و مبارک را هیچ جامعه‌ای بر نمی‌تابد. این در حالی است که فرهنگ مدرن در کشورهای صنعتی

غرب سر ناسازگاری با ازدواج و تشکیل خانواده گذاشته و آمار ازدواج و تشکیل خانواده در این گونه جوامع در دهه‌های اخیر سیر نزولی شدیدی داشته است. گزارش اداره کل غرب اروپا- وزارت خارجه- از آخرین شاخصه‌های جمعیتی اروپا خبر داده است. طبق این گزارش در سراسر اروپا ازدواج قانونی در خطر انحطاط قرار دارد. نرخ ازدواج که در سال ۱۹۸۰ به میزان ۶/۳ در هر ۱۰۰۰ نفر بوده، اینک به ۰۰۵٪ کاهش یافته است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۶۲

گزارش یاد شده که به آمار و گزارش‌های «یورو استارت» (ارائه آمار کمیسیون اروپا) مستند است، در جایی دیگر اعلام می کند که میزان ازدواج در اروپای مرکزی و شرقی در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷ به طور فاجعه آمیزی به نصف و حتی کم‌تر سقوط کرده است.

امروزه با توجه به کاهش شدید ازدواج در آمریکا، ساختار خانواده در این کشورها با مشکلات متعددی رو به رو شده است. در مورد کاهش میزان ازدواج در این کشور همین بس که ۱۲ درصد از زنان ۳۵ تا ۳۹ ساله در سال ۱۹۹۱ هرگز ازدواج نکرده بودند. این میزان در سال ۱۹۹۸ تنها ۶/۲ درصد بود و در طی ۱۰ سال تقریباً دو برابر شده است. «۱»

علت رکود ازدواج و تشکیل خانواده در غرب

اکثر قریب به اتفاق کارشناسان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی، علت اساسی این پدیده را گسترش روابط آزاد و نامشروع جنسی پیش از ازدواج دانسته‌اند. ناگفته پیداست که غریزه جنسی و نیاز به محبت و عاطفه، از جمله علل و انگیزه‌های اصلی گرایش انسان به ازدواج و تشکیل خانواده است؛ از این رو، جوامع انسانی در طول تاریخ برای پاسخ‌گویی به نیازهای جنسی و عاطفی بیشتر- نوعاً- به ازدواج و تشکیل خانواده روی آورده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۶۳

حال اگر نیازهای مذکور از راهی آسان‌تر، کم هزینه‌تر، متنوع‌تر، با کم‌ترین مسئولیت فردی و اجتماعی تامین و تدارک شود، بدیهی است که ازدواج و تشکیل خانواده حداقل در بدو امر مطلوبیت خود را از دست می‌دهد. روابط آزاد جنسی زن و مرد در غرب پدیده جدیدی است که به سبب تنوع، تعدد و کم‌ترین مسئولیت قانونی طرفین، با استقبال عمومی روبه‌رو شده و توانسته است رقیب دیرینه خود (خانه و خانواده) را از صحنه خارج کند. یکی از جامعه شناسان معاصر ضمن تایید نظریه فوق می گوید:

«خانواده که در غرب یکی یکی این ابعاد را که در گذشته داشت و امروز دارد از دست می‌دهد، اصلی آن را فقط ارضای نیاز جنسی تشکیل می‌دهد. حالا اگر این نیاز با توجه به بی‌بند و باری و انحطاط فرهنگی حاکم بر غرب، به راحتی قابل دسترسی باشد و فرد هر وقت و هرگونه که خود خواست این نیاز را ارضا کند، دیگر چه ضرورتی دارد ازدواج کند؟ یعنی واقعاً فلسفه تشکیل خانواده به دلیل وجود مؤسسات بیرونی که نیازها را به راحتی برطرف می کند، دارد از بین می‌رود ...» «۱»

گزارش مقایسه‌ای اداره کل غرب اروپای وزارت خارجه نشان می‌دهد به همان نسبت که آمار روابط آزاد و نامشروع جنسی در کشورهای غربی رو به

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۶۴

افزایش است، آمار ازدواج و تشکیل خانواده سیر نزولی دارد. در این گزارش که مربوط به سال ۱۹۹۸ میلادی است، آمده است: بر اساس گزارشی که از سوی یورو استارت- اداره آمار کمیسیون اروپا- منتشر شده، تقریباً یک چهارم نوزادان در اتحادیه اروپا خارج از چهارچوب‌های زناشویی متولد می‌شوند. این تناسب در سال ۱۹۸۰ کم‌تر از ۱۰ درصد بوده است. ... به گزارش «یورو استارت»، زندگی در شرایط غیر زناشویی به طور فزاینده‌ای در حال رشد است. این ارزیابی به خصوص در کشورهای اسکاندیناوی (که مصداق برابری زن و مرد در آن سامان، بیش از دیگر کشورهاست) مصداق بیشتری دارد. در ایسلند از هر سه کودک متولد

شـده، دو نوزاد و در دانمارک رسـتونی، نروژ و سوئد نیمی از نوزادان خارج از پیمان‌های زناشویی متولد می‌شوند. ... این در حالی است که، همـانطور که بیان شـد، در سراسـر اروپا ازدواج قانونی در خطر انحطاط قرار دارد؛ نرخ ازدواج که در سال ۱۹۸۰ به میزان ۶/۳ در هر ۱۰۰۰ نفر بوده، اکنون به ۰۰۵٪ کاهش یافته است.

فرانسـیس، کاری و کریستین کوری در مقاله «ساختارهای جدید خانواده» که مجله پیام یونسـکو به چاپ رسـیده است، این وضعیت (رواج و گسترش روابط آزاد جنسـی و از هم پاشـیدگی خانواده) را در غرب به صراحت از پیامدها و امتیازهای نهضت برابری زنان اعلام کرده‌اند و می‌نویسند: «نهضت زنان در ارتقای مقام زن تا حد برابری او با مرد در به دست آوردن حق سقط

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۶۵

جنین و اسـتفاده از وسایـل جلوگیری از آبسـتنی و آزادی عمـل و آوردن خواسـته‌های زن بیرون از کـانون خانواده و دایره زناشویی پیشرفت کرده و موقعیت او را تحکیم کرده است. با این شیوه آزاد زندگی، زنان دیگر مکلف نیستند به شیوه محدود و انعطاف‌پذیر گذشته، میان زوج بودن، مادر بودن و شغل داشتن یکی را برگزینند.» «۱»

۵- ۲. همجنس گرایی

شیوه روابـط آزاد و تعـدد آن از علـل عمـده پدیـده واخوردگی جنسـی و گرایش به همجنس بازی در کشورهای صـنعتی به شـمار می‌آیـد. در حقیقت همجنس بازی و پیامـدهای آن ماننـد ایدز برای اولین بار در کشورهای صـنعتی به ویژه در آمریکا مشاهده شد؛ کشوری که روابط زن و مرد و ارضای نیازهای جنسـی در متنوع‌ترین، متعددترین و افراطی‌ترین شکل آن، آزاد و متداول است؛ تنها ۶۵ درصـد از آمریکاییـان با همجنس بازی مخالف بوده و طبق آخرین آمار بیش از ۸۰ درصـد از مبتلایان به ایدز در قاره آمریکا و اروپا زندگی می‌کنند. «۲»

برخی از فمینیست‌های معاصـر، این گونه روابط جنسـی را جایگزینی برای «خانواده سـنتی» در عصر برابری زن و مرد دانسته و از آن به عنوان «خانواده شاد» یاد کرده‌اند. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۶۶

۳. خشونت جنسی علیه بانوان

در جوامعی که بـا نادیـدانگاری تفاوت‌هـای زیسـتی و طـبیعی، روابـط آزاد و برابر زنـان و مردان تشویق و ترویـج و بر آن پافشـاری می‌شود، روابط ناسالم و خشونت جنسـی دو روی یک سـکه‌اند؛ به بیان دیگر، در روابط آزاد زن و مرد اگر تمایل آنان به یکـدیگر دو سویه و متقابل باشـد، به پیونـدهای مشـروع و نامشـروع ختم می‌شود، اما اگر تمایل یک طرفه باشد و زن علاقه و تمایلی به ایجاد رابطه نداشـته باشد، در بسـیاری موارد پدیده‌ای با نام تجاوز و خشونت جنسـی و در مواقعی آزار جنسی رخ می‌نماید. این پدیده در کشورهای صـنعتی غرب در دهه‌های اخیر همواره رو به افزایش بوده است. در این‌جا نیز جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی علت اساسی این پدیده را رابطه آزاد زن و مرد و به ویژه تحریکات زنانه معرفی کرده‌اند.

تمایل دو طرفه روابط نامشروع

روابط آزاد و برابر زن و مرد

مشکلات زنان و بحران اخلاقی

در کشورهای صنعتی غرب

تمایل یک طرفه خشونت و آزار جنسی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۶۷

دانیل سیلورمن (۱۹۷۸) از مشـاوران بحران تجـاوز درباره زنانی که مورد خشونت و تجاوز جنسـی قرار گرفته‌انـد، می گویـد: «چنین زنانی پس از مدت کمی دچار پشـیمانی شده و خود را سـرزنش می کنند و پیوسـته این جملات را بر زبان جاری می کنند: ای کاش آن لباس را نپوشیده بودم تا جلب توجه کنم! ای کاش به او لبخند نزده بودم! ...» «۱»

واقعیت‌های موجود نیز فرضـیه فوق را تایید می کند. بررسی‌ها و تحقیقات اجتماعی در کشورهای صنعتی غرب نشان می‌دهد در این گونه جوامع که روابـط زن بـا مرد آزاد است و زنان از پوشـش مشابه مردان برخوردارنـد و هیـچ محـدودیتی ندارنـد، آمار خشونت جنسی و تجاوز به عنف رو به افزایش است. «میشل اوبرمن» در مقاله‌ای در نشریه حقوق زنان برکلی به این نتیجه می‌رسد:

«اگر سـقط جنین به صورت قـانونی متوقف شود، زنـان اصلًا نمی‌تواننـد زنـده بماننـد. علتش این است که فرهنـگ آمریکـا فرهنگ تجـاوز است؛ فرهنگی که در آن زنـدگی زنان به خاطر ترس از خشونت جنسـی همه جا حاضـر، محـدود شـده است ... همه زنان با خطر تهاجم جنسی مردان زندگی می کنند و با خطر حاملگی ناخواسته.» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۶۸

طبق آمارهـای سال ۱۹۹۲ در هرشـش دقیقه یک‌بـار یـک تجـاوز جنسـی در آمریکـا صـورت می گیرد. در برخی شـهرهای آمریکا همچون «سـنت لوئیز» آمار تجاوز گزارش شده به زنان نسبت به هر ۰۰۰ /۱۰۰ نفر از جمعیت در سال ۱۹۹۲، ۱۷۳۳ مورد بوده است که آمار بسـیار بالایی است. در شـهرهایی همچون والاس، هرستون و نیویورک نیز آمار جنسی نسبت به دیگر ایالات بسیار بالا بوده است. «۱»

از پیامدهای ناگوار خشونت و تجاوز جنسی برای فرد و جامعه همین بس که زنان قربانی تجاوز، از فشار روانی، عصبانیت و احساس گنـاه شدیـدی رنـج می‌برنـد. «بـورکس» و «لینـداهلموستروم» که در این زمینه به مطـالعه و تحقیـق پرداخته و اثر تجـاوز را بـا عنـوان «سـندرم ضـربه تجاوز» مطرح کرده‌اند، واکنش قربانی را در اثر تجاوز به دو مرحله تقسـیم می کنند: ۱. مرحله حاد ۲. مرحله تجدید سازمان

در مرحله حـاد، حـالتی از گسـیختگی و بی نظمی روانی در شـیوه زنـدگی زن مورد تجاوز بروز می کنـد و احساساتی از قبیل ترس، شوک، نگرانی و احساس گناه شدیـد دیـده می‌شود. حادترین واکنش قربانی در برابر تجاوز، سـردرگمی است. زنان پس از تجاوز، خود را کالای صدمه دیده‌ای می‌دانند که از جامعه اخراج شده‌اند و جایی برای رفتن ندارند. در مطالعه وسیعی که در آمریکا

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۶۹

صـورت گرفت و در سـال ۱۹۹۰ گزارش شـد، «ینفیلـد» و همکـارانش بین تهاجم جنسـی و افسـردگی رابطه معنادار ۹۳ /۱۲ درصد یافتنـد. امـا در مرحله تجدیـد سازمان، زن می کوشـد آنچه را بر او گذشـته است، فراموش کنـد و برای تحقق این هـدف، خود را به کارهای عادی مشغول می‌نماید. مهم‌تر آن‌که نگرش جامعه و به ویژه مردان به این‌گونه زنان تغییر می کند و با آنان به عنوان کالای آسـیب دیـده برخورد می کنند. عکس العمل پدران با دختران خود که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، این است که آن‌ها را باید از خانه اخراج کرد یـا این‌که برای مـدتی در منزل زنـدانی شونـد. «سـیلورمن»، در این بـاره می‌نویسـد: اغلب این زنان مورد تنفر و سـرزنش همسران واقع شده‌اند و از نظر شوهرانشان زنانی سهل‌انگار و بی اراده‌اند. «۱»

پیامـد دیگر آن بر جـامعه زنان به گفته جامعه شـناسان و آسـیب شـناسان غرب، ایجاد فضایی از ترس، نگرانی و اضـطراب بر جامعه زنان کشورهای صـنعتی است؛ به همین سبب، کشورهای صنعتی غرب به ویژه آمریکا از شعارهای اولیه خود در باره حضور فیزیکی آزاد و برابر زنان در اماکن عمومی دست برداشـتند و برای مصونیت و حفاظت از زنان، تـدابیر و محدودیت‌های اجتماعی را وضع و توصیه کردنـد. آنچه در زیر می‌آیـد، فهرستی از «بایـدها و نبایـدها» برای زنانی است که سـعی دارند خطر تجاوز جنسـی را کاهش دهند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۷۰

این فهرست را یکی از سازمان‌های زنان در ایالات متحده آمریکا منتشر کرده است:

۱. خانه خود را تا آن‌جا که ممکن است ایمن کنید؛ قفل‌ها، پنجره‌ها، و درها باید در وضع مناسبی باشند؛ اگر به آپارتمان یا خانه جدیدی نقل مکان کردید، قفل‌ها را عوض کنید. واحد پیشگیری جنایت پلیس محلی می‌تواند در مورد ضرورت ضد دزد کردن محل سکونت، و در نتیجه ضد تجاوز کردن آن، شما را راهنمایی کند.

۲. اگر تنها زندگی می‌کنید:

الف- چراغ‌ها را روشن بگذارید تا تصور شود که بیش از یک نفر در خانه زندگی می‌کند.

ب- هنگامی که به زنگ در جواب می‌دهید، وانمود کنید که مردی در خانه است (با صدای بلند بگویید: «من نمی‌بینم چه کسی زنگ می‌زند.»)

ج- نام کوچک خود را روی زنگ در یا دفتر تلفن ننویسید، در عوض از حرف اول آن استفاده کنید.

۳. به طور کلی، از غریبه‌ها دوری کنید و هرگز در را به روی یک غریبه باز نکنید. همیشه از ماموران تحویل اجناس یا کارگران خدمات کارت شناسایی بخواهید (کارت شناسایی آن‌ها می‌تواند از زیر در به داخل انداخته شود) اگر بچه‌ها در خانه زندگی می‌کنند، مواظب باشید که آن‌ها در را به روی غریبه باز نکنند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۷۱

۴. اگر در یک خانه آپارتمانی زندگی می‌کنید، تنها وارد یک زیرزمین متروک، گاراژ، یا اتاق رختشویی نشوید یا تنها در آن‌جا نمانید.

نگاهی دیگر:

اگر به روابط زن و مرد از دیدگاه قرآن و اسلام بنگریم:

۱. شخصیت و حقوق زن قابل احترام است. (ر. ک: سوره نساء، بقره)

۲. روابط دختر و پسر قانون‌مند است و روابط نامشروع زن و مرد جایز نیست. «۱» (ر. ک: سوره نور و قصص)

۳. حریم خانواده محترم است.

۴. اسلام به ازدواج و تولید نسل تشویق می‌کند.

۵. شغل متناسب با روحیه و وقت خانم‌ها با توافق شوهر جایز است.

در نتیجه، در جوامع اسلامی مشکلات فوق (رشد منفی جمعیت و مشکلات جنسی و ...) یا اصلًا وجود ندارد یا کم‌تر پدید می‌آید، و معمولًا در مواردی که زن‌آزاری و مشکلاتی از این قبیل وجود دارد، در اثر عدم رعایت قوانین و اخلاق اسلامی است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۷۳

فصل دوم: عشق

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۷۵

عشق چیست و چرا باید عاشق شویم؟

اشاره

پرسش:

عشق چیست و چرا باید عاشق شویم؟ پاسخ:

مقدمه

عشق اصلی‌ترین میل و گرایش انسانی است که انسان را سریع‌تر از هر چیزی به خوشبختی کامل می‌رساند. عشق عامل بهسازی و تصفیه روح و روان بوده و همو است که به زندگی زیبایی می‌دهد. عشق بالاترین مقام را در زندگی دارد و در پرتو آن، زندگی لذت‌بخش می‌باشد. اگر انسان به این مقام برسد، دیگر بدون عشق زندگی نتوان کرد.

عشق را زماهی باید آموخت

که چون از آب گیرندش بمیرد الف- تعریف عشق

معنای لغوی عشق: در کتاب‌های لغت چند معنا برای واژه «عشق» ارائه شده که در این‌جا به معنای مشترک بین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۷۶

عشق عبارت است از علاقه شدید یا محبت از حد گذشته. «۱»

معنای اصطلاحی: علاقه به شخصی یا شیئی وقتی که به اوج شدت برسد، به گونه‌ای که وجود انسان را تسخیر کند و حاکم مطلق وجود او گردد، عشق نامیده می‌شود. «۲»

در زبان عربی، واژه «عشق» در اصل از ماده «عشقه» است و عشقه نام گیاهی است که در فارسی به آن «پیچک» می‌گویند که به هر چیزی برسد، دور آن می‌پیچد؛ مثلًا وقتی به گیاهی دیگر می‌رسد، دور آن چنان می‌پیچید که تقریباً آن را محدود و محصور می‌کند و در اختیار می‌گیرد. یک چنین حالتی اثرش این است که بر خلاف محبت عادی، انسان را از حال عادی خارج می‌کند، خواب و خوراک را از او می‌گیرد و توجه را منحصر به همان معشوق می‌کند؛ یعنی او را از همه چیز می‌برد و تنها به یک چیز متوجه می‌کند. این تعریف عشق بیانگر حال معشوق است. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۷۷

ب- منشا عشق

مقصود از منشأ عشق این است که در یک رابطه عاشقانه چه چیزی باعث می‌شود که یک شخص عاشق دیگری شود. آیا علت اصلی این رابطه غیرعادی، نقص و کمبود در یکی و کمال و خوبی در دیگری است که سبب کشش او به سوی خود می‌شود؟ یا خیر، علت این رابطه «شباهت» است؛ یعنی شکل هم بودن؟

در پاسخ به این پرسش دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است که به گذری اجمالی بر آن‌ها بسنده می‌کنیم.

۱. منشا ارگانیکی؛ یعنی عشق از تراوش غدد جنسی حاصل می‌شود که در این صورت با استفاده از علم پزشکی قابل کم و زیاد می‌باشد. «۱»

۲. هدف جنسی منع شده منشا عشق است «۲» (دیدگاه فروید)؛ یعنی علت عشق آن است که ما از طرفی مصرانه خواستار رابطه جنسی هستیم و از سوی دیگر نیز از دست یافتن به این هدف منع شده‌ایم که در نتیجه اصطکاک این دو برخورد، محبت و مهربانی حاصل می‌شود؛ از این رو، اگر رابطه جنسی کاملا آزاد می‌بود، هیچ‌گاه کسی عاشق نمی‌شد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۷۸

۳. عشق یک منشا فطری دارد.

۴. تمایل انسان به کمال منشا عشق است. «۱»

بررسی:

در این‌جا این مطلب قابل ذکر است که منشا عشق به چند دلیل نمی‌تواند ارگانیکی یا هدف جنسی منع شده باشد.

الف- عشق منحصر در عشق شهوانی و جنسی نیست؛ زیرا موارد زیادی پیدا می‌شود که خلاف این باشد؛ مانند عشق انسان به خداوند یا به خود و یا به گل ....

ب- اگر منشا عشق تراوش غدد جنسی باشد، باید افراد پیر هرگز عاشق نشوند، در حالی که خیلی از افراد سن زیادی دارند و در عین حال عاشق هستند.

ج- اصلا عشق جنسی و شهوانی عشق نیست، بلکه یک رابطه غریزی است که در همه موجودات وجود دارد.

براساس عقیده صحیح، عشق یک منشا فطری دارد که در اثر شناخت انسان نسبت به خوبی‌های موجود در یک شخص یا یک شئ و از سوی دیگر، نقصان آن‌ها در وجود خود، حاصل می‌شود و هرچه این شناخت کامل‌تر شود،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۷۹

این علاقه بیشتر می‌شود تا جایی که انسان را وارد معرکه عشق می‌کند و انسان حاضر می‌شود برای به دست آوردن آن خوبی‌ها همه هستی خود را فدا کند.

د- واژه عشق در قرآن مجید حتی برای یکبار هم به کار نرفته است؛ اما با این حال کلمات و واژه‌هایی که با این مفهوم مترادف و رساننده معنای آن می‌باشد، به شکل‌های گوناگون آمده است؛ مانند حبّ، ود، مودت و ....

ج- اقسام عشق

پیش از بیان اقسام عشق و بیان دیدگاه قرآن کریم در باره آن، ذکر چند نکته لازم است:

[قاعده یکم انسان اگر کسی را دوست داشته باشد، خویشاوندان و دوستان او را نیز دوست می‌دارد و حتی شهر، لباس، باغ، نوشته و سایر چیزهایی که با او ارتباط دارند، در نظرش محبوب است.]

قاعده دوم امور و امیال فطری از جهت شدت و ضعف دارای مراتبی هستند که هر مرتبه‌ای از آن‌ها دارای اسم و آثار خاصی می‌باشد و این مراتب در افراد بشر مختلف است؛ از جمله این امور «محبت» است که مراتب آن طبق تفسیر آلوسی به شرح ذیل می‌باشد. ۱. هوی: نخستین مرتبه محبت «تمایل داشتن»؛

۲. علاقه: محبتی است که همیشه همراه و درون قلب است.

۳. کلف: محبت شدید را گویند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۸۰

۴. عشق: حب شدید یا افراط در محبت را گویند.

۵. شعف: مرحله‌ای که عشق به تمام زوایای قلب نفوذ کند.

۶. تدله: مرحله‌ای که عشق عقل انسان را می‌رباید.

۷. هیوم: مرحله‌ای که عشق انسان را بی‌قرار و بی‌اختیار می‌کند و او را به هر سوی می‌کشاند. «۱»

تقسیم دیگر عشق

با توجه به منشأ عشق، عشق به اقسام زیر تقسیم می‌شود:

۱. حقیقی؛

۲. مجازی؛

۳. سرابی، جنسی و کاذب. «۲»

۱. عشق حقیقی

به عشـقی گفته می‌شود که معشوقش حقیقی باشـد؛ یعنی زیبایی‌های او نامحـدود باشـد و دارای هیـچ گونه نقصـی نباشد، و به دیگر سخن، عشق یعنی پرواز انسان به سوی بی‌نهایت، یعنی اتصال قطره به دریا «وَالَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبّاً لِلَّهِ؛ «۳»

و [لی کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را بیشتر دوست دارند.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۸۱

۲. عشق مجازی

عشق و علاقه‌ای واسـطه‌ای به موجودات در راه خدا است که هدف از آن رسیدن به عشق حقیقی می‌باشد؛ یعنی وسیله‌ای است برای رسـیدن به معشـوق حقیقی، و در واقع به خـاطر معشـوق حقیقی ابراز علاـقه می‌کنـد؛ ماننـد عشـقی که حضـرت یعقوب را از درون می‌سوزانـد: «قَالُوا تَـاللَّهِ تَفْتَأُ تَـذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضاً أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ؛ «۱» (فرزنـدان) گفتند: «به خدا سوگند، پیوسـته یوسف را یاد می‌کنی تا بیمار مشرف به مرگ شوی یا هلاک گردی!»

۳. عشق سرابی، جنسی و کاذب

عشق به غیر از معشوق حقیقی است، به گونه‌ای که هـدف از آن خـاموش شـدن غریزه جنسـی و کـام گرفتن از معشوق می‌باشـد نه رسـیدن به معشوق حقیقی، و منشأ آن شـهوت است؛ ماننـد «قَدْ شَـغَفَهَا حُبّاً ...؛ «۲» و زنان در شـهر گفتند: «زن عزیز (مصـر) از غلام جوانش تمنّای کامجویی از وجودش کرده، و محبت (یوسف) در دلش جای گرفت! قطعاً ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۸۲

قرآن سـخن از عشق و محبت را با روشـی خاص و با شیوایی و زیبایی تمام بیان می‌کند، و آنچه لازم است از اقسام عشق و علاقه را در ضـمن آیـات یـادآور می‌شـود و جـالب ایـن کـه در بیـن یکصـد و چهـارده سـوره قرآن کـه در بیشـتر آن‌هـا از عشـق، محبـت و مترادف‌های آن‌ها سـخن رفته، یک سوره به تمامی به شرح حال یکی از اولیای خدا اختصاص یافته و در آن عشق و علاقه بیان شده است.

روح کلی و پیام‌های سوره یوسف:

۱. عشق به خداوند مطمئن‌ترین مانع در برابر عشـقهای جنسـی می‌باشد و با سختی‌هایی که دارد، معجزه آسا انسان را نجات می‌دهد. «۱»

۲. عشق‌هـای کـاذب معمولًا مقـدمه‌ای برای عشق‌هـای حقیقی نیست، بلکه به ظلم و فسـاد می‌انجامـد. عشق زلیخا به یوسف (ع) که بیانگر نقطه اوج عشق شـهوانی و جنسی می‌باشد، «۲» به بیـان قرآن آثـاری چون خیانت، ظلم، فحشاء، رسوایی و مکر و حیله داشت. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۸۳

نتیجه:

بـا تـوجه به بیـان اقسـام عشـق و نظر قرآن کریم در این بـاره، به این نـتیجه می‌رسـیم که عشق هـدیه‌ای الهی است که در فطرت همه انسان‌هـا به امانت گذاشـته شـده است؛ اما چگونگی بروز و اسـتفاده انسان‌ها از آن متفاوت است؛ برخی با اسـتفاده صـحیح از آن به سعادت، خوشـبختی و بالندگی و کمال می‌رسـند، ولی برخی دیگر با اسـتفاده نادرست از آن به بیابان خشـکیده شـقاوت و بدبختی گام می‌نهند و هر لحظه بیش از پیش از قافله انسانیت فاصله می‌گیرند؛ همانند آتش که بدون آن نمی‌توان زندگی کرد، ولی اگر به

علت استفاده نادرست مقداری از آن در خرمنی بیفتد، یک‌جا همه آن را نابود می کند.

این شیوه استفاده ما باز می گردد به این که آیا ما در تشخیص و انتخاب معشوق، راه درست را پیموده‌ایم یا راه نادرست را. نکته قابل توجه که به ویژه برای جوانان دارای اهمیت می‌باشد، این است که آیا عشق‌های خیابانی می‌تواند انسان را خوشبخت کند یا خیر؟

پاسخ این پرسش با توجه به تقسیم‌بندی عشق و آثار مترتب بر هر قسم آن آشکار می‌شود.

قرآن کریم عشق را بارزترین صفات مومنین می‌داند «۱» و اصیل‌ترین عشق را، عشق حقیقی به معشوق حقیقی بیان می کند و خدای تبارک و تعالی را به

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۸۴

عنوان معشوق حقیقی معرفی می‌نماید؛ زیرا خداوند است که همه خوبی‌ها و زیبایی‌ها را در خود جمع دارد و در عشق نیز انسان دنبال خوبی‌ها و زیبایی‌ها می‌باشد که در معشوق وجود دارد و خود از آن‌ها بهره‌ای ندارد، و با عشق به معشوق می‌خواهد کمبودهای درونی خود را جبران کند و نهایت استفاده را از زیبایی‌های معشوق ببرد.

در این‌جا این پرسش مطرح می‌شود که اگر بیش از یک معبود و یک معشوق در عالم وجود ندارد و عشق نیز فقط منحصر در عشق حقیقی است، پس عشق به دیگران به ویژه اولیای خدا چه صورتی دارد. پاسخ این است که خداوند عشق به اولیای خود به ویژه پیامبر اکرم و اهل‌بیت (ع) را در طول محبت خود بیان می کند و آن دو را یکی می‌داند. «۱»

عشق سرابی و کاذب

عشق دروغین به جریان آب رودخانه‌ای که از مسیر اصلی خود منحرف شده، می‌ماند که اگر در مسیر اصلی خود قرار نگیرد، خرابی‌های فراوانی به بار می‌آورد.

نمونه بارز این عشق، عشق‌های خیابانی، رابطه‌های غیرمشروع و دوستی‌های پنهانی است که در بین برخی دختران و پسران جوان رواج دارد و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۸۵

معمولا نتیجه این دوستی‌ها نیز ناخوشایند است؛ زیرا این نوع علاقه‌ها هدایت و عنایت الهی نمی‌باشد و به جای این‌که وسیله‌ای برای اطاعت اوامر الهی و رسیدن انسان به همه خوبی‌ها می‌باشد، سبب می‌شود که انسان لحظه به لحظه از زیبایی‌ها و خوبی‌ها فاصله بگیرد و معصیت الهی را مرتکب «۱» شود، تا جایی که خیلی از آن‌ها به قتل و جنایت و جدایی‌های غم‌انگیز و همچنین فروپاشی کانون گرم خانواده‌ها می‌انجامد.

توجه به این نکته ضروری است که ما در این‌جا نمی‌خواهیم امیال غریزی انسان را نفی کنیم و آن را نادیده بگیریم، اسلام هر گز با غرایز انسان خصوصاً غریزه جنسی مخالف نیست، بلکه چیزی را که اسلام با آن مخالف است، افراط و تفریط در این غرایز می‌باشد؛ از این رو، وقتی این امیال غریزی تحت مدیریت اسلام و هدایت الهی قرار بگیرند، اعتدال در آن‌ها شکل می گیرد و در آن صورت جامعه بشری به سعادت و سلامت همه جانبه می‌رسد.

اینک مناسب است به سخن یکی از دانشمندان غربی به نام «اریک فروم» اشاره‌ای داشته باشیم. وی می گوید:

«عشق جنسی فریبکارترین نوع عشق است. عشق جنسی در وهله اول، با احساس شدید گرفتار شدن اشتباه می‌شود، در حالی که این احساس دلبستگی ناگهانی طبیعتاً عمرش کوتاه است وبعد از این‌که بیگانه‌ای از نزدیک

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۸۶

شناخته می‌شود، دیگر حجابی باقی نمی‌ماند و دیگر هیچ نوع نزدیکی ناگهانی در کار نیست، تا برای رسیدن به آن کوشش شود.

در این نوع عشق به مرور زمان این نزدیک شدن‌ها کاهش می‌یابد و عاشق احساس می کند که آن کسی که فکر می کرد به او

نزدیک است، نه تنها نزدیک نیست، بلکه فرسنگ‌ها با هم فاصله دارند؛ در نتیجه شخص هوس می‌کند به سراغ بیگانه‌ای تازه برود و عشقی جدید را آغاز و تجربه کند و باز این بیگانه بعد از مدتی تبدیل یک آشنای تکراری می‌شود و عاشق همیشه با خود می‌گوید این فرد که این بار از او خوشم آمده با قبلی‌ها فرق می‌کند؛ این یک چیز دیگر است.

بسیاری از اوقات ما متوجه نیستیم و حال آن‌که این انگیزه‌های ناهشیار فعال‌اند، مخصوصاً در ابتدای جوانی که هنوز تجربه این گونه محبت‌ها بسیار اندک است. حال اگر مثلا دو نفر که قصد ازدواج دارند، تمام ارتباط خود را براساس این نوع عشق پایه‌ریزی کنند، بی‌گمان دچار پیامدهای آن نیز خواهند شد که نمونه‌های آن در عشق‌های خیابانی و طلاق‌های وحشتناک بعد قابل رؤیت است.» «۱»

نکته پایانی این است که، عشق سرابی، عشق نیست بلکه فوران امیال غریزی و شهوانی است که به صورت مقطعی بروز و ظهور دارد؛ زیرا در

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۸۷

حقیقت ریشه و سنگ بنای عشق، علم و شناخت است، و به طور طبیعی هر اندازه که علم و شناخت عاشق نسبت به معشوق بیشتر شود به همان اندازه نیز عشق و علاقه‌اش بیشتر می‌شود؛ زیرا ابعاد وجودی معشوق یکی پس از دیگری برای عاشق آشکار می‌شود. بدیهی است هر چقدر زیبایی‌های معشوق بیشتر باشد، عشق و علاقه عاشق به آن بیشتر می‌شود و باعث استمرار این رابطه می‌باشد و این مؤلفه فقط در عشق حقیقی وجود دارد، ولی عشق سرابیِ جنسی به چند دلیل این گونه نیست:

الف- هدف آن ارضای شهوت است که عمری کوتاه دارد و نمی‌تواند برای استمرار ایجاد انگیزه کند.

ب- ریشه و سنگ بنای عشق سرابیِ جنسی جهل و نادانی است که از دریچه جادویی به نام چشم صورت می‌گیرد؛ از این رو، هر اندازه که شناخت عاشق به معشوق بیشتر شود، فاصله و شکاف بیشتری ایجاد می‌شود؛ زیرا زیبایی‌های این معشوق محدود است و عشق نیز یک حالت روحی است که دنبال نامحدود می‌باشد. از سوی دیگر، زیبایی‌ها منحصر در این فرد نیست، بلکه شاید اشخاص دیگر بهره‌ای بیشتر داشته باشند.

آثار عشق

هر یک از اقسام عشق دارای آثار و پیامدهای خاص خود می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۸۸

آثار عشق حقیقی:

۱. رسیدن به درجات عالی انسانیت یا همان کمال نهایی؛ «۱»

۲. لذت بردن از عبادت؛

۳. رهایی از گناه؛ «۲»

۴. سلامت و آرامش روحی و روانی؛ «۳»

۵. اطلاع بعضی از اسرار غیبی؛ «۴»

۶. رسیدن به مقام استجابت دعا؛ «۵»

۷. حلاوت سختیهای زندگی؛ «۶»

۸. بندگی و عبودیت. «۷»

در قرآن و سنت به تمامی آثار عشق به خداوند و اولیا خدا اشاره شده است، ولی به جهت اختصار از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۸۹

آثار عشق سرابی جنسی

عشق سرابی مانند راهزنی ماهر دارای آثاری نامطلوب فردی و اجتماعی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. دوری از حق و حقیقت؛

۲. مانع رسیدن انسان به کمال واقعی؛

۳. کشیدن انسان به سوی انحراف و گناه و سقوط او از انسانیت؛

۴. به انحطاط کشیدن فرد و جامعه؛

۵. زود گذر بودن آن؛

۶. سلب آرامش روحی و روانی از فرد و جامعه؛

۷. فروپاشی کانون گرم خانواده؛

۸. ایجاد روحیه، طغیان و سرکشی در انسان؛

۹. دوری انسان از اطاعت و بندگی؛

۱۰. تیرگی قلب؛

۱۱. ایجاد تضاد و تراحم اخلاقی در فرد و جامعه؛

۱۲. توام بودن آن شکست و ناکامی‌های فراوان؛

۱۳. ایجاد دغل بازی و عوام فریبی در جامعه؛

۱۴. ایجاد قتل و غارت و تجاوز در جامعه. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۹۰

پیشنهاد:

پس از بیان اقسام عشق و آثار آن، اینک این پرسش مطرح می‌شود که چرا باید عاشق نشویم و چرا باید عاشق شویم؟ شاید این پرسش در ذهن افراد زیادی به ویژه قشر جوان وجود داشته باشد، و یا در مواردی موجب آزار آنان شود.

پاسخ این پرسش در قالب یک پیشنهاد ارائه می‌شود:

عاشق شوید اما در کمند عشق‌های ناپخته، جوان و کاذب گرفتار نگردید، بلکه آن‌ها را نردبانی برای زندگی سعادتمندانه و شناخت محبوب واقعی قرار دهید:

عشق‌هایی کز پی رنگی بود

عشق نبود، عاقبت ننگی بود» لذت عشق، جوهر آدمی است و حیات بدون عشق ناممکن است؛ بلبل اگر نغمه سرایی دارد به عشق معشوق است و انگیزه وصال و درک لذت دارد. آنان‌که همتی بلند دارند و به حقیقت مردان روزگارند، هرگز خویشتن خویش را در قفس تن اسیر نمی‌کنند و جوهر وجودی خویش را در چنگال طبیعت و لذاید پست مادی و شهوانی گرفتار نمی‌سازند.

خشم و شهوت وصف حیوانی بود

مهر و رقت وصف انسانی بود «۲» پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۹۱ بیایید لذت ببریم، اما از حقیقت و عشق حقیقی، از طهارت و پاکی؛ بیایید صفا کنیم در فضای پاک تقوا، در محیطی آرام و سالم، در اقیانوس پرهیزکاری، در جای طهارت، در باران معنویت و در آبشار حقیقت. چه بسیار جوانانی که عشقشان پیر، پخته و پایدار است، و چه بسیار پیرانی که عشق‌های جوان، ناپخته و ناپایدار در سر دارند. آنان‌که دار و ندار خویش را در گرو تار مویی و خط و خالی می‌گذارند و با یک

نگاه ظاهری همه هستی خویش را می‌بازند، عشقشان جوان و لذت‌شان بسیار گذرا و ناپایدار است، و هرگز به عشق حقیقی نخواهند رسید؛ چرا که محل عشق قلب انسان است و هر قلبی ظرفیت یک عشق را دارد. این گونه نیست که یک شخص دو قلب داشته باشد که هم عشق به معشوق حقیقی داشته باشد و هم عشق به معشوق سرابی. «۱»

اما آنان‌که عاشق معبود و معشوق حقیقی هستند، معشوق آن‌ها همیشه و همه جا همراه آنان است، حتی در قبر و قیامت، و هرگز از لذت عشق جدا نمی‌شوند، حتی در فرای زمان و مکان.

پس عشق مذموم نیست، بلکه اگر منشأ عشق صحیح باشد، رویکرد عشق نیز صحیح خواهد بود و اگر رویکرد صحیح شد، آثار عشق صحیح می‌شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۹۲

آنچه در این‌جا مذموم است و مورد نکوهش قرار گرفته، عشق و لذت جوانی نیست، بلکه جوانی عشق و ناپختگی لذت است.

نه امروز بلکه در همیشه ایام سخن از عشق و عاشقی بوده، هست و خواهد بود؛ اما آنچه به ندرت یافت می‌شده و می‌شود، عشق حقیقی به خداوند و اولیای او است و این‌جاست که فلسفه عشق برای ما روشن می‌شود:

رسیدن انسان به کمال حقیقی و انسانیت و این تنها در عشق حقیقی است؛ اما عشق حیوانی سرابی است که جنبه حیوانیت انسان رشد می‌کند و نمی‌تواند عهده‌دار این رسالت خطیر باشد. مگر این‌که انسان عشق به مخلوقات الهی را در راستای عشق الهی طلب کند و به دستور پروردگار به پدر، مادر، همسر و فرزند عشق بورزد و آن‌ها را مقدمه صعود به محبوب نهایی قرار دهد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۹۳

نظر قرآن درباره غریزه جنسی و لذت طلبی چیست؟

اشاره

پرسش:

نظر قرآن درباره غریزه جنسی و لذت طلبی چیست؟ پاسخ:

انسان گل سرسبد مخلوقات خداوند است که همه نعمت‌ها برای او آفریده شده است: «هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُم مَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً؛ «۱» او کسی است که همه آنچه در زمین است را برای شما آفرید» او است خدایی که آنچه در زمین است برای شما (انسان‌ها) آفرید.»

اما استفاده از این نعمت‌ها که خداوند متعال در اختیار انسان قرار داده، می‌تواند به دو گونه باشد:

الف- بهره‌بری مثبت از نعمت‌ها؛

ب- بهره‌بری منفی از نعمت‌ها.

برای مثال، «انگور» یک نعمت الهی است که فواید مثبت زیادی برای بشر دارد؛ مانند انواع ویتامین‌ها، ساختن کشمش، سرکه، سرکه شیره و ... و از همین انگور نیز می‌توان شراب ساخت که بهره‌بری منفی از این میوه است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۹۴

این دو بهره بری (مثبت و منفی) هر کدام علتی دارد و آن ستیز و کشمکش بین عقل و نفس است؛ عقل انسان و پیامبران الهی به بهره‌وری مثبت از اشیا دستور می‌دهند، ولی هوای نفس و شیطان انسان را به سوی استفاده‌های منفی و نادرست از اشیا تشویق می‌کند.

۱. لذت طلبی

یکی از گرایش‌های فطری انسان گرایش به لذت‌طلبی، خوش‌گذرانی و راحت‌طلبی است که به طور طبیعی توام با رنج‌گریزی و فرار از درد و ناراحتی خواهد بود. قرآن کریم نه تنها وجود گرایش به لذت را در انسان انکار و یا آن را محکوم نمی‌کند، بلکه یک سلسله از تعالیم خود را بر اساس این میل طبیعی انسان مبتنی می‌سازد و در روش تربیتی خود از وجود آن بهره می‌برد. در قرآن تعبیرهایی مانند «سعادت»، «فلاح»، «فوز» و مانند آن‌ها آمده بدین معنا که انسان فطرتاً طالب سعادت و خوشبختی و کامیابی است و باید به دستورهای دینی عمل کند تا به گمشده و ایده و هدف حقیقی خود برسد. در برخی آیات نیز از تعبیر ویژه «لذت» استفاده شده است، مانند آن جا که درباره بهشت صالحان می‌فرماید: «وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ؛ «۱» هر چه را خودشان بدان میل کنند و چشم‌ها لذت ببرند، در آن (بهشت موجود)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۹۵

است؛» و آیات دیگر نیز مانند ۱۵ سوره محمد و ۱۷ سوره سجده و ... که تعبیرهایی در همین راستا دارند.

در نتیجه، اصل این‌که انسان طالب لذت باشد، از نظر قرآن مورد تایید و بی‌اشکال است؛ زیرا این یک میل فطری است؛ البته بدیهی است که قرآن هیچ‌گاه آن را رها و افسار گسیخته نگذاشته بلکه آن را در جهت صحیح خود هدایت می‌کند.

لذت طلبی نکوهیده

پس از آن‌که روشن شد قرآن وجود این میل را نامطلوب نمی‌داند، جای طرح این پرسش است که با وجود این دید مثبت قرآنی، چرا گاهی لذت طلبی مذمت و نکوهش شده است و آیا وجود این گونه نکوهش‌ها و مذمت‌ها با این دیدگاه قرآنی قابل جمع است؟

در پاسخ به این پرسش می‌گوییم: مذمت‌ها و نکوهش‌هایی که در این زمینه و در رابطه با این میل انجام شده، به اصل لذت طلبی مربوط نمی‌شود تا با این دیدگاه قرآنی در تعارض باشد، بلکه منشأ این نکوهش‌ها عواملی جنبی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف- فراموش کردن لذت‌های ارزنده‌تر؛ زیرا ممکن است انسان خود را در لذایذ آنی و لحظه‌ای زودگذر غرق کرده و در آن متمرکز شود و تمام همت خود را به هوس‌های کم ارزش‌تر متوجه نماید و از لذت‌های معنوی و برتر غافل شود و از کمال باز ماند. انسان از میان لذت‌ها به جهت غفلت به دنبال

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۹۶

آن مقدار لذتی است که برایش ممکن و میسور است، ولی طبیعی است که عقل، منطق و اختیار دارد و می‌تواند از میان همه انواع لذت‌ها با کمیت‌ها، کیفیت‌ها و شدت‌های مختلف بهترین، شدیدترین و عمیق‌ترین لذت‌ها را در محدوده گزینش خود قرار دهد، ولی او گاهی در این انتخاب دچار اشتباه و لغزش می‌شود و بدون توجه به لذت‌های عمیق و والاتر (لذت‌های معنوی) خود را با لذت های زودگذر مادی مأنوس می‌کند.

ب- فرار از تلاش و کوشش: گاهی انسان به خاطر تن ندادن به سختی و کار و کوشش به طرف لذت‌های بی اهمیت می‌رود و در هوس‌های پست و کم ارزش تا حد افراط غرق می‌شود. خداوند زندگی و رنج را توأمان آفریده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي كَبَدٍ؛ «۱»

که بیقین انسان را در رنج و مشقت آفریدیم.» و از این سختی در زندگی گریزی نیست، حال اگر کسی به خاطر فرار از کار و تلاش و زحمت خود را به تنبلی و تن پروری و لذت‌گرایی افراطی عادت دهد، لذتی گذرا به دست می‌آورد، ولی از لذت‌های و الا و برتر چشم پوشی می‌کند و با این کار خود به یقین مورد مذمت و نکوهش قرار می‌گیرد.

ج- کوتاهی در شکوفا کردن استعداد درک لذت‌های والای انسانی و اکتفا کردن به لذت‌های طبیعی خود جوش نیز عامل جنبی

دیگری است که منشأ نکوهش لذات می‌شود. بدان معنا که انسان با عادت کردن به معنویات

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۹۷

می‌تواند استعداد درک لذت‌ها را شکوفایی ببخشد، ولی به لذت‌های طبیعی گذرا اکتفا می‌کند و این لذت طبیعی چون در مقابل لذات معنوی کم ارزش است، سرزنش می‌شود.

لذت حقیقی چیست؟

انسان بر اثر ممارست با زندگی مادی لذت‌های مادی این دنیا را لذت حقیقی می‌پندارد، ولی قرآن کریم (ضمن این‌که استفاده از زینت‌های دنیا را تایید می‌کند) لذت حقیقی را رسیدن به نعمت‌های اخروی مانند لقاء الله، محشور شدن با اولیای الهی، بهشت عدن و ... بیان می‌کند. اگر کسی از میان این دو لذت، لذت‌های آنی و لحظه‌ای و کم ارزش دنیایی را انتخاب کند، به لذت‌های ابدی و ارزشمند نخواهد رسید و باید دانست که درک لذت حقیقی تنها با ریاضت و عرفان حقیقی که همان عمل صالح و انجام دادن واجبات و ترک گناه باشد، حاصل می‌شود. در واقع لذت‌های آنی که لذت نیستند، باید ترک کرد تا به لذت بالاتری رسید؛ به قول شاعر:

اگر لذتِ ترک لذت بدانی

دگر لذت نفس، لذت نخوانی

۲. غریزه جنسی

یکی دیگر از مجاری و موارد لذت انسان علاقه به همسر و ارضای غریزه جنسی است. اسلام درباره غریزه جنسی و چگونه استفاده کردن از آن و نیز محدودیت‌های فطری غریزه جنسی مطالب جالب و کمال آفرینی دارد؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۹۸

از جمله این‌که زن و مرد در آفرینش، مکمل یکدیگرند و مقتضای فطرت انسان این است که هر یک از این دو یعنی زن و مرد نسبت به جنس مخالف خود گرایش جنسی دارد، ولی این گرایش از دیدگاه قرآنی دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. گرایش به جنس مخالف بدان جهت است که هر یک از زن و مرد مایه آرامش و آسایش یکدیگرند. خداوند متعال می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ «۱»

از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید.»

۲. گرایش برای تولید و تکثیر نسل در متن آفرینش است که حفظ و بقای نوع انسانی برای تولید نسل است. خداوند می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَكُم مِن نَفْسٍ وَاحِدَهٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيراً وَنِسَاءً؛ «۲»

(همان) کسی که شما را از یک شخص آفرید؛ و از او همسرش را آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.» و نیز می‌فرماید: «وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيراً وَنِسَاءً؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.»

بدیهی است که تولید نسل و فرزندان زیاد با ازدواج صورت پذیرفته است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۹۹

۳. راه صحیح تکثیر نسل تنها تشکیل خانواده است و خانواده آثار بسیار پرارزش و والایی دارد.

استفاده از غریزه جنسی در چهارچوب ذکر شده (در قالب ازدواج قانونی) مطلوب و هماهنگ با فطرت انسان و غریزه طبیعی او است؛ اما اگر رفتار جنسی انسان از این مرز تجاوز کرد، ارزش منفی پیدا می‌کند و قرآن کریم نیز از چنین عملی به تجاوز تعبیر کرده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَى أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذلِكَ فَأُولئِكَ

هُمُ الْعَادُونَ؛ «۱»

و همان کسانی که دامانشان را (در امور جنسی) حفظ می‌کنند؛ مگر در مورد همسرانشان یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند؛ که در حقیقت آنان (در این موارد) سرزنش نمی‌شوند؛ کسانی که فراتر از این جُویند، پس تنها آنان تجاوزگرند.»

اگر بنا باشد هر انسانی با هر فردی از جنس مخالفش که بخواهد، رابطه جنسی داشته باشد، به یقین بنیاد خانواده متزلزل و فحشا و منکرات در جامعه رواج و امنیت از بین خواهد رفت.

بنابراین، برای حفظ مصالح مترتب بر خانواده و دفع مفاسد مترتب بر بی‌بند و باری جنسی، لازم است همه افراد جامعه به این محدودیت معقول و منطقی که قرآن نیز بیانگر آن است، گردن نهند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۰۰

۴. آزادی غریزه و بی‌بند و باری جنسی موجب اختلاط نسل‌هاست و با اختلاط نسل‌ها و نطفه‌ها هدف از آفرینش انسان از بین خواهد رفت؛ زیرا هدف آن است که انسان با عبادت خلیفه خدا روی زمین شود و برای رسیدن به این هدف به پاکی ذاتی نیاز است، ولی اختلاط نسل بنیاد معنویت و پاک بودن ذاتی که لازمه خلیفه اللهی است، را از بین می‌برد.

۵. گرایش به جنس موافق خلاف فطرت و نظام آفرینش است و در واقع یک نوع انحراف در گرایش جنسی به شمار می‌رود. قرآن کریم همجنس‌گرایی را به قوم لوط نسبت داده و آن را یک ضدارزش معرفی نموده است. «۱»

نتیجه: از بحث‌های گذشته روشن شد که لذت‌جویی در فطرت انسان ریشه دارد و قرآن نیز کامیابی از زینت‌های دنیا را حق فطری انسان می‌داند؛ اما لذت حقیقی تنها در این دنیا نیست، بلکه لذت حقیقی را باید لذت‌های معنوی دانست.

و نیز روشن شد که استفاده از غریزه جنسی، فطری انسان است و قرآن نیز آن را تایید می‌کند؛ زیرا خداوند برای انسان همسری از خودش آفریده که مایه آرامش او است، و او می‌تواند تشکیل خانواده دهد و غریزه جنسی خود را از این راه تعدیل نماید، ولی رها کردن این غریزه مشکلاتی برای بشر به بار خواهد آورد؛ از جمله تزلزل بنیاد خانواده، ایجاد اختلاط نطفه‌ها و دور شدن

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۰۱

از هدف خلقت؛ بنابراین، همان گونه که دین امری فطری است، قوانین آن نیز در همه جا فطرت انسانی را ملاحظه و محافظت کرده است.

قوانین خداوند مانند نسخه پزشک است که مصلحت بیمار را به خوبی می‌داند، در حالی که بیمار ممکن است میل به خوردنی‌های زیادی داشته باشد، ولی پزشک مصلحت نمی‌داند برای او تجویز کند؛ انسان نیز این‌چنین است که اگر طبق نسخه خداوند عمل کند، از نظر روحی، معنوی و حتی جسمی سالم می‌ماند؛ اما این انسان میل و اشتها به چیزهای فراوانی دارد که به صلاح او نیست و برخی از آن‌ها کشنده است و حق تعالی مصلحت انسان را بهتر می‌داند که موارد مضر را برای بشر تجویز نکرده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۰۳

تحلیل روان‌شناختی- قرآنی رابطه میان دختر و پسر چیست؟

اشاره

پرسش:

تحلیل روان‌شناختی- قرآنی رابطه میان دختر و پسر چیست؟ پاسخ:

درآمد:

عقل و عاطفه دو نیروی ضروری برای زندگی بشری هستند که به انسان عطا شده‌اند. خالق هستی به اقتضای شرایط و شرح وظایف زن و مرد، آن دو را حکیمانه میان آن‌ها تقسیم کرده است که هر یک با تفاوت‌های طبیعی موقعیت‌های ویژه‌ای را برای زندگی انسانی فراهم آورند.

در مورد وجود این تفاوت‌ها، میان روان شناسان دیدگاه‌های متفاوتی ارایه شده است. برخی می‌گویند: از نظر روانی بین زن و مرد تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود، به طور کلی مرد برون‌گر است، او فعال و مایل است بر دنیای اطراف چیره شود؛ در نتیجه فکر و ملموسات در او بیش از شور و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۰۴

احساس رشد می‌کند، در حالی که زن بیشتر درون‌گرا و غیر فعال است و احساس بر او چیره است. «۱»

در مورد نوع رابطه میان زن و مرد از نظر یونگ- روان‌کاو مشهور- مسئله «جبران» مطرح است. توضیح این‌که: میان رابطه زن و مرد حالتی مکمل گونه وجود دارد تا تضاد گونه. او بیان می‌کند که مردان و زنان اگر در درون خود حالت‌های تضاد، مثلًا مرد حالت زنانگی و زن حالت مردانگی، داشته باشد، نه تنها باعث جذب و عشق نمی‌شود بلکه باعث همرنگ شدن می‌گردد؛ از این رو، آنچه در خارج با آن رو به رو هستیم، رابطه‌ای تکمیلی است که توسط دوست داشتن میان دو جنس مخالف حاصل می‌شود و تمام کمبودهای وجودی را نیز برطرف می‌کند. «۲»

به هر حال وجود مرد و زن در کنار یکدیگر در صورتی که همراه با ارتباطی سالم به دور از اضطراب باشد، خود عاملی در برقراری اعتدال روحی- روانی است که باعث می‌شود افراد از زندگی خود لذت ببرند.

آلپورت می‌گوید: «داشتن هدف‌های دراز مدت، اکنون وجود آدمی را تشکیل می‌دهد و شخصیت سالم را از شخصیت بیمار متمایز می‌سازد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۰۵

«رابطه» مهم‌ترین نقش را در زندگی آدمی ایفا می‌کند. شاید هیچ‌یک از ابعاد تجارب زندگی انسان به اندازه رابطه دو نفر سرشار از عاطفه و هیجان نباشد؛ همچنین است توانایی در برقراری روابط محبت آمیز. از نشانه‌های شخصیت سالم است.» «۱»

مفهوم شناسی:

تعریف: پژوهش در رابطه با ارتباط میان فردی، از دیرباز مورد توجه دانشمندان و صاحب نظران تربیتی بوده است. برای روشن شدن موضوع به بررسی این واژه می‌پردازیم.

۱. ارسطو درباره‌ی این مفهوم چنین می‌گوید: ارتباط (ریطوریقا) جستجو برای دست یافتن به کلیه وسایل و امکانات موجود برای ترغیب و اقناع دیگران است. ایشان مفهوم ارتباط را معادل فعالیت و عملیات‌های انفعالی دانسته است و بعید نیست آنچه در نظر این دانشمند بوده، ارتباط در صحنه‌های سیاسی و اقتصادی باشد.

۲. از نگاه روانشناسان اجتماعی و دانشمندان علوم ارتباطات انسانی، ارتباط میان فردی فرایندی است که طی آن اطلاعات، معانی و احساسات از

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۰۶

طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی با دیگران در میان گذارده می‌شود؛ یعنی همان فرایند ارسال و دریافت پیام است. طبق این تعریف، ارتباط یک مفهوم دو سویه است و بر تاثیر و تأثّر ارتباط برقرار کنندگان بر یکدیگر در یک سیستم دو سویه تاکید می‌کند.

۳. در تعریفی دیگر چنین آمده است: ارتباط میان فردی یک تعامل گزینشی نظام‌مند، منحصر به فرد و رو به پیشرفت است که

سازنده شناخت طرفین از یکدیگر می‌باشد و محصول این شناخت، خلق معانی مشترک بین اعضا و طرفین ارتباط است. «۱»

در تعریف سوم، انتخاب‌گری جزء مقومات تعریف است. این تعریف بر این تاکید دارد که نتیجه یک ارتباط، رسیدن به شناخت طرفینی از یکدیگر و یک پیشرفت اجتماعی می‌باشد. در ضمن در این گونه ارتباطات، معانی جدید و قابل قبول طرفین خلق می‌شود.

۴. مقصود از دوستی دختر و پسر، رابطه‌ای نسبتاً صمیمانه و گرم و عمدتاً پنهانی است که از طریق دیدارهای مخفیانه، رد و بدل کردن نامه و یا برقرار ساختن ارتباط تلفنی بین دختر و پسر ایجاد می‌شود. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۰۷

جمع‌بندی: آنچه در این مقال مورد نظر است، مطلق برخوردهای میان دختر و پسر و برقرار کردن رابطه اعم از گفتاری و غیره می‌باشد که همراه با اهداف متفاوتی صورت می‌پذیرد.

از آنجا که بشر موجودی بالطبع اجتماعی است و لازمه جدایی ناپذیر زندگی انسان ورود به عرصه اجتماع و برقرار کردن تعاملات میان افراد است، در نظام ترسیم شده در قرآن کریم نیز بدان پرداخته شده و رابطه آنها به عنوان دو نیمه مکمل هم در نظام آفرینش جایگاهی را به خود اختصاص داده است. ولی در اینجا پرسشی مطرح می‌شود که آیا جامعه مورد نظر قرآن بسته و منحصر به حضور مرد در عرصه اجتماع است و یا جامعه‌ای باز و رها شده بوده و با هرگونه ایجاد رابطه میان افراد موافق است و یا این که جامعه مورد نظر آن جامعه‌ای همراه با ارتباطاتی نظام‌مند و کارشناسی شده و هدفمند می‌باشد که بر اساس همین هدفمندی، احکام اجتماعی و فردی آن انشا شده است؟

در مواردی از آیات قرآن، چگونگی ارتباط میان افراد جامعه، زن و مرد، به گونه‌ای حکیمانه بیان شده است که با بررسی آنها می‌توان درباره‌ی نگاه قرآن به موضوع به جمع‌بندی مناسبی دست یافت. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که از نگاه قرآن کریم رابطه سالم میان زن و مرد باعث ایجاد آرامش و سکون نفس می‌گردد؛ آرامشی که تمام دانشمندان مختلف تربیتی سال‌ها برای رسیدن به قاعده‌ای که به آن بینجامد، فعالیت می‌کنند، ولی بر اثر

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۰۸

تکبعد نگری نسبت به انسان تاکنون راه حلی نهایی ارایه ننموده‌اند. در آیه‌ای از قرآن کریم چنین آمده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجاً لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا». «۱»

در این آیه شریفه، رسیدن به آرامش نتیجه یک تعامل سالم میان مرد و زن به نام ازدواج دانسته شده است.

از سوی دیگر، از نگاه قرآن، با توجه به آیه یاد شده، یکی از مهم ترین اهداف خلقت بشر به دوگونه زن و مرد، آرامش بخشیدن و ماندگاری نسل انسانی است؛ از این رو، قوانین مطرح در این نظام الهی نباید با این هدف اولیه خلقت مغایر باشد، بلکه باید تکمیل کننده و در راستای این هدف تعریف و انشا شود.

طرح آیات ارتباط

۱. «قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» «۲» این آیه شریف به تمام مومنان دستور می‌دهد که در هنگام ارتباط با زنان از نگاه مستقیم بر حذر باشند. می‌فرماید: (ای پیامبر)، به مردان مؤمن بگو:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۰۹

«چشم‌هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند.»

در این آیه، حفظ فرج به معنای جلوگیری از نظر افکندن به آن است. «۱» ذکر حفظ فرج پس از فرو بستن چشم ذکر معلول بعد از علت است؛ زیرا هر کس به چشم چرانی عادت داشته باشد، بدون شک آثار سوء آن از جمله از دست دادن عفت دامن گیر او

خواهـد شد، و چون به غض بصـر (پوشاندن چشم) عادت کنند، بدون شک اثر آن‌که حفظ فرج باشد، به دنبال آن خواهد آمد. «۲» در ادامه آیه، حکمت این حکم بیان شـده که این کار برای آن‌ها پاکیزه‌تر است و این پاکیزگی هم برای فرد است و هم اجتماع. در ادامه بحث برای این که کسـی گمان نکند خداوند راضی می‌شود محیط سالم اجتماع به انحطاط کشیده شود و یا روح و روان افراد دسـتخوش افکـار ناسالم گردد، با یک جمله تهدیـدآمیز می‌فرمایـد: «خداونـد به آنچه می‌سازیـد، آگاه تر است». تعبیر به ساختن به جای «یعملون» می‌تواند اشاره به بازتاب این عمل در اجتماع باشد؛ یعنی آنچه شـما انجام می‌دهید، باعث بروز و ظهور یک انحراف اجتماعی است و خداوند نسبت به آن آگاهی کامل دارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۱۰

۲. «وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ....» «۱» در ادامه دستور به مردان، برای چگونه ارتباط برقرار کردن، روی سخن را به نیمه دیگر افراد اجتماع کرده و وظایف مفصل‌تری را برای آن‌ها بر می‌شمارد:

الف- «قُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»

این قسـمت، زنان مومن را به بازداشـتن چشم خود از نگاه به مردان نامحرم امر می‌کنـد؛ زیرا نظر افکنـدن به محیطهای شـهوت آلود باعث ایجاد اختلال در سیستم عصبی شده و ذهن بیننده را برای مدتی به خود مشغول می‌کند و همان گونه که در آیه قبل بیان شد، بازتاب و آثار این عمل، زیر پا گذاشتن عفت و سلامت انسانی است.

همان گونه که گـذشت، نگاه از جمله عواملی است که می‌تواند غریزه جنسـی را به حرکت در آورد. «فروید» منشأ تمام بیماری‌های عصبی را غریزه جنسـی می‌دانـد و تظاهرات مرضـی در این گونه بیماران را فعالیت‌های جنسـی بیمار گونه آن‌ها بیان می‌کند. «۲» از دیدگاه این روانکاو، عوامل بر انگیختگی میل

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۱۱

جنسـی مشـتمل بر عوامل بیرونی و درونی است. فکر زیاد، دقت زیاد و بیش از اندازه بر یک موضوع جنسـی از جمله عوامل درونی تحریک میل جنسـی به شـمار می‌آید؛ این همان چیزی است که در این آیه شریفه در دو کلمه پر مغز بیان شده است که عمل به آن بیمه شدن جامعه انسانی در برابر انحراف را به دنبال دارد.

از جمله عوامـل بیرونی در تحریـک جنسـی افراد، جـذبه‌های موجود در جنس مخالف است؛ به عبارت دیگر، آنچه باعث جلب نظر می‌شود، زیبایی جنس مخالف و بروز دادن و در معرض قرار دادن این زیبایی است. این لذت در نگاه، که به علت زیبایی فرد مقابل ایجاد می‌شود، به مرور زمان حالت صـعودی پیـدا می‌کنـد و اگر این حالت به ناامیـدی بینجامـد، چیزی جز درد و اندوه درونی را به دنبال نخواهد داشت. «۱»

بـا توجه به این بیـان معنا و هـدف آیه از بیان غض بصـر و حفظ فرج به نهایت وضوح می‌رسـد و معلوم می‌شود که این حکم نیز در راستای همان هدف کلی خلقت که رساندن جامعه به آرامش روانی است، وضع شده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۱۲

ب- «وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا»

زنان مومن بایـد درباره آشـکار شدن زینت‌ها نهایت دقت را به کار بندند. آنچه در این مسـئله مهم است و برخی مفسـران نیز بر آن تاکیـد دارند، این است که اظهار محل زینت؛ مراد از نهی خداوند است نه خود زینت زیرا اظهار زینت حرام نیست، بلکه آنچه حرام است، به نمایش گذاردن محل آنهاست. «۱»

علت بیـان این حکم بعیـد نیست که نـاظر به یکی از غرایز مهم نهفته در زنـان به نـام «تبرج» و «خود آرایی» باشـد. همه زنان به طور طبیعی به خودآرایی و دل‌ربایی تمایل دارند. به این مسئله در آیه دیگر چنین اشاره شده است:

ج- «وَلَـا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّهِ الْأُولَی» «۲» شـهید مطهری در این باره می گوید: «اما علت این که در اسـلام پوشـش اختصاص به زنان یـافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها مرد شکار است و زن شکارچی؛ هم چنان که از نظر تصاحب جسم و تن زن شکار است و مرد شکارچی.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۱۳

میل زن به خود آرایی از این نوع حس شـکارچی گری او ناشـی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن نما و آرایش‌های تحریک کننـده به کار برنـد. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و به دام خود اسیر کند.» «۱»

وجود غریزه تبرج و آثار آن از دید دانشـمندان روان‌شـناس نیز پنهان نمانده است. «لمبروزو»- روان‌شـناس معروف ایتالیایی- در این بـاره می گویـد: «در زن علاـقه به دلبر بودن و دل باختن، مورد پسند بودن و مایه خرسـند شـدن بسـیار شدیـد است.» در جای دیگر می گویـد: «یکی از تمایلات عمیق و آرزوهـای اساسـی زن آن است که در چشم دیگران اثری مطلوب بخشیده و به وسـیله حسـن قیافه، زیبایی انـدام، موزون بودن حرکات، خوش آهنگی صـدا، طرز تکلم و بالاخره شـیوه خرام خود، مطبوع قرار گرفته، احساسات آن‌ها را تحریک و روحشان را مجذوب سازد.» «۲»

پس وجود غریزه خودآرایی در زنان امری مسلم می‌باشد. حال خداوند حکیم از آن‌جا که به این مسئله علم و آگاهی داشته و پیامد آن را در اجتمـاع انسـانی می‌دانسـته است، بـا یک حکم «منع اظهار زینت» جامعه رو به سـعادت بشـری را از خطر انحراف جنسـی و درنتیجه بروز اختلالات روانی نجات داده

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۱۴

است؛ البته در این مورد راه افراط را در پیش نگرفته و جایی را که احتمال ریبه و خطر انحراف نبوده، استثنی کرده است.

د- «وَلْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ»

در ادامه آیه خداوند موضوع پوشـش را مطرح کرده و می‌فرماید: باید اطراف مقنعه خود را بر سینه‌ها انداخته و فضاهای خالی را پر کنـد. از نظر اسـلام تمـام بـدن زن جزء عـورت او بـه شـمار می‌رود؛ یعنی تمـام انـدام زن بـاعث تحریـک جنس مخـالف می‌شـود. فیزیولوژیست‌هـا و روانشـناسان در مقـام مقـایسه زن و مرد به این مطلب تصـریح کردهو گفته‌انـد: میان زن و مرد در تمام سلول‌های آن‌ها تفاوت وجود دارد. در توضیح آیه باید گفت:

«زن مظهر جمـال و مرد مظهر شـیفتگی اسـت و طبعاً بیش از مرد در معرض چشم چرانی قرار می گیرد. جهت حفـظ سـلامت روانی جامعه بر حفظ پوشـش و عـدم تحریک غرایز در روابط اجتماعی تاکیـد شـده است. این که در آخر آیه می‌فرمایـد: «لعلکم تفلحون» نشانگر این مهم است که عدم تحریک غرایز در روابط اجتماعی به رستگاری و سعادت افراد جامعه می‌انجامد.» «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۱۵

- «وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ»

زنان مومن نبایـد به گونه‌ای پا بر زمین بکوبنـد که زینت‌های آن‌ها به صـدا در آید و باعث جلب نظر افراد اجتماع گردد. این نیز در راستای غریزه تبرج و خودآرایی صادر گردیده و باعث نوعی پیش گیری از اختلالات روانی در اجتماع است.

۳. «یَا نِسَاءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَیْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفاً» «۱»

در این آیه شـریف، خداونـد شـرط دیگر را در رابطه میان فردی بیان می کنـد. در مورد ارتباط زن و مرد آنچه مهم به نظر می‌رسـد، این است که با توجه به ویژ گی‌های خاص زنان در لطافت و ظرافت‌های جسـمی و روحی و ... نبایـد در روابط اجتماعی و سازمانی، جـذابیت زن واسطه ارتبـاط قرار گیرد، چـه جـذابیت چهره و چـه جـذابیت کلاـمی. برای رعـایت ایـن امر، قرآن کریـم در ایـن آیه

چگونگی ارتباط کلامی زنان با مردان را مطرح کرده است؛ البته ممکن است کسی گمان کند که این آیات خاص زنان پیغمبر اسلام (ص) است، ولی این برداشت به چند دلیل مردود و آنچه مورد نظر آیه است، عمومیت حکم می‌باشد؛ زیرا اولًا: در آیه علت حکم بیان شده و توسعه و محدوده حکم، دار و مدار دلیل حکم است و دلیل

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۱۶

مذکور در آیه دلیل عام و گسترده می‌باشد. می‌فرماید: «فَيَطْمَعَ الَّذِى فِى قَلْبِهِ مَرَضٌ» که تعمیم آن نشان می‌دهد احکام مذکور به زنان پیامبر (ص) اختصاص ندارد.

ثانیاً: این‌که خداوند زنان پیامبر (ص) را مخاطب قرار داده نشان از غلظت و شدت حکم نسبت به زنان دیگر است؛ زیرا زنان پیامبر (ص) از لحاظ حقوقی حکم مادر مومنان را دارند؛ از این رو، اساساً بعد از پیامبر (ص) ازدواج با آن‌ها حرام است.

افزون بر آن، هیبت پیامبر خدا (ص) بر همسرانش سایه افکن است و لذا کسی جرات نمی‌کند خیال هوسرانی در ارتباط با آن‌ها در سر بپروراند؛ از این رو، ضعیف‌ترین موردی که احتمال سوء استفاده در مورد آن مطرح می‌شود، زنان پیامبر (ص) است و خداوند با مورد خطاب قرار دادن آن‌ها حکم را به طریق اولویت به همه جامعه سرایت داده است. «۱»

در این آیه، خداوند از خضوع و طنازی زنان در گفتار با غیر محارم که ممکن است در قالب شوخی و لطیفه‌گویی مصداق پیدا کند، نهی کرده است؛ زیرا این گونه ارتباط باعث حرکت شهوانی گردیده و افکار اجتماع را به خود مشغول می‌کند و همان گونه که گفته شد، برخی روان‌شناسان این گونه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۱۷

رفتارها را باعث ایجاد فکر زیاد و دقت بیش از اندازه دانسته و معتقدند که موجب فعالیت‌های جنسی و در نتیجه اضطراب و تشویش روانی می‌گردد، و جامعه‌ای این چنین، بیمار، راکد و به دور از هرگونه فعالیت رو به رشدی است که با هر عامل بیرونی آسیب می‌پذیرد.

با توجه به این آیات که قوانین و مقررات مربوط به پوشش زن و شیوه رفتار او در اجتماع را مطرح کرده و نیز با توجه به احکامی که مالکیت زن را به رسمیت شناخته و بسیاری از حوادث تاریخی مستند، از زمان حکومت نبوی و علوی و دیگر ائمه که در تاریخ بیان گردیده، اصل ارتباط میان زن و مرد از نگاه قرآن امری مسلم و ثابت شده است «۱» و نگاه دین نگاهی اعتدالی، و قرار دادن شرایط ارتباط به هدف جلوگیری از هرج و مرج‌های روحی- روانی اجتماع می‌باشد.

بررسی مؤلفه‌های ارتباط:

هر ارتباطی مؤلفه‌هایی دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. برقرار کنندگان ارتباط؛

۲. پیام: همان محتوای ارتباط است که منظور ارتباط کنندگان را روشن می‌کند. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۱۸

۳. رسانه: منظور شیوه خاص برقراری ارتباط است.

۴. کانال: آنچه ارتباط برقرار کنندگان را به هم پیوند می‌دهد و رسانه را در خود جای می‌دهد.

۵. انگیزه ارتباط: در این بحث می‌تواند عشق‌ورزی و ابراز علاقه باشد.

وجود این مولفه‌ها نشان دهنده ارتباطی هدفمند است.

آنچه از آیات شریف استفاده شد، شرایط برقرار کنندگان ارتباط است، ولی از فحوای این آیات فهمیده می‌شود که پیام ارتباط نیز نباید به گونه‌ای باشد که باعث تحریک شهوات جنسی گردد؛ زیرا در غیر این صورت هدف از وجود شرایط تامین نمی‌گردد.

از برخی آیات استفاده می‌شود که تعدادی از شرایط یاد شده مانند پوشش زن، ناظر به ارتباط حضوری زن و مرد است و شرایطی مانند نوع سخن گفتن می‌تواند ناظر به ارتباط اعمی (حضوری و تلفنی) باشد؛ البته بیان علت حکم می‌تواند ناظر به محتوای ارتباطات نامه‌ای نیز باشد؛ زیرا به کار بردن جملات شهوت انگیز نیز مشمول نهی یاد شده می‌شود.

به هر حال آنچه از نگاه قرآن مهم است، سالم سازی جامعه است لذا باید از هرگونه ارتباطی که منجر به از بین رفتن آرامش روحی افراد اجتماع می گردد خودداری شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۱۹

نگاه افراطی به ارتباط

در مورد ارتباط میان دختر و پسر در محیط اجتماع و عرف مردم ضرب المثلی وجود دارد که دختر را به پنبه و پسر را به آتش مانند می کند که بدون شک در صورت نزدیک شدن آن دو به یکدیگر، پنبه شعله‌ور می‌شود. این ضرب المثل به عنوان یک گزاره رفتاری و یک الگوی اجتماعی در میان افراد جامعه وجود دارد. خانواده‌ها با این گزاره رفتاری به تربیت و خط دهی فرزندان اهتمام می‌ورزند، در حالی که این سخن به معنای نادیده گرفتن اراده و اختیار انسان و پایین آوردن شخصیت والای انسانی افراد در حد جمادات است که امری غیر صحیح و به دور از دلیل می‌باشد. آنچه مهم می‌نماید این است که باید رفتارها و ارتباطات دارای مرز و همراه با رعایت اصول برخاسته از شرع باشد که در این فرض، ارتباط هیچ منعی ندارد. در تربیت فرزند مهم این است که معرفت بخشی مناسب و به‌جا انجام پذیرد؛ یعنی والدین باید تلاش کنند نوجوان و جوان خود را در خود نگهداری، بصیرت لازم ببخشند؛ «۱» یعنی لازم است والدین علت نهی و یا امر خود را در مورد رفتارهای مختلف بیان کنند تا فرزند در یک سردرگمی تربیتی قرار نگیرد؛ امری که در موارد مختلف مورد اهتمام قرآن کریم بوده و به عنوان اصلی متقن مورد اشاره قرار

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۲۰

گرفته است. قرآن در هر زمینه‌ای نخست معرفت بخشی می کند و در مرحله بعد، حکم خاص آن را بیان می‌نماید. «۱»

در نتیجه لازم است برای ساختن جامعه‌ای سالم و متعادل در وهله اول به افراد شناخت و بینش رفتاری صحیح داده شود تا رفتارها کورکورانه و آسیب پذیر نباشد.

پیامد دور شدن از واقعیت:

دور شدن از واقعیت موجود میان تفاوت‌های فردی در بین زن و مرد و پیروی از اصول غیر متقن و تک‌بعد نگری افراد در میان جوامع غربی پیامدهای جبران ناپذیری را برای زنان جامعه به همراه داشته است. توضیح این که:

جنبش اجتماعی دهه ۱۹۶۰ م به تغییرات بنیادی در کیان خانواده انجامید. جنبش آزادی زنان آن‌ها را به کار بیرون از خانه ترغیب نمود. جنبش ضد فرهنگی، رهیافت‌های جدیدی در روابط جنسی مطرح کرد که در نتیجه آن، زوج‌های بسیاری بدون ازدواج با هم زندگی می کردند. در این زمان، خانواده‌های نامتعارفی از قبیل خانواده‌های تک والدینی و زندگی همجنس گراها

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۲۱

به پدیده شایع تبدیل گردید. برخی پیامدهای این خانواده‌ها در غرب عبارت‌اند از:

۱. افزایش چشمگیر شمار کودکان نامشروع؛

۲. افزایش چشمگیر مسائل روان‌پریشی بین کودکان و والدین مجرد؛

۳. افزایش خط خشونت و آزار کودکان؛

۴. افزایش مشکلات مربوط به سلامت کودکان و والدین مجرد؛

۵. افزایش آسیب‌های آموزشی و تحصیلی؛

۶. افزایش احتمال استفاده از مواد مخدر همراه با هزینه‌های اجتماعی آن؛

۷. افزایش میزان جرایم اجتماعی. «۱»

باید تذکر داد که این گونه پیامدها، بار اقتصادی و اجتماعی سنگینی بر دولت‌های تحمیل کرده است.

علت برقراری روابط دوستانه ناسالم دختر و پسر

برقراری این گونه ارتباطات فرایند عوامل گوناگونی است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۲۲

۱. ضعف بینش مذهبی

نوجوان یا جوانی که از لحاظ بینشی قائل به مرز بین محرم و نامحرم نیست، آمادگی بیشتری برای گرفتار آمدن در چنین دامی را دارد. این مشکل در صورتی رفع می‌شود که والدین به بینش‌دهی صحیح به فرزند رو کنند و اوامر و نواهی خود را با دلایلی همراه سازند.

۲. عدم رعایت حجاب

ضعف بینش مذهبی در دختران باعث بی‌توجهی به مسئله پوشش و حجاب سالم می‌گردد. از آن جا که غریزه تبرج امری طبیعی در دختران است و از سوی دیگر، دختر جوان توجهی به مهار و کنترل این غریزه از نگاه شرع ندارد بی حجابی در جامعه امری رو به رشد می‌گردد که پیامد اولیه آن چیزی جز ارتباطهای غیر اخلاقی چیزی نیست.

۳. آرایش‌های غیر مناسب دختران

دختر خود موجودی جذاب و ذاتاً باعث تحریک نگاه‌هاست. اگر این شخص به آرایش ظاهری مبادرت ورزد و در اجتماع ظاهر گردد، این جذابیت دو چندان شده و باعث جلب توجه جنس مخالف می‌شود، و نهی شارع مقدس از نمایان کردن آرایش زنان در اجتماع، حکمی برای کنترل ارتباطات نامشروع می‌باشد که باید به آن بیشتر توجه شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۲۳

۴. وجود الگوهای منحرف

سن نوجوانی و زمان گذر از آن، حساس‌ترین دوران زندگی هر فرد به شمار می‌آید. در این دوران، هر نوجوان به دنبال معیار و الگویی برای رفتار خود است، و چنانچه در این الگوگیری مشورت داده نشود، ممکن است الگویی را برگزینند که او را به سوی انحراف سوق دهد. قرآن کریم نیز به این مهم توجه نموده و در چند مورد به معرفی الگوهای رفتاری مناسب اقدام کرده است. آیاتی که حضرت ابراهیم (ع)، پیامبر اکرم (ص) و زنان فرعون و حضرت مریم (س) را معرفی می‌کند، از این قبیل است.

عوامل دیگری نیز در این روند ارتباطی مؤثر است؛ عواملی از قبیل سهل انگاری برخی مادران و بی خبری پدران، اشتغالات فراوان والدین، وجود مشکلات عاطفی در خانواده و دلایل جنسی و زیاد شدن سن ازدواج. «۱»

پیامدهای دوستی ناسالم دختر و پسر

ارتباط هایی که از راه غیر صحیح و به دور از اصول مطرح در این گونه ارتباطات ایجاد می‌شود ممکن است در پی دارنده پیامدهایی باشد که جبران آن برای افراد ممکن نباشد. در یک نگاه اجمالی برخی از این پیامدها را می‌توان چنین برشمرد:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۲۴

۱. نگرانی برملا شدن این ارتباط

این گونه روابط از آن جا که به دور از چشم والدین برقرار شده است، در هر دو طرف یک حالت ترس و اضطراب به خاطر آشکار شدن آن به وجود می‌آید که می‌تواند در روند سالم زندگی فردی شخص تاثیری منفی بر جای گذارد.

۲. نگرانی والدین

این نگرانی پس از آشکار شدن ارتباط فرزند با دیگران برای آن‌ها حاصل می‌شود و باعث روان‌پریشی افراد خانواده می‌گردد و زندگی سالم آن‌ها را دچار نگرانی و اضطراب می‌کند.

۳. افت آموزشی و ترک تحصیل

با توجه به آزمایش‌های میدانی که صورت گرفته، این گونه ارتباطات باعث بروز عشق و عاشقی و افتادن به ورطه خیال می‌شود که نتیجه آن در اغلب موارد افت شدید تحصیل و در مواردی نیز ترک تحصیل است.

۴. ابتلا به افسردگی

برقراری عاطفی این گونه روابط در سن نوجوانی از آن‌جا که اغلب به ازدواج نمی‌انجامد، فرد را دچار افسردگی می‌کند. اسلام با انشای حکم ازدواج موقت به عنوان حکمی ثانوی و همراه با شرایط خاص، این معضل را معالجه کرده که لازم است در این زمینه تحقیقی مستقل ارائه شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۲۵

۵. خودکشی

۶. انجام ازدواج‌های عشقی

این گونه ازدواج‌ها جنبه عقلانی ندارد و صرفاً عملی عاطفی محسوب می‌گردد و به گفته بسیاری از روان‌شناسان عشق اولیه معمولًا پایدار نمی‌ماند؛ از این رو، در بیشتر موارد به طلاق و جدایی می‌انجامد؛ به گفته مولوی:

عشق‌هایی کز پی رنگی بود

عشق نبود عاقبت ننگی بود ۷. برقراری ارتباطات جنسی نامشروع

۸. احتمال استمرار جنسی نامشروع بعد از ازدواج. «۱»

ذکر نمونه قرآنی از یک ارتباط سالم

در پایان به جاست که به یک نمونه قرآنی در مورد ارتباط سالم بین دختر و پسر اشاره شود. در این داستان جوانی است به نام موسی (ع) که به شهر مدین وارد شده است. او پس از ورود بر سر چاه شهر می‌رود و گروهی از مردم را می‌بیند که برای آب دادن به چهارپایان خود جمع شده‌اند. در این هنگام دو دختر را می‌بیند که کناری ایستاده و از گوسفندان خود مراقبت می‌کنند و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۲۶

به چاه نزدیک نمی‌شوند. در این حال جوان به سوی آن‌ها گام برمی‌دارد و علت کناره‌گیری آن‌ها را جویا می‌شود. می‌گویند: ما به گوسفندان خود تا زمانی که همه مردان چوپان کنار نروند، آب نمی‌دهیم و بیان می‌کنند که علت حضور ما در این‌جا این است که پدرمان فردی کهنسال است.

جوان به یاری آنها می‌شتابد و پس از سیراب کردن گوسفندان آنها برای استراحت به زیر درختی می‌رود و در برابر خداوند ابراز نیازمندی می‌کند. در این هنگام ناگهان یکی از آن دو دختر به طرف جوان می‌آید. قرآن نوع حضور این دختر را چنین بیان می‌کند: «فَجاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِی عَلَی اسْتِحْیَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِی یَدْعُوکَ لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ مَا سَقَیْتَ لَنَا» «۱» این دختر در هنگام گام برداشتن، حیا را فراموش نمی‌کند. «۲» بیان دعوت را از زبان پدر می‌گوید تا شائبه میل فردی در مخاطب ایجاد نگردد. در این

داستان نکات زیر قابل تامل است:

۱. حضور دختران دراجتماع به علت ضرورت خانوادگی؛

۲. برقراری ارتباط سالم با افراد؛

۳. عدم اختلاط دختران با مردان؛

۴. توجه به حیای فردی در نوع راه رفتن؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۲۷

۵. سخن گفتن با جوان بدون ایجاد ریبه و شهوت؛

۶. نتیجه ارتباط ازدواج سالم و به پیشنهاد پدر دختران به جوان.

آنچه گذشت، بیان داستانی قرآنی از یک رابطه انسانی است که اصل ارتباط میان پسر و دختر را در صورت حفظ شرایط ارتباط تایید می‌کند. ذکر این نکته لازم است که این حفظ حریم شخصی در ارتباط با جنس مخالف، از نگاه خداوند دور نماند. و در نهایت، این پاکی جوان باعث بعثت او به نبوت الهی گردید که خود می‌تواند درسی سازنده برای جوانان مومن باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۲۹

برای بر طرف کردن شهوت و زیاد کردن تقوا چه راهکارهایی وجود دارد؟

اشاره

پرسش:

برای بر طرف کردن شهوت و زیاد کردن تقوا چه راهکارهایی وجود دارد؟ پاسخ:

پاسخ را در دو بخش «شهوت» و «تقوا» ارائه می‌کنیم:

اول: شهوت و راه‌های کنترل آن

واژه «شهوت» در موارد مختلفی مانند شهوت مال، شهوت پست و مقام، شهوت کار، شهوت جنسی و ... کاربرد دارد، ولی از آن جا که پرسش به «غریزه جنسی» اشاره دارد؛ در پاسخ باید گفت خداوند تمایل و غریزه جنسی را مانند غرایز و تمایلات دیگر در وجود انسان به امانت گذاشته و ما در قبال آن سه راه داریم:

۱. سرکوب کردن یا از بین بردن غریزه جنسی؛

۲. رها کردن افسار شهوت و غریزه جنسی؛

۳. تحت برنامه دین در آوردن شهوت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۳۰

راه اول، یعنی سرکوب کردن، باعث نقص جسمانی می‌شود و به دنبال آن بسیاری از استعدادهای درونی انسان را نابود می‌کند و اجازه شکوفایی و رشد نمی‌دهد و دین اسلام با این راه مخالف است.

راه دوم، یعنی رها کردن افسار شهوت نیز هم موجب هلاکت انسان و بروز بیماری‌های روحی و جسمی می‌شود که امروزه در بسیاری از کشورهای غربی شاهد آن می‌باشیم و اسلام با این راه نیز مخالف است.

راه سوم این که نه این غریزه و نعمت الهی را سرکوب کنیم و نه آن را رها نماییم، بلکه طبق دستورهای شرع آن را مدیریت نماییم. اینک به برخی از این دستورها توجه می‌نماییم:

۱. ازدواج

یکی از بهترین راهکارهایی که در قرآن و روایات بدان سفارش شده «ازدواج» است و حتی در قرآن دستور بسیج همگانی برای فراهم کردن اسباب ازدواج جوانان داده شده است. در سوره نور آیه ۳۲ به مومنان دستور می‌دهد: «وَأَنکِحُوا الأَیَامَی مِنکُمْ ...؛ و افراد بی‌همسرتان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ ...»

در آیه بعد می‌فرماید: «و کسانی که (وسایل) ازدواج نمی‌یابند، باید خویشتنداری کنند تا خدا از بخشش خود آنان را توانگر سازد.»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۳۱

۲. کنترل چشم

پرهیز از چشم چرانی و حاضر نشدن در مجالس و محل‌هایی که نامحرمان حضور بیشتری دارند و تماشا نکردن فیلم‌ها و عکس‌های مبتذل؛ از این رو در آیه ۳۰ و ۳۱ سوره نور می‌فرماید: (ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو: «چشم‌هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند.» که این برای آنان [پاک کننده‌تر و] رشد آورتر است؛ [چرا] که خدا به آنچه با زیرکی انجام می‌دهند آگاه است.

«و به زنان مؤمن بگو: چشمانشان را (از نگاه حرام) فروکاهند؛ و دامان (عفت) شان را حفظ کنند؛ ...»

۳. دوری از ناپاکان

برخی افراد نا اهل و منحرف در لباس دوست ظاهر می‌شوند و انسان را از مسیر صحیح خارج می‌کنند؛ از این رو، قرآن خطر همنشینی با این افراد را چنین گوشزد می‌کند: «خدا می‌خواهد توبه شما را بپذیرد؛ و [لی کسانی که پیرو شهواتند، می‌خواهند که [شما] با انحرافی بزرگ منحرف شوید.» «۱»

۴. روزه

روزه گرفتن در فرو نشاندن آتش شهوت بسیار موثر است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۳۲

۵. دوری از تخیلات شیطانی

تخیلات شیطانی همچون «طوفانی» بر «تلاطم امواج شهوت» می‌افزاید؛ از این رو، توصیه می‌شود:

الف- لحظات قبل از خواب، با قرائت قرآن یا دعا و یا مطالعه کتابی سودمند در بستر سپری شود.

ب- تا خسته نشده‌ایم به رختخواب نرویم. [پیش از خواب با کار یا ورزش یا مطالعه و یا جز این‌ها خود را آماده خواب کنیم.]

ج- نماندن در محلی که تنها هستیم و کسی حضور ندارد.

افزون بر این‌ها هر مورد دیگری را که باعث حرکت «پرنده خیال» ما می‌شود، باید مورد توجه قرارداد؛ از این رو قرآن در مورد دوری از خیالات شیطانی می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! از گام‌های شیطان پیروی مَکنید. و هر کس از گام‌های شیطان پیروی کند، (گمراهش می‌سازد)، چراکه او به [کارهای زشت و ناپسند فرمان می‌دهد.» «۱»

به توصیه برخی صاحب‌نظران موارد ذیل در کنترل شهوت مؤثر است: «۲»

الف- ورزش و عضویت در تیم‌های ورزشی؛

ب- مطالعه کتب مفید (به ویژه زندگی علما و اولیای خدا)؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۳۳

ج- پرهیز از غذاهای محرّک؛

د- نپوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان؛

و جز این‌ها.

دوم: تقوا و راه‌های افزایش آن

«تقوا» یعنی خود نگهـداری و خویشـتن داری و در قرآن کریم آمده است: «در حقیقت ارجمندترین شـما نزد خدا خود نگهدارترین (و پارساترین) شماست»؛ «۱» «و توشه بر گیرید، و در حقیقت بهترین توشه، پارسایی (و خود نگهداری) است ...» «۲»

بله، در اهمیت تقـوا همین آیـات کـافی است که خـدا می‌فرمایـد گرامی‌ترین و بزرگوارترین بنـده نزد من کسـی است که وقـتی در موقعیت گناه قرار گیرد، خویشتن داری کند و مرتکب گناه نشود.

حال برای دست‌یابی به راهکارهای افزایش تقوا، به سراغ آیات الهی می‌رویم و از غذاهای معنوی آن بهره می‌بریم:

۱. عبادت

قرآن می‌فرماید: «ای مردم! پروردگارتان را پرستش کنید، ... تا شاید شما [خودتان را] حفظ کنید.» «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۳۴

از این آیه فهمیـده می‌شود که افزون بر عباداتی ماننـد روزه، نماز، تلاوت قرآن و ...، عباداتی ماننـد کمک به بینوایان، یتیم نوازی و خدمت به خلق و ... مانند این‌ها نیز به افزایش تقوا کمک می‌کند.

۲. مطالعه احوال اقوام گذشته و عبرت گرفتن از آن‌ها

«و بیقین دانستید (حال) کسانی از شـما را، که در (روز) شـنبه [از حدّ]، تجاوز کردند و به آنان گفتیم: «میمون‌هایی طرد شده باشید! و آن (کیفر) را عبرتی برای (مردم) در پیش‌رویشان (در آن عصـر) و (نسل‌های) پشت‌سـرشان و پندی برای پارسایان (خود نگهدار) قرار دادیم ..» «۱»

۳. روزه

«ای کسانی که ایمان آورده‌ایـد! روزه بر شـما مقرر شـده، همان گونه که بر کسانی که پیش از شـما بودنـد مقرر شـد؛ تا شاید شـما [خودتان را] حفظ کنید.» «۲»

در آیه ۲۱ سوره بقره عبادت را برای افزایش تقوا معرفی کرد، و در این آیه به طور خاص «روزه» را معرفی می‌نماید، با این که روزه یکی از عبادات است؛ بنابراین، روشن می‌شود که نقش روزه در افزایش تقوا بسیار مهم است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۳۵

۴. پرهیز از راه‌های انحرافی

۵. سیر در مسیر الهی

«و این راه راست من است؛ پس از آن پیروی کنیـد؛ و از راه‌هـا [ی دیگر] پیروی نکنیـد، که شـما را از راه او پراکنـده می‌سازد؛ این [ها] است که [خدا] شما را به آن [ها] سفارش کرده، تا شاید شما [خود را] حفظ کنید.» «۱»

۶. یادآوری نعمت‌های الهی و انجام وظایف «۲»

۷. توجه و تفکر در آیات معاد و آگاهی از عالم برزخ، قیامت و چگونگی حساب‌رسی انسان‌ها

آیاتی مانند: «و [خودتان را] از (عذابِ) روزی حفظ کنید، که هیچ کس به جای شخص (دیگری) چیزی (از عذاب) کیفر نمی‌شود، و از او هیچ شفاعتی پذیرفته نمی‌شود، و هیچ عوضی از او گرفته نمی‌شود، و آنان یاری نمی‌شوند.» «۳»

۸. باور و یقین قلبی به موارد زیر نیز باعث ایجاد انگیزه در رعایت تقوا می‌شود؛ این‌که انسان بداند:

الف- خدا با متقین است. (بقره/ ۱۹۴)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۳۶

ب- خدا متقیان را دوست دارد. (آل عمران/ ۷۶)

ج- متقیان از نعمت‌های الهی بهشتی برخوردارند. (حجر/ ۴۵)

د- تقوا عامل فلاح، رستگاری و سعادت است. (بقره/ ۱۸۹)

- تقوا عامل وسعت و زیاد شدن رزق می‌باشد.

- «و اگر (بر فرض) اهل آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و خودنگهداری (و پارسایی) می‌کردند، حتماً برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می‌گشودیم؛ ولیکن (آنان حق را) تکذیب کردند؛ پس بخاطر آنچه همواره کسب می‌کردند، گرفتارشان کردیم.» «۱»

- «... و هرکس [خودش را از [عذاب خدا حفظ کند، برایش محل خارج شدن (از مشکلات) قرار می‌دهد؛ و او را از جایی که نمی‌پندارد روزی می‌دهد؛ ....» «۲»- «... و هرکس [خود را] از [عذاب خدا حفظ کند برای او کارش را آسان قرار می‌دهد.» «۳»

- در پایان یادآور می‌شویم که ملاقات و دیدار با علمای ربانی و اولیای خدا و مطالعه احوال و زندگی‌نامه بزرگان، بسیار مؤثر و راهگشا می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۳۷

معرفی کتاب

برای مطالعه بیشتر در این باره به کتاب‌های زیر رجوع فرمایید:

۱. تفسیر نمونه، زیر نظر آیه‌اللَّه العظمی مکارم شیرازی‌مباحث مربوط به آیاتی که در پاسخ آمده؛

۲. گناهان کبیره آیه‌اللَّه شهید دستغیب (ره)؛

۳. کنترل غرایز جنسی، آیه‌اللَّه العظمی مکارم شیرازی، انتشارات مدنی؛

۴. جوانان در طوفان غرایز، همت سهراب‌پور، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی؛

۵. آنچه یک جوان باید بداند [ویژه پسران ، رضا فرهادیان، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی؛

۶. چشم چرانی- به قلم دوشیزگان- انتشارات الزهرا.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۳۹

اسلام برای کنترل عشق به جنس موافق و مخالف چه راهکاری پیشنهاد کرده است.

پرسش:

اسلام برای کنترل عشق به جنس موافق و مخالف چه راهکاری پیشنهاد کرده است. پاسخ:

برای دستیابی به پاسخی مناسب، نخست لازم است به مقدماتی درباره‌ی معنای «عشق» و انسان عاشق توجه نماییم.

معنای عشق:

در لغت، «عشق» را محبت شدید و علاقه افراطی و دل بستگی زیاد نسبت به یک شئ و یا یک شخص معرفی کرده‌اند. محقق بزرگ خواجه طوسی در شرح اشارت بوعلی می‌نویسد: «والحب اذا افرط سمی عشقاً؛ محبتی که از اندازه زیادتر شود و از حد خود بگذرد، عشق می‌نامند».

آیت اللَّه جوادی آملی نیز در کتاب حماسه و عرفان به همین معنا اشاره دارند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۰

ریشه این واژه از «عشقه» گرفته شده است، و آن نام گیاهی است که بر تنه درخت می‌پیچد، آب آن را می‌خورد، رنگ آن را زرد می‌کند و بالاخره آن را خشک می‌کند و خود با طراوت می‌ماند. «۱»

اما در اصطلاح: عشق را از کیفیات نفسانی قلمداد می‌کنند که به سبب سیطره شدید تفکر در زیبایی و نیکویی محبوب و کثرت مشاهده شئون اطوار و آثار حسن معشوق در نفس و جان آدمی تحقق می‌یابد. «۲» از نظر بوعلی عشق حقیقی در تمام موجودات ساری و جاری است. عشق حقیقی همان ابتهاج، سرور، نشاط ناشی از تصور ذات معشوق می‌باشد. «۳»

عشق در قرآن و روایات

واژه «عشق» در قرآن نیامده اما مفهوم آن که محبت شدید و دل باختن به محبوب می‌باشد، وجود دارد. در سوره بقره آیه ۱۶۵ می‌خوانیم: «الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ و [لی کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را بیشتر دوست دارند».

گروهی از مترجمان و مفسران «اشد حباً» را به عشق ترجمه کرده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۱

در سوره یوسف نیز آمده است: وقتی جریان محبت و علاقه شدید زلیخا به یوسف در شهر منعکس شد) گروهی از زنان شهر گفتند: همسر عزیز، جوانش (غلامش) را به سوی خود دعوت می‌کند عشق این جوان در اعماق قلبش نفوذ کرده است.

در روایات واژه عشق و مفهوم آن به طور مستقیم به کار رفته است؛ برای نمونه از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است:

«افضل الناس من عشق العباده فعانقها واحبها بقلبه و باشرها بجسده و تفرغ لها «۱»؛ بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق بورزد و با عبادت هم‌آغوش گردد و از قلب، دوستش بدارد و آن را با بدن انجام دهد و خود را در اختیار آن بگذارد.»

سخن دیگر از امیر بیان و مولای متقیان در خطبه ۱۰۸ نهج‌البلاغه است: «من عشق شیئاً غشی بصره و أمرض قلبه و ...؛ هر کس عاشق چیزی شود، آن چیز چشمش را کور می‌سازد و دلش را بیمار می‌گرداند [به طوری که عیب آن را ننگریسته، زشتی‌اش را نیکوبیند].»

این محبت شدید در دعاها و مناجات اهل بیت نیز به کار رفته است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۲

عشق در کلام بزرگان

یکی از موهبت‌های بزرگ و ارزشمند الهی به انسان خاکی، کیمیای ناشناخته عشق است؛ حالتی که منشأ تمام کمالات والای نفسانی و یکی از مهم‌ترین عوامل حرکت، آگاهی و رشد در انسان بوده و جایگاه والای قلب، مکان و ظرف آن می‌باشد.

حریم عشق را در گه بسی بالاتر از عقل است

کسی این آستان بوسد که سر در آستین دارد «۱» به فرموده برخی، عشق ستاره‌ای برافروخته از تجلی حسن معشوق ازلی است که آدمی و پری، طنین هستی اویند و آن‌قدر این عشق مقدس است که دست فرشته به آن نرسد. عشق معجونی است که همه جهان زنده به او و جنبش افلاک به برکت او است. مولانا عشق را وصف ایزد و از اوصاف خداوند بی‌نیاز می‌داند.

عشق از اوصاف خدای بی‌نیاز عاشقی بر غیر او باشد مجاز «۲» عشق رها شدن از پلیدی‌ها و عیب‌ها، و سوختن در برق عشق، نوازشگر دل و روح آدمی است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۳

هر که را جامه زعشقی چاک شد

او ز حرص و جمله عیبی پاک شد «۱» در پایان یادآور می‌شویم که صدرالمتالهین- عارف و حکیم نامور- می‌گوید: «عشق» عین

«وجود» و وجود عین عشق است و هر دو عین حسن و جمال‌اند و مراتب و درجات عشق به اندازه مراتب وجود است و این دو با هم ملازم بوده، و بین تمام موجودات عالم جریان دارند. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۴

انواع عشق

برای عشق تقسیم‌بندی‌های متعددی نقل شده، ولی معروف‌ترین آن‌ها به قرار ذیل است:

۱. عشق حقیقی: که همان محبت الهی و عشق به لقای محبوب حقیقی یعنی ذات احدیت است.

۲. عشق مجازی: عشق‌های غیرحقیقی، زودگذر و ظاهری که بین موجودات وجود دارد و منحصر به انسان هم نیست، بلکه ممکن است یک طرف انسان و طرف دیگر موجودات دیگر باشند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۴

یادآور می‌شویم که عشق‌های وهمی و خیالی در محدوده عشق‌های مجازی است.

راه حل‌ها:

با توجه به این مقدماتی که بیان شد و تقسیماتی که در باره عشق مطرح گردید، اینک به این مسئله توجه می‌نماییم که اگر جوانی به دلایلی گرفتار عشق‌های مجازی شد و در وجود خود احساس گناه کرد، برای معتدل کردن این عشق چه باید بکند.

آنچه مهم است کنترل عقلایی و دینی این احساسات می‌باشد تا فرد دچار گرفتاری‌ها و دردهای جسمی و روحی نگردد و این علاقه و دوست داشتن در مسیر معین به اندازه مشخص جهت دهی شود، و در غیر این صورت موجب بر هم خوردن برنامه سعادت او می گردد.

حکما گفته‌اند: «شدت و ضعف محبت» متناسب است با «میزان درک کمال محبوب»؛ توضیح مطلب این که: هرچه «معرفت و آگاهی» انسان نسبت به خوبی‌ها و کمالات محبوب بیشتر شود، «محبت» به او نیز بیشتر می‌شود؛ برای مثال، شما شخصی را به عنوان دوست انتخاب می کنید، در هر ملاقات و ارتباط جدید هرچه از خوبی‌های او با خبر می‌شوید، محبت شما به او بیشتر می‌شود. مثلًا در ملاقات اولی به خاطر ورزشکار بودن به او علاقه‌مند می‌شوید، ولی بعد متوجه می‌شوید دانش‌آموز موفقی نیز هست و در کنار درس و موفقیت در ورزش، حافظ قرآن نیز می‌باشد،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۵

و خلاصه هرچه از کمالات و خوبی‌های او بیشتر آگاه می‌شوید، علاقه شما به او بیشتر می‌شود. «۱»

با توجه به مطالبی که گذشت، می‌بینیم گاهی برخی افراد به یکدیگر علاقه‌مند می‌شوند، در حالی که هیچ شناختی نسبت به هم ندارند و بعد هم که ملاقات‌ها بیشتر می‌شود، کمال و خوبی خاصی در محبوب خود نمی‌بینند، ولی علاقه او بیشتر می‌شود و این محبت آن‌قدر شدید می‌شود که گاهی به مرحله عشق می‌رسد. این واقعیت چطور با آن قاعده بالا سازگار است؟!

قاعده یاد شده می گوید: «هرچه کمالات بیشتر باشد، علاقه بیشتر می‌شود.» ولی این‌جا می‌بینیم کمالی وجود ندارد، ولی علاقه و عشق آمده. به نظر می‌رسد پاسخ این باشد که برخی افراد به‌ویژه بعضی جوانان پس از ملاقات اول و علاقه ابتدایی که به محبوب خود پیدا می کنند، از محبوب خود یک شخصیت ایده‌آل و با کمالی در ذهن خود می‌سازند و به آن شخصیت که در ذهن و خیال خود دارند، علاقه‌مند می‌شوند و هر روز کمالاتی را برای او فرض می کنند و خوبی‌هایی را برای او توهم می کنند، و براساس آن شخصیت

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۶

و محبوب خیالی و مفروض که برای خود ساخته‌اند، محبتشان بیشتر می‌شود و عشق، علاقه و دفاع از او نیز لحظه به لحظه افزایش می‌یابد. این در حالی است که خود او می‌داند و همه اطرافیان نیز می‌دانند که آن محبوب این کمالات را که ندارد هیچ، ارزش این همه دفاع و وقت صرف او کردن را نیز ندارد؛ اما او کمالات و ارزش‌هایی را برای او تصور کرده و دارد با آن عشق بازی می‌کند تا حدی که معایب او اصلًا دیده نمی‌شود و گاهی «معایب» را نیز «محاسن» می‌شمارد. «۱»

راه حل اول:

به نظر می‌رسد انسان برای خروج از این بن‌بست و رهایی از بند عشق‌های مجازی این چنینی باید قدری «تفکر» کند و شخصیت محبوب خود را از زیر ذره‌بین «عقل» بگذراند و ببیند آیا واقعاً او این همه کمال را دارد و آیا اصلًا عیبی ندارد که این مقدار برای او ارزش قائل شده است؟! به سخن دیگر چنین افرادی اگر به واقعیت‌گرایی نزدیک شوند و از خیال بافی و توهم فاصله بگیرند، بخش عمده‌ای از مشکلشان حل می‌شود و محبت آن‌ها به افراد اعتدال می‌یابد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۷

راه حل دوم:

نکته قابل توجه دیگر این است که نیازهای «عاطفی» و «جنسی» دو عاملی هستند که انسان را به سوی دوست داشتن و عشق ورزیدن به دیگران سوق می‌دهد و این امری طبیعی است. با توجه به این نکته باید ببینیم این عشقی که ایجاد شده آیا ریشه عاطفی دارد یا ریشه جنسی اگر علاقه جنسی است آیا معشوق از جنس مخالف است یا همجنس، و هریک از این موارد پاسخ خاص خود را می‌طلبد که به اجمال اشاره می‌کنیم.

- اگر ریشه این عشق و علاقه که انسان را به این مشکل گرفتار کرده، مسائل «عاطفی» باشد، شخص باید این خلأ را از درون خانواده پر کند. با علاقه به پدر و مادر و دیگر افراد خانواده می‌توان این خلأ عاطفی را از بین برد تا نیاز به جایگزینی افراد دیگر نبوده و در دام عشق‌های مهلک مجازی گرفتار نیاید. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۸

- اگر این علاقه «جنسی» است و معشوق نیز از جنس موافق است، انسان باید در مورد عاقبت اخروی و دنیوی این نوع عشق و علاقه خوب فکر و مطالعه کند؛ چنان که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هر وقت خواستید کاری انجام دهید، نخست در عاقبت آن کار خوب تفکر نمایید.» «۱»

بنابراین باید توجه داشت که عاقبت اخروی این کار عذاب آلود است و عاقبت دنیوی آن افزون بر آبروریزی و لگدمال شدن شخصیت انسان، فرد را گرفتار بیماری‌های جسمی و روحی خطرناک و استعدادهای انسان را ضایع می‌کند و از شکوفا شدن آن جلوگیری می‌کند.

اما اگر این علاقه عاطفی یا جنسی به جنس مخالف است، راه حل‌های خود را می‌طلبد؛ از جمله:

۱. انسان مسئله را با خانواده خود در میان بگذارد تا رسماً از معشوق مورد علاقه خود برای ازدواج خواستگاری کند و از این کار هراسی در دل نداشته باشد؛ البته این کار باید با توکل بر خدا و همراه با شناخت و مشورت با دیگران و بدون عجله و با انجام تحقیقات کامل صورت گیرد.

اما اگر جواب آن‌ها منفی بود یا شرایط ازدواج وجود نداشت، چه باید کرد؟

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۴۹

۲. پس از صبر و بردباری، قاطعانه و با اراده محکم و با توکل بر خدا تصمیم بگیرد او را به فراموشی بسپارد، و مهم‌ترین عامل در این مرحله این است که مطمئن باشد در آینده نزدیک او را فراموش خواهد کرد و ان شاء اللّه همسر بهتری برای او پیدا خواهد شد.

۳. ایجاد پیوند و رابطه قلبی عمیق با خالق زیبایی‌ها و کمالات، یعنی خداوند متعال، با این عقیده که هرچه زیبایی و کمال در عالم هست، از او است «۱» و عشق به او، پایدار و بقیه عشق‌ها فانی و زودگذر است.

۴. با برنامه‌ریزی دقیق و منظم، وقت خود را به مطالعه و ورزش و کار و تلاش و رفاقت و مجالست با دوستان مذهبی و شرکت در مجالس اهل بیت و مانند اینها، به نحو احسن بگذارند، و سعی کند از بیکاری و پرداختن به امور بیهوده و خلوت‌گزینی و گوشه‌گیری پرهیز کند، تا ذهن خود به خود از این محبت‌ها خالی شود.

۵. دوران جوانی پر از شور و هیجان و احساس است. این نوع مسایل طبیعی است و با اندک بهانه‌ای به وجود می‌آید و با اندک بهانه و تلاشی فراموش می‌شود؛ برای مثال، همین اندازه که انسان متوجه شود محبوب او با

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۵۰

شخص دیگری رفت و آمد می‌کند، از او دلگیر می‌شود و در نتیجه رفته‌رفته به قطع رابطه می‌انجامد.

۶. در نظر خود بین عشق حقیقی که مربوط به خدا و اولیای خداست، و عشق مجازی مقایسه کند و توجه کند که عاقبت عشق حقیقی عزت نفس، حقیر شدن مشکلات، تاثیر نداشتن تعریف و مدح دیگران، احساس امنیت و آرامش و ثبات قدم داشتن- و محبوب شدن پیش دیگران و نتیجه عشق‌های غیرحقیقی خفّت و خواری و حقیر شدن است.

در پایان یادآور می‌شویم که به باور عموم روان شناسان، جوانان افزون بر مطالعه منابعی در این خصوص، بی‌نیاز از مشاوره حضوری با کارشناسان نیستند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۵۱

فصل سوم: معاشرت

اشاره

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۵۳

آیین معاشرت و ارتباط جوان مسلمان با جنس موافق و مخالف چیست؟

پرسش:

آیین معاشرت و ارتباط جوان مسلمان با جنس موافق و مخالف چیست؟ پاسخ:

مقدمه:

برقراری ارتباط و بهره‌برداری از معاشرت با دیگران، از لوازم زندگی است؛ زیرا بدون ارتباط و معاشرت، ادامه زندگی سخت و یا غیرممکن خواهد شد. قرآن مجید در این باره در سوره زخرف آیه‌ی ۳۲ می‌فرماید:

«آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟! ما وسایل زندگی آنان را در زندگی پست (دنیا) بین آنان تقسیم کردیم و رتبه‌های برخی آنان را بر برخی [دیگر] برتری دادیم، تا برخی آنان برخی [دیگر] را به خدمت گیرند؛ و رحمت پروردگارت از آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است.»

این مطلب در آیه ۶۲ سوره نور با بیانی دیگر آمده و ضرورت زندگی دسته جمعی و معاشرت انسان‌ها با یکدیگر، لازمه زندگی معرفی شده است.

از آنجا که دین اسلام جامع و کامل است، همان گونه که معاشرت را لازمه زندگی می‌داند، برای آن حد و مرزهایی نیز قرار داده است که با توجه

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۵۴

به دستورهای اسلام محدودیت‌های جوان مسلمان در ارتباط تبیین می‌شود. منظور از محدودیت روابط و معاشرت‌ها در دین اسلام روشن شدن حد و مرز است و با آزادی انسان، ناسازگار نمی‌باشد؛ به تعبیر دیگر، تعیین حد و مرز برای روابط و معاشرت‌ها یکی از کارکردهای دین جامع و کامل اسلام است.

اسلام از سویی معاشرت و ارتباط را ضرورتی برای جامعه رو به پیشرفت و ترقی می‌داند، و از سوی دیگر، همین ارتباط و معاشرت را قانونمند و هدفمند کرده و روابط را با توجه به همین اهداف مدیریت می‌کند.

با تقسیم‌بندی اقسام ارتباط، حدود و مرزهای هر قسم مشخص می‌شود:

الف- ارتباط با جنس موافق

در نگاه ابتدایی و سطحی، جوان مسلمان در ارتباط با جنس موافق هیچ محدودیتی ندارد، ولی در این نوع ارتباط نیز محدودیت‌هایی وجود دارد:

۱. نوع نگاه (توضیح آن در بخش جنس مخالف خواهد آمد)؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۵۵

۲. رعایت حقوق معاشرت؛

۳. سخن گفتن و پیشگیری از انحراف‌های دروغ، غیبت و تهمت که از گناهان زبان محسوب می‌شود و نتیجه ارتباط و معاشرت است.

ب- ارتباط با جنس مخالف

در این مورد افراد به دو دسته تقسیم می‌شوند، نخست افراد محرم؛ یعنی خویشاوندانی مانند پدر، مادر و همسر که احکام خاص دارند و انسان محدودیت کم‌تری در ارتباط با آن‌ها دارد و دیگر افراد نامحرم مانند افراد بیگانه که در ارتباط با آن‌ها انسان محدودیت بیشتری دارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۵۷

راه‌های ارتباط

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۵۸

۲. سخن گفتن یکی از شیوه‌های رایج ارتباط و معاشرت است.

در یک تقسیم‌بندی کلی:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۵۹

تفاوت این قسمت با نگاه کردن در این است که در نگاه کردن به نامحرم، غیر از دست و صورت جایز نبود، ولی در صحبت کردن تنها قصد شهوت مانع است، و از این باب، معاشرت در تعلیم و تعلم، خرید و فروش و معاملات و سایر معاشرت‌های روزمره جایز می‌باشد؛ مشروط به این‌که در آن‌ها قصد لذت نباشد. «۱»

۳. سومین راه ارتباط و معاشرت دست دادن و تماس فیزیکی است:

چنانچه از آیات و روایات بر می‌آید و در فقه آمده است «تماس بدنی با کسانی که نگاه کردن به آنان حرام است، جایز نیست؛

بنابراین، دست دادن

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۶۰

زن و مرد بیگانه با هم جایز نیست، ولی دست دادن از زیر لباس [یا با دستکش اشکالی ندارد، ولی نباید دست همدیگر را بفشارند.» «۱» (و به قصد لذت هم نباشد.)

۴. نامه‌نگاری‌های عادی یا رایانه‌ای (چت)

از شیوه‌های متداول امروزی که با استفاده از رایانه رواج یافته است، نامه‌نگاری اینترنتی است که اگر قصد شهوت‌رانی در آن‌ها نباشد، از نظر شرعی اشکالی ندارد، هرچند که از نظر اتلاف عمر، هر انسانی مسئول پاسخ‌گویی نسبت به چگونگی گذران عمر خویش است؛ چنان‌که از پیامبر اکرم روایت شده است: «پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار، جوانیت را پیش از پیری، سلامتت را پیش از بیماری، تمکنت را پیش از تهی‌دستی، فراغتت را پیش از گرفتاری و زندگانیت را پیش از مرگ.» «۲»

۵. بهره‌برداری جنسی

از نظر قرآن و روایات هرگونه بهره‌برداری جنسی به زن و شوهر اختصاص دارد:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۶۱

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِینَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ إِلَّا عَلَی أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَیْرُ مَلُومِینَ فَمَنِ ابْتَغَی وَرَاءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْعَادُونَ.» «۱» تصریح به ویژگی خاص مؤمنان در ابتدای سوره و نیز تصریح به تجاوزگری در صورت عدم پایبندی به این اصل، از مهم‌ترین دلایل تأکید قرآن مجید بر این‌گونه روابط است. تعبیر «عادون» که به معنای «متجاوزون» (تجاوزگران) به حدود الهی آمده، سخت‌ترین تعبیری است که در این‌باره شده است.

افزون بر این، در آیات آغازین سوره نور دربرخورد جدی با زناکار، پیامبر خود را از برخورد مهربانانه با این پدیده شوم و زیان‌آور بر حذر و اعلام می‌دارد که عده‌ای از مومنان می‌باید بایستی عذاب و شکنجه‌ای که برای این گناه مقرر شده است، را شاهد باشند؛ و از سوی دیگر آن‌ها را از نظر اجتماعی مطرود و معاشرت با آنان را ممنوع کرده و ازدواج با آنان را اجازه نمی‌دهد. «۲»

قرآن کریم در سوره اسراء آیه ۳۲ می‌فرماید: «وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَی إِنَّهُ کَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِیلًا؛ و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری است، و بد راهی است».

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۶۲

و در سوره فرقان آیه ۶۸ می‌فرماید: «وَالَّذِینَ ... وَلَا یَزْنُونَ وَمَن یَفْعَلْ ذلِکَ یَلْقَ أَثَاماً؛ ... و هر کس این (کارها) را انجام دهد، [کیفرِ] گناه را خواهد دید.»

لذت معاشرت و گفتگوی با جنس مخالف هرچند شیرین باشد، کوتاه مدت است و حزن و اندوه و نگرانی طولانی را به دنبال خواهد داشت.

آری، خداوند تمایل و غریزه جنسی را مانند غرایز و تمایلات دیگر در وجود انسان به امانت گذاشته و ما در قبال آن سه راه داریم:

۱. سرکوب کردن یا از بین بردن غریزه جنسی؛

۲. رها کردن افسار شهوت و غریزه جنسی؛

۳. تحت برنامه دین درآوردن آن.

راه اول: یعنی راه سرکوب که باعث نقص جسمانی شده، و به دنبال آن بسیاری از استعدادهای درونی انسان نابود می‌گردد و اجازه شکوفایی و رشد نمی‌یابد و دین اسلام با این راه مخالف است.

راه دوم: رها کردن افسار شهوت که این هم موجب هلاکت انسان و بروز بیماری‌های روحی و جسمی می‌شود که امروزه در

بسیاری از کشورهای غربی شاهد آن می‌باشیم و اسلام با این راه نیز مخالف است.

راه سوم: این‌که نه این غریزه و نعمت الهی را سرکوب کنیم، و نه آن را رها نماییم، بلکه طبق دستورهای دین شهوت خود را مدیریت کنیم؛ از این رو

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۶۳

در اسلام برای کنترل شهوب به، ازدواج، «۱» کنترل چشم، «۲» دوری از ناپاکان، «۳» دوری از تخیلات شیطانی «۴» و روزه گرفتن «۵» توصیه شده است

نتیجه گیری:

از آنچه بیان شد، نتیجه می‌گیریم که دین اسلام نه تنها با معاشرت مخالف نیست بلکه به آن توصیه نیز می‌کند، ولی معاشرتی را می‌پذیرد و به آن توصیه می‌کند که دارای ضوابط خاص خود باشد، و به تعبیر دیگر قانونمند و هدفمند باشد؛ زیرا اگر هدفمند و قانونمند شد، این معاشرت به سیر تکاملی انسان کمک می‌کند، ولی اگر بدون ضابطه باشد، رهزن انسان می‌شود و مشکلات فراوانی به بار می‌آورد که نمونه‌های آن را در برخی جوامع شاهد هستیم.

بنابراین، دستورهای دین «محدودیت» نیست بلکه مایه «مصونیت» است و با رعایت آن «بهداشت روانی» و «بهداشت جسمی» جامعه تامین می‌شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۶۵

آیات مربوط به روابط دختر و پسر را بیان کرده و توضیح دهید.

اشاره

پرسش:

آیات مربوط به روابط دختر و پسر را بیان کرده و توضیح دهید. پاسخ:

این آیات چند دسته است:

الف- آیات مربوط به گفتگوی موسی با دختران شعیب

قرآن کریم در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره قصص به ماجرای برخورد موسی با دختران شعیب و یاری رساندن به آنان و مناجات موسی اشاره کرده و می‌فرماید:

«وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ امَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَ بُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ* فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّى لِمَا أنزَلْتَ إِلَىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ؛ و هنگامی که به (چاهِ) آب مَدین رسید، گروهی از مردم را در آنجا یافت که (چهارپایان خود را) سیراب می‌کردند؛ و پایین‌تر از آنان دو زن را یافت که (گوسفندان خود را از رفتن به طرف آبشخور) بازمی‌داشتند. (موسی به آن دو) گفت: « [جریان کارشما چیست؟» [آن دو زن گفتند: « (ما گوسفندهایمان را) سیراب

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۶۶

نمی‌کنیم تا اینکه شبان‌ها خارج شوند؛ و پدر ما پیر کهنسالی است.» پس (موسی) برای آن دو (گوسفندان را) سیراب کرد، سپس (از آنان) به سوی سایه روی برتافت و گفت: «پروردگارا! در حقیقت من به آنچه از نیکی که به سوی من فروفرستی، نیازمندم.»

نکته‌ها:

۱. موسی از مصر خارج شد و به سوی «مَدْین» حرکت کرد و چند روز راه رفت وخسته و گرسنه و تشنه به سرزمین «مدین» رسید، و به طور طبیعی نخست به سراغ محل آب رفت تا آبی بنوشد و خستگی را از تن بدر کند. «۱»

۲. از این آیات استفاده می‌شود که موسی هنوز جوانی طرفدار مظلومان ونیکوکار بود و به اطراف خود توجه می‌کرد و هنگامی که دید دو دختر با عفت در کنار آب ایستاده‌اند و چوپانان راه را باز نمی‌کنند که آنان از آبشخور براحتی استفاده کنند، به سراغ آنان رفت و از کار آنان پرسید و جالب آن است که هردو دختر را مخاطب ساخت، و با یکی از آنان سخن نگفت تا مورد اتّهام قرار گیرد؛ سپس به آنان کمک کرد تا دام‌های خود را سیراب کنند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۶۷

۳. نکته جالب آن است که موسی (ع)، به نفع بانوان وارد عمل شد و دام‌های آنان را برد و سیراب کرد و بدین وسیله به وضع موجود شهر «مدین» اعتراض کرد، که چرا زنان را معطل می‌کنید و رعایت حال آنان را نمی‌نمایید.

۴. نکته دیگر آن است که موسی با آن که در آن شرایط کاملًا نیازمند بود، هیچ مزدی در برابر کارخود از دختران شعیب نخواست، ولی درآیات بعدی می‌خوانیم که چگونه خدا پاداش این نیکوکاری او را داد و غذا و خانواده‌ای پاکدامن و معلّمی همچون شعیب نصیب او کرد.

۵. موسی (ع) فردی بود که درموارد متعدد با خدا مناجات می‌کرد و در این آیات نیز به سایه رفت و به پروردگارش عرض کرد که من نیازمند نیکی‌های تو هستم. نکته‌ی جالب این که به خدا نگفت به من غذا و همسر بده، بلکه گفت من نیازمند احسان تو هستم، (توخود هر طور می‌دانی و صلاح است عمل نما.) «۱»

۶. دختران شعیب درخانه پیامبری الهی تربیت یافته‌اند؛ و می‌توانند الگوی دختران جوان باشند و از این رو است که قرآن سخنان و رفتار آنان را به تصویر کشیده تا سرمشق دیگران شوند. در زندگی این دختران چند نکته جالب وجود دارد:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۶۸

اوّل این که آنان بیرون از خانه کار می‌کردند و به پدرشان در دامداری کمک می‌نمودند.

دوّم آن که کار بیرون از خانه را باعفت همراه کرده بودند و طوری عمل می‌کردند که با مردان بیگانه مخلوط نشوند و کارکردن آن‌ها عوارضی به دنبال نداشته باشد.

سوّم آن‌که در برابر پرسش موسی زیرکانه و کوتاه جواب دادند، از طرفی اشاره کردند که برای سیراب کردن گوسفندان آمده‌ایم و از طرف دیگر بیان کردند که نمی‌خواهیم با مردان بیگانه مخلوط شویم، و عفّت خود را به موسی گوشزد نمودند، و از طرف سوّم، علت کارکردن خود را بیان کردند که به خاطر یاری پدر بوده است.

چهارم آن‌که به طور طبیعی احتمال می‌رفت جوانی که با دختران شعیب سخن می‌گوید، فردی طمع کار باشد، از این رو به او گوشزدکردند که ما پدر داریم و بی سرپرست نیستیم، ولی پدر ما پیر است و اگر ما به میان اجتماع مردان آمده‌ایم، از سراضطرار بوده است.

۷. از این آیات استفاده می‌شود که سخن گفتن پسر و دختر نامحرم در مورد برنامه‌های کاری (اگر بدون شهوت رانی و خطر گناه آلود و در حضور جمع باشد) مانعی ندارد؛ چراکه قرآن جریان گفتگوی موسی و دختران شعیب را بدون هیچ سرزنشی نقل

می کند، درحالی که آنان با همدیگر نا محرم بودند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۶۹

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه آیه بیست و سوم برای ما آن است که درکارهای اجتماعی رعایت بانوان را بنماییم، و حق زنان با عفت را پایمال نکنیم.

۲. پیام آیه آن است که زنان درهنگام ضرورت می‌توانند بارعایت عفّت در خارج از خانه کارکنند.

۳. آموزه دیگر آیه برای دختران جوان آن است که در گفتگوهای اجتماعی، زیرکانه پاسخ دهید و از توهمات طرف مقابل جلوگیری کنید.

۴. آموزه آیات برای جوانان آن است که در اجتماع به اطراف خود توجه کنید و حامی مظلومان به ویژه زنان باشید.

۵. آموزه دیگر آیات برای جوانان آن است که نیکوکار باشید و به ناموس مردم چشم طمع نورزید، و از خدا (امکانات) نیکو بخواهید (و خدا به لطف و کرمش زندگی شمارا سامان می‌بخشد.)

۶. آموزه دیگر آیات آن است که درهنگام نیاز به درگاه بی‌نیاز بروید.

*** قرآن کریم در آیه بیست و پنجم سوره قصص به حیای دختر شعیب و ملاقات موسی با او و پاداش کار نیکش اشاره کرده و می‌فرماید:

۲۵. «فَجاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِی عَلَی اسْتِحْیَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِی یَدْعُوکَ لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ مَا سَقَیْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَیْهِ الْقَصَصَ قَالَ لا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ؛ و یکی از آن دو (دختران شعیب) به سراغ او آمد درحالی که با شرم، گام

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷۰

برمی‌داشت، گفت: «درحقیقت پدرم تو را فرا می‌خواند تا پاداش آب دادن (گوسفندان) ما را به تو بپردازد.» و هنگامی که (موسی) نزد او [: شعیب آمد و حکایت‌ها را برای او حکایت کرد، گفت: «نترس که ازگروه ستمکاران نجات یافتی.»

نکات و اشارات:

۱. هنگامی که موسی (ع) به «مدین» آمد، ترسان، گرسنه و بدون خانواده بود، ولی دیری نپایید که به برکت کارخیری که انجام داد و به دختران بی‌پناهی کمک کرد، خدا زندگی او را دگرگون ساخت. آری، شعیب او را به خاطر کار نیکش نزد خود فرا خواند، و غذا، مسکن، خانواده و امنیت او را تأمین کرد.

۲. در این آیه بیان شده که دختر شعیب از سوی پدرش مأمور شده بود موسی را به خانه و نزد پدر ببرد، ولی چنان با حیا و عفت بود که حیای او در راه رفتنش هویدا بود؛ یعنی تلاش می کرد که کاملًا با حیا راه رود «۱» و این الگویی برای دختران جوان است. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷۱

۳. دختر شعیب از طرف خود دعوت نکرد، بلکه پیام پدر را رساند که او می‌خواهد مزد آب رسانی تورا بدهد.

از این سخن روشن می‌شود که دختران شعیب به خانه رفتند و ماجرای گفتگو و برخورد خود با جوان مصری را مخفی نکرده و جریان جوان نیرومند و نیکوکار را برای پدرشان حکایت کردند، و او نیز با فراست (یا علم غیب نبوّت) دریافت که این جوان می‌تواند فردی مناسب برای چوپانی یا دامادی او باشد، از این رو درپی تحقیق بیشتر برآمد واورا به خانه دعوت کرد.

۴. شعیب پیامبر (ع) در این پیام، روح حق‌شناسی خویشتن را آشکار ساخت که اگر کسی به دخترانش کمک کند، فوری به او پاداش می‌دهد؛ آری این روش مردان الهی است.

۵. در برخی روایات آمده است که موسی به مکان خانه شعیب آگاه نبود و اگر دختر شعیب از جلو حرکت و اورا راهنمایی

می کرد، ممکن بود باد لباس او را کنار زند، از این رو موسی گفت: من از جلو می‌روم و تو مرا از پشت سرراهنمایی کن. «۱»
همین مطلب پاکی و درستکاری موسی را اثبات کرد و زمینه‌ای شد که دختر شعیب به پدر پیشنهاد کند اورا برای چوپانی استخدام کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷۲

۶. موسی به ملاقات با پیر مدین، یعنی شعیب پیامبر، نائل شد و ماجرای زندگی پر ماجرای خود را باز گو کرد که چگونه در کاخ فرعون بزرگ و برای دفاع از مظلومی وارد درگیری شده و یک نفر به قتل رسیده و او فرار کرده است و هم اینک تحت تعقیب، گرسنه و بدون خانواده است.

۷. شعیب پیامبر (ع) موسی را دلداری داد و نخست امنیت او را تأمین کرد و گفت: نترس که دست ستمکاران (فرعونی) به تو نمی‌رسد؛ زیرا موسی به سرزمین مدین و خانه معلّم وحی آمده و از غربت و تنهایی نجات یافته بود و شعیب به او پناه داد.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه‌ی آیه برای ما آن است که هرکس به ما نیکی کرد، پاداش او را بدهیم.

۲. آموزه دیگر آیه برای دختران جوان آن است که در هنگام راه رفتن با حیا حرکت کنند که شیوه‌ی راه رفتن نشان دهنده شخصیت آن است.

۳. پیام آیه آن است که به بی پناهان ظلم ستیز پناه و امان دهید.

۴. پیام دیگر آیه آن است که دختران جوان، جریان برخوردها و گفتگوهای بیرون خانه را به پدرشان اطلاع دهند (تا پدر به آنان کمک کند.)

***

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷۳

قرآن کریم درآیه بیست و ششم سوره قصص به پیشنهاد استخدام موسی و شرایط کارگزار خوب اشاره می کند و می‌فرماید:

۲۶. «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ؛ یکی از آن دو (دختر) گفت: «ای پدر [من ! اورا استخدام کن، [چرا] که بهترین کسی که استخدام می کنی (شخصِ) نیرومند درستکار است.»

نکات و اشارات:

۱. در این‌جا پرسشی مطرح می‌شود که دختر شعیب از کجا متوجه شد موسی قوی و امین است؛

پاسخ آن است که دختران شعیب درهنگام آب رسانی، و عقب زدن چوپانان دیگر و کشیدن دلوچاه قدرت موسی را دیده بودند. درستکاری او نیز به هنگام آمدن به خانه شعیب روشن شد که حاضر نشد پشت سردختر شعیب حرکت کند؛ همان گونه که از باز گوکردن سر گذشت او بافرعونیان این مطالب هویدا شده بود.

۲. از این آیه استفاده می‌شود که اولًا: دختران شعیب رفتار این جوان را به دقت تحلیل کرده و متوجه شدند که او امین و قوی است و ثانیاً: درمورد پیشنهاد استخدام گرفتار احساسات نشدند، بلکه بر اساس عقل خویش عمل کرده و به صفات اساسی موسی توجه نمودند، نه به وضع ظاهری او.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷۴

۳. در این آیه به دو شرط اساسی کارگزاران اشاره شده است. کارگزاری که می‌خواهد برای یک خانواده و یا یک شهر یا یک ملت خدمت کند، باید قوی و امین باشد و به عبارت دیگر تخصص و تعهد داشته باشد.

۴. قوی بودن افراد به نیروی جسمی تنها نیست، بلکه توان مدیریت، تخصص دریک رشته و آگاهی کافی بر کار و قدرت برنامه

ریزی و مدیریت همگی مصداق قوی بودن افراد است.

۵. امین و درستکار بودن کارگزاران نیز بسیار مهم است کارگزار خیانت پیشه، باعث نابودی منابع و کارفرما می‌شود.

۶. از این آیه استفاده می‌شود که شعیب پیامبر، فرزندان خود را چنان تربیت کرده بود که به راحتی در مسائل خانوادگی پیشنهاد می‌دادند و اظهار نظر می کردند.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه آیه برای کارفرمایان آن است که در استخدام کارگزاران به دو شرط توانمندی و امانت داری توجه کنند.

۲. پیام آیه برای پدران آن است که به فرزندان جوان خود اجازه اظهار نظر در امور خانوادگی بدهند.

***

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷۵

قرآن کریم در آیه بیست و هفتم و بیست هشتم سوره قصص به ازدواج موسی با دختر شعیب و مهریه او اشاره کرده و می‌فرماید: «قَالَ إِنِّی ارِیدُ أنْ انکِحَکَ إحْدَی ابْنَتَیَّ هَاتَیْنِ عَلَی أنْ تَأجُرَنِی ثَمَانِیَهَ حِجَجٍ فَإنْ أتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِنْدِکَ وَمَا ارِیدُ أنْ أشُقَّ عَلَیْکَ سَتَجِدُنِی إنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِینَ* قَالَ ذَلِکَ بَیْنِی وَبَیْنَکَ أیَّمَا الأجَلَیْنِ قَضَیْتُ فَلا عُدْوَانَ عَلَیَّ وَاللَّهُ عَلَی مَا نَقُولُ وَکِیلٌ؛ (شعیب) گفت: «در حقیقت من می‌خواهم که یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم، بر (اساس این مهریه) که هشت سال در استخدام من باشی؛ و اگر تا ده سال تکمیل کنی، پس (لطفی) از نزد توست؛ و نمی‌خواهم که برتو سخت‌گیری کنم؛ اگر خدا بخواهد، بزودی مرا از شایستگان خواهی یافت.» (موسی) گفت: «این (قراردادی) میان من و میان تواست؛ هرکدام از دو سرآمد (مدّت) را به پایان رساندم پس هیچ تعدّی بر من نخواهد بود؛ و خدا نسبت به آنچه می گوییم گواه و نگهبان است.»

نکات و اشارات:

۱. از لحن گفتگوی شعیب با موسی استفاده می‌شود که این سخنان مقدماتی برای ازدواج موسی با دختر شعیب بوده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷۶

آنان در مقام اجرای صیغه عقد نبوده‌اند. بلکه شاید صیغه را بعداً جاری کرده‌اند؛ «۱» از این رو است که دختر مورد نظر مشخص نشد و شعیب گفت یکی از دخترانم را به ازدواج تو درمی‌آورم و مهریه او را هم کاملًا مشخص نکرد.

۲. از لحن آیات استفاده می‌شود که مهریه واقعی هشت سال خدمت موسی بوده است و دو سال اضافی، الزامی نبوده بلکه متوقف برمیل موسی بوده؛ «۲» و در احادیث آمده است که موسی ده سال را انجام داد. «۳»

۳. براساس این آیات، خدمت موسی و هشت سال چوپانی او مهریه قرار داده شد؛ زیرا اولًا: موسی چیز دیگری نداشت که مهریه قرار دهد و ثانیاً: کار، چیزی با ارزش است که می‌تواند مهریه قرار گیرد و لازم نیست که یک جا پرداخت شود، بلکه برعهده شوهر می‌ماند. «۴»

۴. مهریه زنان وسیله‌ای برای تامین آینده زنان و نوعی بیمه حوادث زندگی است؛ همان گونه که باعث ثبات زندگی و عامل جلوگیری از طلاق‌های احساساتی و زودرس می‌باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷۷

۵. مهریه دختر شعیب هشت یا ده سال خدمت چوپانی موسی بود، و اگر حقوق متوسط کارگران در ده سال در نظر گرفته شود، این مهریه سنگینی به شمار می‌آید، ولی با توجه به این‌که در این مدت مخارج زندگی و مسکن و غذای موسی و خانواده‌اش به عهده شعیب بود، روشن می‌شود که مقدار مهریه چندان سنگین نبوده است.

۶. در این‌جا پرسشی مطرح می‌شود که چرا مهریه دختر شعیب به پدر و خانواده او تعلّق گرفت و موسی چوپان خانواده شعیب شد.

پاسخ آن است که اولًا: چوپانی موسی در درجه نخست به نفع زندگی خود و خانواده‌اش بود، و ثانیاً: مالک اصلی مهریه دختر شعیب بود؛ اما از آنجا که زندگی آنان مشترک بود، جدایی در میان آنان وجود نداشت. و ثالثاً: بدون شک شعیب رضایت دخترش را در این مورد احراز کرده بود که چنین عقدی را اجرا کند.

۷. از این آیات استفاده می‌شود که مانعی ندارد خانواده دختر اگر کسی را شایسته همسری دخترش یافت، به او پیشنهاد ازدواج کند؛ یعنی خواستگاری خانواده پسر از دختر الزامی نیست و می‌تواند برعکس نیز عمل شود؛ همان گونه که شعیب چنین کرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷۸

۸. نام دختران شعیب را «صَیفوره (یا صفراء یا صَفورا)» و «لیا» نوشته‌اند که دختر کوچک‌تر شعیب- صفورا- با موسی ازدواج کرد. وی همان دختری بودکه موسی را به خانه دعوت کرد و پیشنهاد استخدام اورا داد. «۱»

۹. از این آیه با توجه به روایت استفاده می‌شود که ازدواج دختر کوچک قبل از دختر بزرگ تر مانعی ندارد، بلکه هرگاه شوهری مناسب و در شأن دختر پیدا، و توافق حاصل شد، مانعی در برابر ازدواج دختر کوچک نیست.

۱۰. نکته جالب این ماجرا آن است که دختر شعیب به پدرش پیشنهاد کرد که موسی را برای چوپانی استخدام کند، ولی شعیب در برابر آن، ازدواج و استخدام موسی را پیشنهاد کرد. شاید شعیب از اشاره دختر متوجه شد که مایل به ازدواج با موسی است؛ از این رو ترجیح داد که مسئله را به طور واضح بیان کند. همچنین شاید صلاح ندانسته مردی جوان و بدون همسر در خانه‌ای استخدام شود که دو دختر جوان وجود دارند؛ از این رو با پیشنهاد خود تلاش کرد که هم موسی دارای همسر و محرم خانواده شود و هم مشکل کمبود چوپان مرتفع گردد، و هم به پیشنهاد فرزند جوان خود احترام گذاشت؛ یعنی مشکل شرعی و اقتصادی را یک جا حلّ کرد و این نشان دهنده مدیریت عالی شعیب در خانواده خود است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۷۹

۱۱. شعیب به موسی می‌گوید من نمی‌خواهم برتو سخت بگیرم؛ از این رو مهریه را بین هشت تا ده سال آزاد می‌گذارد. این مطلب آموزه‌ای برای همه پدران است که در برخورد با دامادهای خودش سخت‌گیری نکنند و حداقل و حداکثر مهریه را تعیین کنند و آن را به میل داماد بگذارند.

۱۲. از این آیات استفاده می‌شود که شعیب سعی نکرد که یک دختر خاص را بر موسی تحمیل کند، بلکه به هر دو طرف آزادی انتخاب داد تا ببیند کدام‌یک از دختران مایل به ازدواج با موسی هستند و موسی نیز مایل به کدامیک آن‌هاست.

۱۳. موسی (ع) ازدواج را پذیرفت، ولی شرط اختیار در مهریه را تکرار کرد و خدا را شاهد و وکیل قرارداد گرفت، تا بعداً اختلاف و مشکلی پیدا نشود.

آری، شاهد و وکیل قراردادهای مردان الهی خداست، و برای اجرای آن نیازی به ضمانت و ضامن‌های دیگر نیست.

۱۴. در این آیات شعیب به‌دنبال سخنان خود «ان شاء اللّه» می‌گوید، و موسی نیز از وکالت خدا و توکّل بر او سخن می‌راند. آری؛ «راهرو گر صد هنر دارد، توکّل بایدش.»

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه آیه برای ما این است که در استخدام کارگزاران خانگی، مراعات مسائل شرعی را بنماییم. و تلاش کنیم که افراد محرم، کارِ خانه شما را انجام دهند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۸۰

۲. آموزه دیگر آیه آن است که پدران به فکر ازدواج دختران خود باشند و در مواقع لزوم از دامادهای خوب خواستگاری کنند.

۳. آموزه دیگر آیه آن است برdامادها سخت‌گیری نکنند و آنان را در انتخاب همسر و مقدار مهریه آزاد بگذارند.

۴. آموزه دیگر آیه این است که شرایط خود را درهنگام ازدواج کاملًا بیان کنید. تا بعداً مشکلی پیش نیاید.

۵. پیام آیه این است که مهریه، پیشینه‌ای چند هزار ساله دارد و درمیان ملت‌های مختلف وجود داشته و روش پیامبران الهی بوده است.

۶. پیام دیگر این آیه آن است که خدا را شاهد و وکیل قراردادهای خود بدانید (و از آن‌ها تخلّف نکنید.) «۱»

*** اشارات آموزنده دیگر دختران شعیب:

۱. دختران شعیب با یکدیگر بودند (امْرَأَتَیْنِ) نه به تنهایی؛ یعنی دختران در بیرون رفتن سعی کنند تنها نروند، بلکه حداقل دو نفر باشند تا امنیت بیشتری برای آنان حاصل شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۸۱

۲. دختران شعیب برای آب دادن گوسفندان به محل اجتماع مردم رفتند؛ بنابراین، اشتغال زنان و حضور آنان در اجتماع و محل کار جایز است. (البته با شرایطی)

۳. اگر خانم‌ها در اجتماع ظاهر می‌شوند، از اجتماعی که باعث اختلاط با مرد است، پرهیز کنند و حریمشان را از مردان جدا کنند (مِن دُونِهِمُ)

۴. از جمله «قَالَ مَا خَطْبُکُمَا» استفاده می‌شود که:

الف- بهتر است خانم‌ها در سخن گفتن با نامحرم پیش قدم نشوند.

ب- مردان احساس مسئولیت کنند و نسبت به زنان باحیاء و با عفت بی‌تفاوت نباشند.

ج- مردان حق پرسش و شروع سخن را در موارد خاص دارند. (البته در صورتی که در منظر همگان بوده و مورد تهمت واقع نشوند.)

۵. کلام حضرت موسی (ع) خیلی کوتاه است؛ یعنی به حداقل کلام در گفتگوی با جنس مخالف اکتفا می‌کند؛ پس حد ضرورت سخن گفتن با نامحرم لازم است رعایت شود.

۶. «قَالَتَا لَا نَسْقِی»: دختران شعیب به طور مستقیم به حضرت موسی پاسخ نمی‌دهند و در پاسخ اختصار را رعایت و هدف و نیّت پاک و خیر خویش را ابراز می‌کنند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۸۲

۷. «أَبُونَا شَیْخٌ کَبِیرٌ»: اصالتاً مردها باید کار کنند، ولی در خانواده شعیب از آن جا که مرد خانواده کهن سال است، زن‌ها کارها را بر عهده گرفته‌اند؛ یعنی در ضرورت زن‌ها کار کنند.

۸. حضور زن‌ها در اجتماع و اشتغال به علت شرایط خاص، با محدودیت‌هایی روبه‌رو است؛ از این رو دختران شعیب آزادانه نتوانستند در جمع مردان به کار خویش ادامه دهند و کناره گرفتند؛ یعنی گفتار و رفتار دختران شعیب از ذهن طرف مقابل دفع توهم می‌کند که به چه علت اینجا ایستاده‌اند.

۹. «قَالَتَا»: هر دو به موسی پاسخ دادند، یعنی تا آنجا که ممکن است تنهایی وارد صحبت نشدند.

۱۰. گفتار و رفتار دختران شعیب از ذهن طرف مقابل این توهم را برطرف می‌سازد که به چه دلیل اینجا ایستاده‌اند. دختران شعیب با پاسخ‌های خود چندین دفع توهم کردند:

الف: ما بی حیا نیستیم؛

ب: ما بی سرپرست نیستیم و اصالت خانوادگی داریم.

ج: علت آمدن ما به اینجا کهن سالی پدرمان هست.

۱۱. «فَسَقَى لَهُمَا»: از این‌که موسی به گوسفندان آب داد، جواز کمک کردن مردان بیگانه به زنان در مقام ضرورت طبق شرائطی خاص به دست می‌آید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۸۳

۱۲. «لَهُمَا»: حضرت موسی به هر دو دختر کمک کرد نه به یک دختر که ایجاد شبهه کند و این دفع توهم کرد.

۱۳. «ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ»: حضرت موسی به دختران کمک کرد و به سایه رفت و این ارتباط را ادامه نداد؛ یعنی به حد ضرورت اکتفا کرد و به سرعت از آن‌ها جدا شد.

۱۴. حضرت موسی خواسته‌هایش را در درگاه پروردگار مطرح کرد و دعا کرد (و در نتیجه دارای خانواده و زندگی شد.)

۱۵. «فَجاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ»: حیا و عفت در ارتباط با دختر و پسر رعایت شود؛ یعنی راه رفتن دختران با حیا باشد و حیا در ظاهر آن‌ها ظهور و بروز کند، تا کسی طمع نکند.

۱۶. «استحیا» از باب استفعال و با (علی) آمده یعنی:

اولًا: در ارتباط با دختر و پسر حیا باشد؛

ثانیاً: حیا را بسیار رعایت کنند؛

ثالثاً: با علی (حرف جر) آمده، یعنی حیا برای آن‌ها ملکه و عادی شود، همچون (مرکبی راهوار)؛ به عبارت دیگر، حیا برای آن‌ها نهادینه شود.

۱۷. «تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» منحصر به راه رفتن نیست و این مورد برای بیان مصداق است و از مشی القای خصوصیت شود و شامل همه رفتارها می‌گردد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۸۴

۱۸. دختران حیا را در رفتار خودشان ظهور و بروز دهند و فقط به نیت و دل اکتفا نکنند.

آموزه آیه آن است که دختران عفت و حیا را در ظاهر آشکار کنند و مواظب حرکات و سکنات خود در بیرون خانه باشند تا دیگران طمع نکنند.

۱۹. دختر حضرت شعیب با اجازه پدر به ملاقات موسی آمد. پدر یکی از مصادیق ولی می‌باشد؛ پس می‌توان استفاده کرد اجازه ولی در موارد ملاقات دختر و پسر لازم است.

۲۰. حضرت شعیب نیز به دخترش اعتماد داشته و در تربیت او موفق بوده است.

«جاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا»: یک دختر را فرستاد و یک نوع اعتماد و اطمینان به دخترش را نشان داد و این از فضای باز و اعتماد افراد خانواده به یکدیگر است.

۲۱. «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ»: دختر ابراز می‌کند که فقط یک واسطه است و پسر را از طرف پدر به خانه دعوت می‌کند.

۲۲. ملاقات اول دختران و حضرت موسی در آیه ۲۳ با ملاقات دوم آنان در آیه ۲۵ تفاوتی داشته است؛ یعنی از حیای بالاتری برخوردار بوده تا این ملاقاتها عادی نشود.

۲۳. از آیه ۲۵ جواز ارتباط دختر و پسر را (بنابر شرایطی) می‌توان استفاده کرد؛ مانند اجازه پدر و حیا و ...

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۸۵

۲۴. «لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ»: حضرت شعیب حق‌شناس است؛ از این رو مسئله‌ی پاداش را مطرح می‌کند. آموزه آیه برای پدران آن است که اگر کسی به خانواده شما (دختر شما) کمک کرد، او را بی پاداش و مزد نگذارید.

۲۵. «إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ»: پدرش آن جوان را خواست و دختر را وارد کارهای اقتصادی نکرد.

۲۶. پدران روابط دختران را با افراد بیرونی مدیریت کنند. حضرت شعیب به عنوان پدر خانواده با دخترش خشن رفتار نکرد که چرا با او سخن گفتی بلکه آن را جهت داد و مدیریت کرد. آری، اگر یک جوان عفیف و پاکدامنی پیدا شد، پدر دختر، او را تکریم کند و آن جوان عفیف و پاکدامن را بی‌درنگ جذب نماید و پدر خانواده جوان را دعوت و او را ارزیابی کند که آیا صلاحیت دارد با این خانواده ارتباط برقرار کند یا خیر.

۲۷. دختران شعیب از گفتگو و ارتباط خود با جوان غریب در خانواده و با پدر به راحتی سخن گفتند؛ یعنی دختران ارتباط صمیمانه‌ای با پدر داشتند.

آموزه آیه آن است که دختران اگر ارتباطی با غریبه‌ای در بیرون داشتند، به راحتی با پدر در میان بگذارند.

آموزه دیگر این است که پدر و مادرها آن قدر فضای خانه را باز و عاطفی کنند تا دختران مسائل را به راحتی با آن‌ها در میان بگذارند.

۲۸. حضرت شعیب به عنوان یک پدر نسبت به فرزندانش بد دلی نکرد و فکر بد به خود راه نداد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۸۶

آموزه این مطلب آن است که به دختر اعتماد بکنید و به آن‌ها شخصیت بدهید و بد دلی نکنید و ارتباطهای آن‌ها را مدیریت نمایید.

۲۹. مطلوب بودن کوتاه سخن گفتن و ارتباط دختر و پسر به حد ضرورت (إِنَّ أَبِی یَدْعُوکَ) از این آیه نیز استفاده می‌شود (که البته در آیات قبلی نیز اشاره شده بود) البته این ضرورت سخن گفتن پسر با دختر ضرورت عرفی است نه ضرورت عقلی.

۳۰. در روایات وارد شده که دختران از عقب حرکت می‌کردند و موسی از جلو و در روایات وارد شده اگر زن جلو حرکت کند و مرد از پشت سرش، شیطان مرد را رها نخواهد کرد. «۱»

۳۱. «لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ مَا سَقَیْتَ»: دختر (شعیب) در برخورد با جوان دفع توهم می‌کند که هدف ارتباط با تو پاداش دادن به تو است نه چیز دیگر.

۳۲. از کل این مسئله برداشت می‌شود که پسران به منزلهایی که دختر دارند، وارد نشوند، مگر با اجازه پدر یا ولی و بدون دلیل دنبال دختر راه نیفتند.

۳۳. «سَقَیْتَ لَنَا»: این عبارت نوعی دفع توهم است؛ یعنی برای من تنها کار نکردی بلکه به ما کمک کردی. نفرمود: «سقیت لی ...» این یک نوع حیا در گفتار است؛ البته نوعی تکریم موسی نیز بود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۸۷

۳۴. «إِنَّ أَبِی ...»: پدرم می‌خواهد به تو پاداش بدهد نه من؛ مدیریت اقتصادی خانواده را پدر دارد و در موارد غیر ضروری دختران وارد کارهای اقتصادی خارج خانه نمی‌شوند؛ زیرا مفاسدی را به دنبال دارد.

۳۵. «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا یَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ»: در روایات آمده است که گوینده این جمله دختر کوچک‌تر شعیب بود و این نکته را می‌رساند که آن قدر فضای خانه شعیب باز است که دختران بتوانند در خانه مشورت بدهند و راجع به مردان بیگانه قضاوت کنند. «یَا أَبَتِ» نیز که فضای عاطفی خانه را می‌رساند.

۳۶. «الْقَوِیُّ الْأَمِینُ»: دخترها مشورت می‌دهند که موسی «قوی» در آب دادن و «امین» در برخورد با این دخترها (به سمت سایه رفت، در راه آمدن جلو حرکت کرد) و دختران شعیب به دقت رفتار این جوان را تحلیل کردند که آیا امین هست یا خیر؟ آیا به درد زندگی می‌خورد یا خیر؟ و دچار احساسات نشدند و نگفتند او زیباست، گفتند: «قوی امین»؛ یعنی تعبیراتی به کار بردند که دور از احساسات است.

۳۷. دختران روابط اقتصادی را پیشنهاد دادند که موسی کارگزار اقتصادی آن‌ها شود، ولی خودشان وارد نشدند.
۳۸. «الْقَوِیُّ الْأَمِینُ» به معنای تخصص و تعهد است، که از «قوی» می‌توان نکاتی مانند قدرت در جسم و قدرت در برنامه ریزی مدیر را استفاده کرد و از «امین» تعهد مدیر استفاده می‌شود. قوی امین یک کبرای کلی است و مصادیق مختلفی را در بر می‌گیرد.
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۸۸
۳۹. «یَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ»: آیات قبلی مجوز اشتغال زنان را مطرح کرده است و از این آیه استفاده می‌شود که اگر با آمدن مردان ضرورت برطرف شد، لازم نیست زن‌ها کار کنند.
۴۰. «قَالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنکِحَکَ»: خواستگاری از طرف خانواده دختر مانعی ندارد بلکه سیره برخی پیامبران همین بوده است.
۴۱. توجه پدر به خواست غیر مستقیم دختران در مورد ازدواج.
۴۲. حضرت شعیب به عنوان پدر حق انتخاب را برای دختران و اختیار در ازدواج را لحاظ کرد و این اختیار هم از طرف دختر بوده و هم از طرف پسر (إِحْدَی ابْنَتَیَّ) فحوای سخن این مطلب را می‌رساند و کلمه (أُرِیدُ) نه برای موسی الزام بود و نه برای دختران، هرچند شعیب خواست خود را ابراز داشت.
آری، تصمیم گیرنده اصلی در امر ازدواج طرفین هستند نه پدر.
۴۳. داماد می‌تواند قبل از ازدواج دختر را ببیند (هَاتَیْنِ). (اشاره یا ذهنی است یا حضوری)
۴۴. «إِنِّی»: جمله اسمیه و با تاکید آورده شده؛ یعنی اگر پسر مناسبی پیدا شد، پدر به دنبال شوهر دادن دخترش باشد و از فرصت استفاده کند.
۴۵. «عَلَی أَن تَأْجُرَنِی ثَمَانِیَ حِجَجٍ»: مسئله مهریه را مطرح می‌کند که امری معقول و آینده ساز دختر است.
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۸۹ ۴۶. «فَإِنْ اتْمَمْتَ عَشْراً» درازدواج نباید سخت‌گیری کرد و این یک اصل است، القای خصوصیت می‌کنیم و در تمام ازدواج ها این قاعده را جاری می‌نماییم که به داماد سخت گرفته نشود.
۴۷. حضرت موسی به جای مهریه کار می‌کند؛ یعنی در ازدواج ملاحظه کنید که از داماد چه کاری بر می‌آید، همان را مهریه قرار دهید.
۴۸. مهریه دختر شعیب ۸ یا ۱۰ سال مزد چوپانی موسی بود که مقدار کمی نیست.
۴۹. چرا مهر دختر حضرت شعیب به خانواده تعلق گرفت نه خودش:
الف- اولًا. چوپانی حضرت موسی (ع) به نفع خود و خانواده‌اش بود.
ب- بدون شک رضایت دخترش را حضرت شعیب دریافت کرده بود.
ج- زندگی در قدیم دسته جمعی بود، پس سود این کار به تمامی خانواده بازگشت می‌کرد.
۵۰. مهریه مطلوب:
الف- مهریه را به صورتی انتخاب کنید که سود آن هم برای خود داماد باشد و هم به دیگران نفع برساند؛ یعنی برای تمامی اعضای خانواده مفید باشد.
ب- مهریه به گونه‌ای باشد که اشتغال بیافریند؛ یعنی یک سرمایه راکد و بی استفاده نباشد.
پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹۰
۵۱. حضرت شعیب به عنوان پدر زن به فکر آینده شغلی داماد می‌باشد؛ یعنی شرطی می‌گذارد و مهریه را به صورتی انتخاب می‌کند که آینده اقتصادی داماد را فراهم می‌کند (نه این‌که شرطی بگذارد که داماد از آینده‌ی مطلوب ناامید شود.)
۵۲. اگر خواستیم مهریه را کم یا زیاد کنیم، اختیار را به داماد بدهیم و این کمال احترام به داماد را می‌رساند و این نکته نیز قابل

توجه است که تعیین مهر را از پایین شروع می‌کند (۸ سال یا ۱۰ سال)؛ یعنی در مسئله مهریه جریان را به سخت‌گیری و خشونت نرسانید و اختیار را به داماد بدهید تا محبت زیاد شود و حضرت موسی هم متقابلًا در کمال احترام و ادب پاسخ داد.

۵۳. این داستان می‌رساند که داماد را به علت بیکاری و فقر رد نکنید؛ اگر متخصص و متعهد است او را بپذیرید و زمینه اشتغال او را فراهم کنید.

۵۴. از مجموع آیات این نکته استفاده می‌شود که لازم است دختر و پسر از یکدیگر شناخت داشته باشند؛ البته اطلاعات را با نظارت پدر و مادر از یکدیگر کسب کنند.

۵۵. در روایات آمده است که با وجود دختر بزرگ‌تر ابتدا دختر کوچک شعیب ازدواج می‌کند و این خود نوعی فرهنگ سازی است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹۱

۵۶. «سَتَجِدُنِی إِن شَاءَ اللَّهُ» در ازدواج یاد خدا کرد؛ آری چه نیکوست که طرفین در ازدواج بر خدا توکل کنند و هنگام ازدواج نکات مثبت یکدیگر را مطرح می‌کنند.

ب- آیات مربوط به تعیین افراد محرم و نامحرم و نگاه به آن‌ها

قرآن کریم در آیه ۳۰ سوره نور به ممنوعیت چشم چرانی و لزوم حجاب مردان و تأثیر آن در پاکی و رشد آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«قُل لِّلْمُؤْمِنِینَ یَغُضواْ مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَیحْفَظواْ فُرُوجَهُمْ ذَلِکَ أَزْکَی لهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا یَصْنَعُونَ؛ (ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو: «چشم‌هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند، و دامانشان را (در امور جنسی) حفظ کنند.» که این برای آنان [پاک کننده‌تر و] رشد آورتر است؛ [چرا] که خدا به آنچه با زیرکی انجام می‌دهند آگاه است.»

شأن نزول:

داستان نزول آیه فوق این‌گونه حکایت شده که جوانی از مسلمانان انصار مدینه، با زنی روبه‌رو شد. (و زنان در آن زمان مقنعه خود را پشت گوش‌ها قرار می‌دادند و طبیعی است که صورت، گردن و مقداری از سینه آنان نمایان می‌شد.) آن جوان در حال راه رفتن به زن چشم دوخت تا اینکه صورتش به دیوار خورد و در اثر چیز تیزی که در دیوار بود، صورتش شکافت و خون بر لباس و سینه‌اش ریخت.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹۲

او ناراحت شد و به همان صورت خدمت پیامبر (ص) رسید و ماجرا را نقل کرد. در این هنگام پیک وحی فرود آمد و آیه فوق را نازل کرده و به مردان مؤمن دستور داد که از چشم چرانی دوری کنند «۱» (و در آیه بعد به زنان دستور حجاب داد.)

نکات و اشارات:

۱. سوره نور خط عفت و پاکی مؤمنان را دنبال می‌کند، و در راستای دور کردن جامعه از اعمال منافی عفت و سوق دادن مردم به سوی پاکی است؛ از این رو، در این آیات با چشم چرانی و ترک حجاب مبارزه می‌کند تا مقدمات پاکی جامعه فراهم گردد و زمینه آلودگی بر طرف شود.

۲. واژه «یَغُضُّوا» در اصل به معنای کم کردن و کوتاه کردن است؛ یعنی این آیه به مردان مؤمن دستور می‌دهد که نگاه خود را کوتاه کنند؛ اما دستور نمی‌دهد که چشمان خود را فرو بندند تا در راه رفتن دچار مشکل شوند. «۲»

۳. کم کردن و کوتاه نمودن نگاه در برابر نامحرمان آن است که قلمرو نگاه کم شود؛ یعنی اگر انسان در حالت عادی به منطقه

گسترده‌ای نگاه می‌کند، در هنگام روبه‌رو شدن با زنان نامحرم، قلمرو دید خود را کم کند تا

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹۳

گرفتار نگاه حرام نشود، به عبارت دیگر، از اندام و اعضایی که دیدن آن‌ها حرام است، نگاه خویش را برگیرد و از نگاه خود فرو کاهد و خیره نظر نکند. «۱»

۴. در این آیه متعلّق نگاه حذف شده است؛ یعنی نمی‌گوید نگاه خود را از چه چیزی فرو گیرید. این مطلب دلیل بر عمومیت است؛ یعنی نگاه خود را از مشاهده هر چه حرام است، برگیرید که شامل فرو گرفتن نگاه از زنان نامحرم و هر صحنه حرام است؛ اما با توجه به آیات قبل و بعد، روشن می‌شود که مقصود نگاه به زنان نامحرم می‌باشد که زمینه‌ساز انحراف‌های جنسی است.

این دیده شوخ می‌کشد دل به کمند

خواهی که به کس دل ندهی دیده ببند (سعدی)

۵. واژه «فَرْج» در اصل به معنای شکاف است، و در این‌جا کنایه از مواضع جنسی است؛ یعنی مردان باید مواضع جنسی بدن خود را از نگاه دیگران بپوشانند تا سبب تحریک افراد و زمینه آلودگی و انحراف جامعه نشود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹۴

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. چشم چرانی ممنوع می‌باشد.

۲. آموزه آیه آن است که مردان نیز حجاب خویش را رعایت کنند و مواضع جنسی خود را بپوشانند.

۳. پیام آیه برای مردان آن است که فروکاستن نگاه، از حرام عامل پاکی و رشد است.

۴. آموزه آیه برای مردان آن است که با پوشاندن مواضع جنسی خود، به پاکی و رشد جامعه کمک کنید.

۵. پیام هشدار آمیز آیه آن است که با زیرکی سعی نکنید از این دستورها فرار کنید؛ زیرا خدا از حال شما آگاه است.

*** قرآن کریم در آیه ۳۱ سوره نور به ممنوعیت چشم چرانی زنان و حدود حجاب آنان و موارد دوازده‌گانه استثنای آن اشاره کرده و می‌فرماید:

۳۱. «وَقُل لِّلْمُؤْمِنَتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَـرِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ ءَابَآئِهِنَّ أَوْ ءَابَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَآئِهِنَّ أَوْ أَبْنَآءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَنِهِنَّ أَوْ بَنِی إِخْوَنِهِنَّ أَوْ بَنِی أَخَوَتِهِنَّ أَوْ نِسَآئِهِنَّ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَنُهُنَّ أَوِ التَّبِعِینَ غَیْرِ أُوْلِی الْإِرْبَهِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُواْ عَلَیٰ عَوْرَتِ النِّسَآءِ وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ وَتُوبُواْ إِلَی اللَّهِ جَمِیعاً أَیُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹۵

و به زنان مؤمن بگو: «چشمانشان را (از نگاه حرام) فروکاهند؛ و دامان (عفت) شان را حفظ کنند؛ و زیورشان را آشکار ننمایند، جز آنچه را که از آنها ظاهر است؛ و باید روسری‌هایشان را بر گریبان‌هایشان (فرو) اندازند، و زیورشان را آشکار ننمایند جز برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان (هم کیش) شان، یا آنچه (از کنیزان) مالک شده‌اند، یا مردان (خدمتکار) تابع (خانواده) که (از زنان) بی نیازند، یا کودکانی که بر امور جنسی زنان آگاه نشده‌اند؛ و پاهایشان را (به زمین) نزنند تا آنچه از زیورشان پنهان می‌دارند، معلوم گردد؛ و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید.»

نکات و اشارات:

۱. در آیه موارد دوازده‌گانه‌ی استثنا را بر می‌شمارد و می‌فرماید: «زنان زینت خود را آشکار نسازند، مگر (برای دوازده گروه)».

۱. برای شوهرانشان؛

۲. یا برای پدرانشان؛

۳. یا برای پدران شوهرانشان؛

۴. یا برای پسرانشان؛

۵. یا برای پسران همسرانشان؛

۶. یا برای برادرانشان؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹۶

۷. یا برای پسران برادرانشان؛

۸. یا برای پسران خواهرانشان؛

۹. یا زنان (هم کیش) آنان؛

۱۰. یا برای بردگان (: کنیزانشان)؛

۱۱. یا برای مردان دنباله روی که تمایلی (به زنان) ندارند؛

۱۲. یا برای کودکانی که توانائی و اطلاعی از امور جنسی زنان ندارند.

در این آیه دو دستور اساسی به زنان می‌دهد که عبارت‌اند از:

پرهیز از چشم چرانی و لزوم پوشاندن مواضع جنسی از نگاه دیگران.

این دو قانون عمومی بوده و شامل مردان و زنان مؤمن می‌شود؛ البته در آیه قبل این دو دستور را برای مردان و در این آیه برای زنان واجب کرد. بیان جداگانه حکم مردان و زنان در این دو آیه برای تأکید و اهمیت آن است تا روشن شود که این قوانین مخصوص قشری خاص نیست.

۳. در این آیه فرمان حجاب خاص زنان را صادر کرده است که شامل دو دستور اساسی است: نخست این‌که زنان باید زیورهای مخفی خود را برای نامحرمان آشکار نسازند؛ ودوم این‌که پوشش‌های خود را بر گریبان خویش بیفکنند.

۴. مفسران قرآن در مورد زیورهای مخفی زنان اختلاف نظر دارند: برخی این زیورها را به معنای زینت طبیعی زنان، یعنی اندام‌های آنان دانسته‌اند، و برخی دیگر به معنای محل زیور آلات زنان همچون گوش و دست دانسته‌اند،

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹۷

و برخی دیگر از مفسران زینت را به معنای زیور آلات زنان دانسته‌اند؛ البته در حالی که بر بدن قرار گرفته‌اند و به طور طبیعی آشکار کردن چنین زینتی همراه با آشکار ساختن اندامی است که زیور بر آن قرار گرفته است.

گفتنی است ظاهر آیه با تفسیر سوم سازگارتر است. «۱»

۵. در برخی احادیث اهل بیت (ع) آمده است که مقصود از زینت پنهان زنان در این آیه، همان گردنبند، بازوبند و پای بند است؛ «۲»

البته این گونه احادیث مصادیق این زیورها را بیان می‌کند، ولی آیه شامل هرگونه زیور مخفی زنان همچون لباس‌های زینتی می‌شود (که زیر چادر یا زیر لباس عادی قرار می‌گیرد.)

۶. در احادیث اهل بیت (ع) آمده است که مقصود از زیورهای آشکار زنان که پوشاندن آن‌ها لازم نیست، همان دستبند، انگشتر و سرمه و مانند آن است «۳» و در احادیث دیگر می‌خوانیم که مقصود صورت و دو دست زن است (که لازم نیست پوشانده شود.)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹۸

البته فقهای شیعه در مورد استثنای این امور اختلاف نظر دارند، و هر زن مکلّف در این موارد به فتوای مرجع تقلید خویش مراجعه کند. «۱»

۷. واژه «خُمُر» به معنای پوشش است و معمولًا به چیزی گفته می‌شود که زنان سرخود را با آن می‌پوشانند (مثل مقنعه یا روسری). و واژه «جُیُوب» به معنای یقه پیراهن است که به آن گریبان گویند و گاهی به معنای قسمت بالای سینه نیز که مجاور آن است، گفته می‌شود؛ «۲» یعنی این آیه دستور می‌دهد که زنان روسری خود را بر گریبان خود بیفکنند تا گردن و قسمتی از سینه که معمولًا باز می‌ماند، پوشیده شود.

۸. فلسفه حجاب در اسلام آن است که:

الف- حجاب وقار و شخصیت زن را افزایش می‌دهد و اسلام می‌خواهد زنان این گونه باشند.

ب- محیط جامعه، محیطی پاک باشد و زمینه‌های فساد و انحراف برچیده شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۱۹۹

ج- محیط جامعه برای مردان جوان تحریک‌آمیز نباشد و آنان را به فشارهای روانی و بیماری‌های عصبی گرفتار نسازد.

د- یکی از پیامدهای بی‌حجابی و بدحجابی، افزایش فحشا و اعمال منافی عفت و پیدایش فرزندان نامشروع است، همان گونه که در عصر ما در جوامع غیر مذهبی مشاهده می‌شود و حجاب یکی از موانع این فسادهاست.

یاد آوری این نکته لازم است که حجاب به معنای محرومیت زنان در انجام وظایف فردی و اجتماعی نیست و زنان مسلمان می‌توانند با حفظ حجاب خود تا مراتب عالی علمی، فرهنگی و اجرایی پیشرفت کنند.

۹. در این آیه دوازده مورد به عنوان استثنا ذکر شده‌اند که زنان حق دارند در برابر آنان حجاب خود را رعایت نکنند. این دوازده مورد عبارت‌اند از:

شوهر، پدر، پدر شوهر، پسر، پسر شوهر، برادر، پسر برادر، پسر خواهر، زنان (هم کیش)، بردگان (کنیز)، مردان کم خرد که دنباله‌رو افراد هستند و طالب مسائل شهوانی نیستند و کودکان ناتوان که از امور جنسی زنان آگاهی ندارند.

۱۰. مقصود از «نِسائهُنّ» زنان غیر مسلمان هستند؛ یعنی زنان مسلمان در برابر زنان مسلمان دیگر حق دارند که حجاب خود را برگیرند؛ اما در برابر زنان غیر مسلمان نباید بی حجاب شوند؛ زیرا آنان با وصف زنان مسلمان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۰۰

برای دیگران موجب فساد می‌شوند. به این مطلب در برخی احادیث اهل بیت (ع) نیز اشاره شده است. «۱»

۱۱. مقصود از بردگانی که زنان مسلمان حق دارند، حجاب خود را در برابر آنان برگیرند، کنیزان اند «۲» که در اعصار پیشین در جوامع وجود داشته‌اند و اسلام با برنامه‌ای جالب، ریشه برده داری را از جامعه اسلام برکند.

۱۲. مقصود از مردان دنباله‌رو خانواده که میل شهوانی ندارند، و زنان می‌توانند در برابر آنان حجاب خود را برگیرند، همان مردان کم خرد و سفیه هستند که احساس جنسی ندارند. و معمولًا خدمتکار دیگران هستند. «۳»

و یا منظور پیر مردان و افراد خنثی و خواجه هستند. که میل شهوانی ندارد. «۴»

۱۳. در این آیه از عمو و دائی به عنوان محرم زنان یاد نشده است، شاید این بخاطر آن است که از پسر برادر و پسر خواهر یاد شد و با توجه به محرمیت دو جانبه آنان روشن می‌شود که عمو و دائی نیز محرم هستند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۰۱

۱۴. در این آیه بیان شده بود که زنان با زدن پا به زمین باعث نشوند زینت‌های آنان آشکار شود و صدای پابند (و خلخال‌ها) به گوش مردان برسد و شهوت آنان تحریک شود. این مطلب نهایت دقت و ظریف‌نگری اسلام را نشان می‌دهد.

این مطلب هرچند یک مصداق تحریک شهوانی است، با الغای خصوصیت می‌توان گفت که زنان لازم است از هر گونه کار تحریک‌آمیز در برابر مردان نامحرم خودداری کنند.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه آیه برای زنان مؤمن آن است که با دوری از چشم‌چرانی و حفظ حجاب، محیط جامعه را پاک نگاه دارید.

۲. پیام آیه آن است که زنان با آشکار کردن زیورهای مخفی، عامل تحریک (و فساد) جامعه نشوند.

۳. آموزه دیگر آیه آن است که زنان در برابر دوازده گروه اجتماعی آزادند که حجاب خویش را فروگذارند.

۴. پیام دیگر آیه آن است که راه توبه، بازگشت و رستگاری برای خطاکاران باز است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۰۲

ج: آیات مربوط به حجاب (تأمین سلامت اجتماعی و بهداشت روانی زنان)

در این مورد چند آیه وجود دارد؛ از جمله آیه ۳۱ نور که توضیح آن گذشت و آیه ۳۲ و ۵۹ سوره احزاب که در مورد زنان پیامبر (ص) است؛ اما درس‌های آموزنده آن کلی است. قرآن کریم در آیه ۳۲ سوره احزاب به جایگاه همسران پیامبر و شیوه شایسته گفتگوی زنان با مردان اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۳۲. «یَا نِسَاءَ النَّبِیِّ لَسْتُنَّ کَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَیْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفاً؛ و افراد بی‌همسرتان، و شایستگان از بندگانتان، و کنیزانتان را به ازدواج (یکدیگر) در آورید؛ اگر نیازمند باشند، خدا از بخشش خود آنان را توانگر می‌سازد؛ و خدا گشایشگری داناست.»

نکات و اشارات:

۱. در این آیه جایگاه و مسئولیت بزرگ زنان پیامبر (ص) بیان شده است. آنان از طرفی منسوب به پیامبر (ص) هستند و از سوی دیگر الگوی زنان مسلمان می‌باشند.

آن‌ها می‌توانند دستورهای خدا و پیامبر را در زندگی خود اجرا کنند و با تقوا باشند و سرمشق دیگران قرار گیرند. و این مقام ممتازی است که زنان عادی از آن بی‌بهره‌اند.

۲. در این آیه به زنان پیامبر (صلی الله علیه وآله) آموزش می‌دهد که چگونه با مردان بیگانه سخن گویند. بانوان باید با مردان بیگانه جدّی، خشک و

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۰۳

معمولی سخن گویند، و از شوخی و تعبیرهای هوس‌انگیز پرهیز کنند تا افراد بیماردل و شهوت‌ران در مورد آنان طمع نورزند.

۳. در این آیه از افراد هوس‌ران با عنوان «کسانی که در دلشان بیماری است» یاد شده است، این جمله اشاره به آن است که اگر شهوت انسان به صورت متعادل باشد، آن انسان سالم است؛ اما اگر کسی شهوت‌ران و هوس‌ران باشد، از حالت تعادل و سلامت خارج شده و به نوعی بیماری درونی و روانی گرفتار می‌شود که در برخی مراحل به سرحدّ جنون جنسی نیز می‌رسد. «۱»

۴. مقصود از گفتار شایسته آن است که گفتار بیهوده و باطل و گناه‌آلود و مخالف حق نگویند و شایسته، نیکو، پسندیده و طبق عرف صحیح با مردان سخن بگویند.

۵. مخاطبان این آیه زنان پیامبر (ص) هستند، ولی مقصود همه زنان مسلمان بوده و این آیه نوعی آموزش همگانی برای گفتگوی زن و مرد بیگانه است.

۶. از این آیه استفاده می‌شود که سخن گفتن زن و مرد بیگانه، اگر بدون هوس‌رانی و به‌طور شایسته باشد، جایز است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۰۴

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. آموزه این آیه برای زنان مسلمان آن است که شما می‌توانید با مردان بیگانه به‌طور شایسته و طبق عرف صحیح گفتگو کنید.

۲. پیام آیه آن است که هرگاه زنی هوس‌انگیز سخن گوید، خود را در معرض طمع بیمار دلان قرار می‌دهد.

۳. آموزه دیگر آیه آن است که زنان وابسته به شخصیت‌ها و کسانی که جایگاه اجتماعی دارند، مراقب شیوه‌ی سخن گفتن خود باشند.

*** قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره احزاب با دستور حجاب جلوی سوء استفاده و آزار زنان را می‌گیرد و می‌فرماید:

۵۹. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذلِكَ أَدْنَى أن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَّحِيماً؛ ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و زنان مومنان بگو: «از پوشش‌های بلند (چادر مانند) شان به خودشان نزدیک کنند، این [کار] برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند نزدیک‌تر است؛ و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.»

شأن نزول:

داستان نزول این آیه این گونه حکایت شده است که در عصر پیامبر (ص) زنانی که برای نماز عشا به مسجد می‌رفتند، توسط جوانان هرزه مورد آزار و مزاحمت قرار می‌گرفتند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۰۵

آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و به زنان دستور داد که حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا مورد آزار قرار نگیرند.

و در پایان آیه یادآور می‌شود که: «خدا بسیار آمرزنده و مهرورز است (و خطاهای گذشته شما را می‌بخشد)».

نکات و اشارات:

۱. در این آیه به مزاحمت‌های خیابانی علیه زنان مومن اشاره کرده و یکی از راه حل‌های آن را حفظ حجاب آنان معرفی کرده است.

۲. مفسران حکایت کرده‌اند که در آن زمان، کنیزان بدون پوشش مناسب سروگردن از خانه‌ها بیرون می‌آمدند و برخی از آنان از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند؛ از این رو، برخی جوانان مزاحم آنان می‌شدند؛ اما زنان آزاد مسلمان که شناخته می‌شدند، از تعرّض در امان بودند؛ از این رو در این آیه دستور داده شد که زنان حجاب کامل خود را رعایت کنند تا از کنیزان و آلودگان باز شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.

۳. مفهوم آیه فوق آن نیست که جوانان حق مزاحمت برای زنان غیر مومن و کنیزان را دارند، بلکه مقصود آیه آن است که بهانه از دست افراد فاسد گرفته شود.

در اجتماع امروز نیز هنگامی که زنان حجاب و شخصیت اجتماعی خویش را حفظ کنند، جوانان هرزه به آنان طمع نمی‌ورزند؛ زیرا زمینه انحراف را در آنان نمی‌بینند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۰۶

۴. واژه «جلباب» یا به معنای پارچه بزرگ (چادر مانند) است که سر، گردن و سینه‌ها را می‌پوشاند و یا به معنای روسری و مقنعه و یا به معنای پیراهن گشاد است. قدر مشترک همه این معانی آن است که بدن زن به وسیله این پارچه‌ها پوشیده شود و معنای اول مورد تاکید برخی لغت‌شناسان است. «۱»

۵. مقصود از نزدیک ساختن روسری و چادر آن است که زنان آن را به بدن خویش نزدیک کنند تا به درستی محفوظ بمانند و آن را رها نسازند تا گاهی کنار رود و بدن آن‌ها آشکار شود.

۶. در این آیه به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که اصلاح جامعه را نخست از خانه خویش شروع کند و اول به همسرانش دستور حفظ حجاب بدهد و آن‌گاه به دخترانش و در نهایت «۲» به زنان مؤمن دستور دهد حجاب خود را حفظ کنند.

آموزه‌ها و پیام‌ها:

۱. پیام این آیه برای زنان مومن آن است که حجاب (شخصیت) شما را معرفی می‌کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۰۷

۲. حجاب، شما را از شرّ مزاحمان حفظ می‌کند.

۳. با حفظ کامل حجاب، بهانه از دست مزاحمان گرفته می‌شود.

۴. اصلاح جامعه را از خانواده خویش شروع کنید.

۵. خانواده رهبر، در انجام دستورهای الهی پیشگام باشند.

۶. خطاهای گذشته شما را به لطف خویش می‌آمرزد. «۱»

د: آیات مربوط به ازدواج و خواستگاری

این آیات در مباحث آینده به صورت گسترده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۰۹

آیا رابطه با جنس مخالف از اقوام نزدیک جایز است؟

پرسش:

آیا رابطه با جنس مخالف از اقوام نزدیک جایز است؟ پاسخ:

الف- در این جا لازم است نخست اطرافیان خود را به دو دسته محارم و غیرمحارم تقسیم کنیم؛ سپس مسئله را مورد بررسی قرار دهیم.

۱. محارم که خود بر سه دسته است:

۱- ۱. محارم نسبی: هفت دسته از بانوان و دوشیزگان بر هفت دسته از مردان و پسران محرم‌اند؛

یعنی ازدواج آن‌ها با یکدیگر حرام است.

ردیف

برای مردها و پسرانبرای بانوان و دختران ۱ مادر (و مادر بزرگ) پدر (و پدر بزرگ) ۲ دختر (و نوه‌های دختری) پسر (و نوه‌های پسری) ۳ خواهربرادر ۴ دختر خواهر و نوادگان اوپسرخواهر و نوادگان او ۵ دختر برادر و نوادگان اوپسربرادر و نوادگان او ۶ عمه (شامل عمه پدر و مادر) عمو (شامل عموی پدر و مادر) ۷ خاله (شامل خاله پدر و مادر) دایی (شامل دایی پدر و مادر)

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۱۰

محارم نسبی بر دو گونه‌اند:

۱. شرعی که از راه حلال و ازدواج شرعی متولد شده باشند.

۲. غیرشرعی که از راه نامشروع و یا زنا متولد شده باشند.

هر دو دسته محرم‌اند و ازدواج با آنان حرام است.

ما در بخش توضیح پاسخ از همه این افراد با عنوان محارم یاد می‌کنیم.

۲- ۱. محارم رضاعی

کسانی که از راه شیرخوارگی با آن‌ها بستگی پیدا می‌شود، با شرایطی خاص، «۱» محارم رضاعی محسوب می‌شوند و ازدواج با آن‌ها حرام است.

هرگاه کودکی با شرایطی خاص شیر زنی را بنوشد، آن زن و شوهرش، مادر و پدر رضاعی آن کودک به شمار می‌روند.

۳- ۱. محارم سببی

پیوند و علاقه زناشویی موجب محرم شدن هر یک از زن و شوهر نسبت به خویشاوندانی است که در این جدول می‌آید.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۱۱

ردیف

برای مردها برای زن‌ها ۱ مادر و مادر بزرگ زنپدر و پدر بزرگ شوهر ۲ دختر زن و نوه‌های زن «۱» پسر شوهر ۳ زن پدر (نامادری) شوهر مادر (ناپدری) ۴ زن پسر (عروس) شوهر دختر (داماد)* ازدواج با این افراد حرام است. افزون بر آن، ازدواج مرد با خواهر زن تا وقتی که همسر او است و همچنین ازدواج با شوهر خواهر تا وقتی که همسر خواهر او است، حرام می‌باشد.

ب- ارتباط یا رابطه به مجموع رفتارهای متقابل و کنش‌ها و واکنش‌های دو جانبه «۲» اطلاق می‌شود. این رفتارها شامل رفتارهای اقتصادی، علمی، زناشویی و سیاسی می‌شود. ارتباط با جنس مخالف از یکی از حالات پیش گفته خارج نیست. دو جنس مخالف یا رفتار اقتصادی دارند یا علمی، یا زناشویی و یا سیاسی. صرف‌نظر از رفتار زناشویی که در قالب خاص خود و بر اساس پیوند ازدواج بین زن و شوهر محقق می‌شود، سایر رفتارها مورد توجه است؛ زیرا این نوشتار درصدد بیان رفتار زناشویی نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۱۲

ارتباطهای اقتصادی، علمی، سیاسی و هر نوع ارتباط قابل تصوّر دیگر به جز ارتباط زناشویی در یکی از اشکال ارتباط گفتاری، شنیداری و فیزیکی محقق می‌شود. برای مثال، در بحث اقتصادی، زن و مرد برای انجام یک معامله ابتدا همدیگر را ملاقات کرده، گفت و شنود می‌کنند و پس از عقد قرارداد، بر اساس عرف با یکدیگر دست می‌دهند و معامله را به انجام می‌رسانند.

تمامی این موارد اگر بر اساس آنچه در ادامه می‌آید، صورت پذیرد، مانعی ندارد و در این مسئله فرقی بین اقوام و دیگران نیست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۱۵

ارتباط دختر و پسر برای استفاده علمی چگونه است؟

اشاره

پرسش:

ارتباط دختر و پسر برای استفاده علمی چگونه است؟ پاسخ:

یکی از انواع ارتباط و معاشرت زنان و مردان، ارتباط علمی است، به گونه‌ای که مرد و زن (دختر و پسر) برای مباحث علمی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند که در صورت توجه به مسائل زیر هرگونه ارتباط بین دختر و پسر از جمله ارتباطات علمی که در چهارچوب ضوابط و به دور از شهوترانی باشد، اشکال ندارد. در رابطه علمی صورت‌های زیر قابل تصور است:

۱. ارتباط کلامی؛

۲. ارتباط نگاهی؛

۳. ارتباط فیزیکی.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۱۶

اول: ارتباط کلامی

قرآن مجید به زنان مؤمن دستور می‌دهد: در کلام فروتنانه سخن مگویید «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَیَطْمَعَ الَّذِی فِی قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفاً؛ «۱»

پس به نرمی (و ناز) سخن مگویید، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است، طمع ورزد، و سخنی پسندیده بگویید.»

آیه درصدد بیان دو مطلب است:

الف- فضیلت زنان پیامبر بر دیگر زنان، اگر تقوا داشته باشند.

ب- کیفیت و اسباب تقوا که برخی از آن‌ها عبارت است؛ از جمله این که: ۱. زن نباید هنگام صحبت کردن فروتنانه صحبت کند.

۲. زینت آرایی و خودنمایی نکردن در جامعه اسلامی.

در نتیجه صحبت کردن زن و مرد اگر با قصد لذت و شهوت‌رانی باشد، هم شنیدن صدای زن برای مرد و هم رسانیدن صدا به گوش مرد برای زن حرام است، و در غیر این صورت، شنیدن صدای جنس مخالف یا رسانیدن صدا به گوش او جایز است.

تذکرات:

۱. مردها می‌توانند با نامحرم صحبت کنند با شرایط زیر:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۱۷

الف- به قصد لذت و ریبه نباشد.

ب- با صحبت کردن به گناه آلوده نشوند. «۱»

۲. برای زنان حرام است صدای خود را به گوش نامحرم برسانند. «۲»

صحبت کردن با نامحرم در امور غیرضروری مکروه است، به ویژه اگر مخاطب جوان باشد. «۳»

۳. اگر مردی بداند در صورتی که با نامحرم صحبت کند، به گناه خواهد افتاد، نباید با او صحبت کند، خواه زن به گونه‌ای سخن گوید که مرد را به گناه بیندازد یا درباره مطلبی صحبت کند که مرد به گناه بیفتد. «۴»

۴. اگر مردی به قصد به حرام انداختن نامحرمی با او صحبت کند، حرام است. «۵»

۵. خانم‌ها نباید در هنگام صحبت کردن با نامحرم صدای خود را رقیق و نازک کنند، به گونه‌ای که اگر در دل مخاطب مرضی باشد، او را به خود جلب کند، هرچند در باره مطالب عادی (و علمی) صحبت کنند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۱۸

دوم: ارتباط نگاهی

تمام سخنانی که در ارتباط با سخن گفتن بیان کردیم در مورد نگاه کردن نیز مطرح است در این‌جا به چند مساله اشاره می‌شود.

نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر به قصد لذت باشد، حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد، مانعی ندارد.

نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است و نگاه کردن به صورت، بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و بواسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد، اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولًا می‌پوشانند

نگاه نکند.

زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند. «۱»

سوم. ارتباط فیزیکی

سماعه بن مهران می گوید: از دست دادن مرد با زن پرسیدم، امام صادق (ع) فرمود:

حلال نیست مرد با زن مصافحه کند مگر زنی که ازدواج کردن با او حرام است که عبارتند از: خواهر، دختر، عمه، خاله، دختر خواهر، دختر برادر و مادر زن مصافحه تنها از روی لباس باید باشد و نباید دست زن را فشار دهد. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۱۹

ظاهراً این حکم به دست دادن اختصاص ندارد، بلکه هر تماسی را شامل می‌شود؛ زیرا ویژگی خاصی در مصافحه وجود ندارد و علت این که در روایات از آن یاد شده، این است که مورد ابتلا است. همچنین روایت وارد شده درباره بیعت زنان با پیامبر اکرم (ص) به وسیله فرو کردن دست درون ظرف آب، بیانگر جایز نبودن مصافحه است.

افزون بر این، وقتی نگاه حرام باشد، به یقین لمس کردن حرام است و این مقتضی اولویت قطعی است که از عرف فهمیده می‌شود.

گفتنی است بین جواز نگاه و جواز لمس، ملازمه‌ای وجود ندارد؛ یعنی اگر بگوییم نگاه کردن به صورت و دست‌های بیگانه جایز است، لمس آن جایز نیست، مگر از روی لباس، و به طور کلی در تماس فیزیکی، قصد لذت ملاک نیست، بلکه صرف این عمل اگر از روی عمد انجام پذیرد، از نظر شرع جایز نیست. «۱»

نتیجه:

هرگونه ارتباط و معاشرت علمی با رعایت موارد یاد شده جایز است؛ اما گاهی دیده می‌شود در دل برخی مردان و زنان شیطان چنان رسوخ می کند که به مراوده و معاشرت با نامحرم گرایش دارند و در حالی که می توانند

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۲۰

مطلبی را از همجنس خود و یا محرم بپرسند، اصرار دارند از غیر همجنس نامحرم سئوال کنند که از این جهت نیز باید اجتناب و دوری کرد؛ زیرا این گونه مراوده‌ها معمولًا با قصد لذت همراه است و شرعاً حرام می‌باشد و در برخی زمینه‌ها به عنوان مقدمه ترک حرام واجب می‌شود که هرچند این معاشرت خالی از اشکال باشد، این معاشرت (سخن گفتن، نگاه کردن) را انجام ندهد.

علاوه بر این‌که واقع شدن در جایگاه گناه نیز حرام است.

مساله دیگر خلوت است که صرف خلوت (خالی از نگاه، صحبت و یا تماس) موضوعیت دارد و بر منع آن و پیشگیری از آن اصرار شده است.

بودن زن و مرد نامحرم در جای خلوت جایز نیست یا خلاف احتیاط است «۱» در ذیل این مساله علماء و مراجع بزرگ تقلید توضیحاتی داده‌اند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۲۱

آیا داشتن دوست دختر (برای امر به معروف و نهی از منکر) مشکل دارد؟

پرسش:

آیا داشتن دوست دختر (برای امر به معروف و نهی از منکر) مشکل دارد؟ پاسخ:

در دین اسلام بر دوستی افراد با یکدیگر تاکید شده است و دوستی را وسیله‌ای برای تهذیب نفس و اصلاح اخلاق، و تفریحی سالم

و کمک به یکدیگر قرارداده است؛ اما در مواردی که دوستی و رابطه موجب مفاسد اجتماعی و فردی، و وسیله‌ای برای شهوت‌رانی و نابود کردن فضایل انسانی باشد، ممنوع شده است، حتی اگر این دوستی با «جنس موافق» باشد و بلکه اگر زمینه‌ساز انجام کار واجب مثل امر به معروف و نهی از منکر نیز باشد و بدین جهت در رساله‌های توضیح المسائل در قسمت امر به معروف و نهی از منکر آمده است: انجام گناه برای جلوگیری از گناه جایز نیست.

داشتن دوست دختر پیامدهای زیر را به دنبال دارد:

۱. کمرنگ شدن اعمال و افعال معنوی و عبادی که وسیله رسیدن انسان به کمال است.

۲. آبروی اجتماعی و خانوادگی تهدید می‌شود.

۳. ترویج فرهنگ غرب که درصدد نابود کردن اسلام است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۲۲

۴. دلسرد شدن نسبت به تشکیل خانواده.

۵. تحریک غریزه جنسی و به دنبال آن بیماری‌های عصبی و از بین رفتن قوای جسمی.

۶. افت تحصیلی و ....

اما امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان با تذکری لفظی انجام داد و یا یکی از محرم‌ها را فرستاد تا انجام وظیفه کند.

در اینجا سوالی که از یکی از مراجع تقلید حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی شده است را بیان می‌کنیم:

سوال: آیا دوستی دختر و پسر شرعاً حرام است مطلقاً، یا اگر منجر به حرام شود، حرام است، و اگر مقدمه انجام امر به معروف و نهی از منکر باشد حرام است؟

جواب: باسمه تعالی، چنانچه مستلزم نگاه به نامحرم و حرف زدن با او باشد، اشکال دارد و جایز نیست. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۲۳

امتیاز و آسیب‌های چت و ارتباطات اینترنتی چیست؟

پرسش:

امتیاز و آسیب‌های چت و ارتباطات اینترنتی چیست؟ پاسخ:

الف- امتیاز

۱. ارتباط سریع و آسان؛

۲. استفاده‌های علمی از اشخاص (و مراکز و ...)؛

۳. دسترسی به حجم وسیع اطلاعات طرف مقابل؛

و ....

تذکر: از آنجا که مکتب اسلام با علم و پیشرفت فنی موافق است، ارتباط صحیح اینترنتی را نیز براساس آموزه‌های عمومی علمی و اخلاقی و با رعایت موازین قانونی و شرعی پذیرفته و تشویق می‌کند.

ب- آسیب‌ها

۱. محیط چت یک محیط مجازی است و امکان دارد همه چیز تخیلی و غیر واقع بینانه باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۲۴

۲. این محیط غیر قابل اطمینان است، حتی به صدا و تصویر طرف نمی‌توان اطمینان کرد.

۳. با این‌که مجازی است، قابلیت اثر گذاری شدید روحی و ذهنی را دارد، به طوری که ممکن است دو نفر با چت کردن، عاشق یکدیگر شوند، قهر کنند و ....

۴. ایجاد محبت‌ها در این فضاها بدون شناخت دقیق خواهد بود. در محیطی که شناخت دقیقی از قدرت جسمی، روحی و ذهنی طرف مقابل در دست نیست و حتی برخی رفتارهای عادی مثل شیوه راه رفتن، نشستن عکس العمل‌ها در شرایط مختلف و ... غیر قابل بررسی و شناخت است.

۵. محیط چت با جاذبه‌های نوشتاری، صوتی و تصویری به تخیّل شما لذت می‌بخشد، به طوری که جوانانی که در ارتباطات خیابانی دوستان زیادی دارند، باز به این عرصه می‌پردازند.

۶. لذّت‌های تخیلی باعث ایجاد شکاف بین تصور، آرزو، توقع، تمایل با واقعیت بیرونی (که تغییر ناپذیر است)، می‌شود، این مسئله بر اساس تجربه‌های مکرر باعث مشکلات روحی و روانی در برخی افراد می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت اند از:

- افسردگی شدید؛
- ضعف اعصاب؛
- انزوا و دوری از اجتماع؛

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۲۵

- عدم موفقیت در محیط خانواده و اطراف خود؛
- خیال پردازی؛
- از دست دادن اعتماد به نفس؛
- از دست دادن عزت نفس؛
- خنده‌های بدون علت؛
- دلگرفتگی و گریه‌های بدون علت؛
- پوچ گرایی و احساس بیهوده بودن همه چیز و همه کس؛
- و ....

عواقب این مشکلات روحی، به ویژه پوچگرایی که به حالتهای جنون‌آمیز و خودآزاری و حتی خودکشی می‌انجامد؛ همگی از لذت‌های خیالی ناشی می‌شود.

۷. بسیاری از شناخت‌هایی که از طرف مقابل به دست می‌آید، تنها با تخیل آدمی سازگار است نه با واقعیت. آری، وجود محبت صرف، عامل بی دقتی در شناخت می‌شود و انسان را از واقعیت دور می‌کند؛ زیرا محبت نقایص و عیوب طرف مقابل را می‌پوشاند و حتی نقایص را به محسنات و ویژگیهای مثبت تبدیل می‌کند.

۸. بیشتر انسان‌هایی که برای مسائل غیرعلمی چت می‌کنند، به مشکلات ذیل گرفتار می‌شوند:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۲۶

- بهره هوشی پایین؛
- خوش گذرانی و وقت گذرانی؛
- اعتیاد به لذت‌های موقت و تخیلی؛
- مشکلات روحی و روانی؛
- چند شخصیتی؛

- رفتارهای غیر منطقی؛

- از کار و تلاش جدی دورشدن؛

- از فکر و تدبیر دورشدن؛

- شخصیت اجتماعی غیرمناسب؛

- و ....

البته انسان‌های مثبت نیز یافت می‌شوند؛ اما در محیط آزاد و مجازی چت مطالب علمی، بسیار کم است.

۹. در روابط خیابانی که دو نفر یکدیگر را می‌بینند، ساعتها با هم گفتگو دارند، پارک می‌روند، کوهپیمایی می‌کنند، در مورد علایق و سلایق یکدیگر سخن می‌گویند، ممکن است خانه و محل زندگی و پدر و مادر همدیگر را بشناسند و ... با این حال احتمال شکست و جداییشان بیش از ۹۰٪ می‌باشد، علت آن این است که پس از مدتی که ارتباطات عادی شد و دیگر خبری از آن حرارتها و هیجانات دوستی و شور عشق نبود، نقایص اصلی دختر و پسر برای یکدیگر آشکار می‌شود و حس اطمینان در طرف مقابل

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۲۷

کاهش می‌یابد و شک و تردید جایگزین آن می‌گردد؛ به عبارت دیگر، همان مسائلی که روزی باعث ارتباط دختر و پسر و ایجاد محبت و عشق شد، روز دیگر باعث جدایی می‌شود، و این آسیب در ارتباط اینترنتی دختر و پسر چندین برابر است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۲۹

در چه مواردی حضور زنان در ورزشگاه‌ها و چت کردن اینترنتی و همکار شدن یک زن و یک مرد جایز است؟

پرسش:

در چه مواردی حضور زنان در ورزشگاه‌ها و چت کردن اینترنتی و همکار شدن یک زن و یک مرد جایز است؟ پاسخ:

مقدمه:

زن در اسلام یک رکن اساسی اجتماع به شمار می‌رود و هرگز نباید با او معامله یک موجود فاقد اراده و وابسته و نیازمند به قیّم نمود. نکته اساسی این است که در معنای تساوی، نباید اشتباه کرد و تنها مطلبی که باید به آن توجه داشت (و در اسلام به آن توجّه خاص شده) ولی بعضی روی یک سلسله احساسات افراطی و حساب نشده آن را انکار می‌کنند، مسئله تفاوت‌های روحی و جسمی زن و مرد و تفاوت وظایف آنهاست. با وجود این اختلافات دامنه‌دار آیا می‌توان گفت زن و مرد باید در تمام شئون همراه یکدیگر گام برداشته و در تمام کارها صد در صد مساوی باشند؟!

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۳۰

مگر نه این است که باید طرفدار عدالت در اجتماع بود؟ آیا عدالت غیر از این است که هر کس به وظیفه خود پرداخته و از مواهب و مزایای وجودی خویش بهره‌مند گردد؟!

بنابراین، آیا دخالت دادن زن در کارهایی که خارج از تناسب روحی و جسمی او است، بر خلاف عدالت نمی‌باشد؟ «۱»

اسلام موافق حضور زن در اجتماع و محل کار و محل ورزش به صورت قانونمند و با رعایت حرمت و مصالح خانم‌هاست.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۳۱

چت کردن اینترنتی

پرسش:

چت کردن با جنس مخالف و رد و بدل کردن صحبت‌های معمولی چه حکمی دارد؟

پاسخ:

در صورتی که خوف فتنه و کشیده شدن به گناه وجود داشته باشد، جایز نیست. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۳۳

پرسش:

چت کردن با شخصی که از جنسیت او ناآگاهیم، چه حکمی دارد؟

پاسخ:

(مراجع محترم): اگر ترس افتادن به حرام باشد، جایز نیست. «۱»

چون به هر حال در چت کردن نوعی سخن گفتن بین دو جنس مخالف ممکن است وجود داشته باشد و احتمال گرفتار شدن فتنه و گناه وجود دارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۳۵

حضور زنان در ورزشگاه‌ها

پرسش:

حضور بانوان در میدان‌های ورزشی مردان (مانند فوتبال و کشتی) وقتی که با شورت و زیرپوش بازی می‌کنند، چه حکمی دارد؟

پاسخ:

نگاه زن به بدن نامحرم جایز نیست، هرچند بدون قصد لذت باشد.

آیات عظام تبریزی و سیستانی: با توجه به این که حضور زنان در این گونه ورزشگاه‌ها، باعث مفسده است، جایز نیست.

آیه الله بهجت: نگاه به آن‌ها بنابر احتیاط واجب جایز نیست و اگر باعث مفسده شود، حضور آنان حرام است. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۳۶ «قرآن کریم نیز صریحاً از نگاه به نامحرم صریحاً منع کرده، آنجا که می‌فرماید: «قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ؛ «۱»

(ای پیامبر) به مردان مؤمن بگو: «چشم‌هایشان را (از نگاه حرام) فرو کاهند».

و همین امر را نسبت به زنان نیز می‌فرماید: «وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ؛ و به زنان مؤمن بگو: «چشمانشان را (از نگاه حرام) فروکاهند.»

نگاه حرام در شرع عبارت است از: نگاه مرد به بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست‌ها تا مچ) خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز نگاه به صورت و دست‌ها اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد. همچنین نگاه زن به مرد نامحرم (به جز صورت، گردن و دست‌ها و مقداری از پا خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز به مواضع یاد شده، اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۳۷

زن و مرد در محیط کار

پرسش:

آیا خلوت کردن دو نفر نامحرم در یک مکان جایز است؟

پاسخ:

اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود و آن‌ها بترسند که به حرام بیفتند، ماندنشان در آن جا حرام است.

(آیه الله صافی): اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، ماندنشان در آن جا حرام است، هرچند احتمال فساد ندهند و به گفتگوهای علمی و ضروری بپردازند.

(آیه الله مکارم): اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، بنابر احتیاط واجب ماندنشان در آن جا حرام است، هرچند احتمال فساد ندهند و به گفتگوهای علمی و ضروری و مانند آن بپردازند.

(آیات عظام بهجت، سیستانی و وحید): اگر احتمال فساد برود، ماندنشان در آن جا حرام است، هرچند طوری باشد که کس دیگری بتواند وارد شود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۳۸

(آیات عظام تبریزی و فاضل): اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، در صورتی که احتمال فساد برود، ماندنشان در آن جا حرام است. «۱»

در نتیجه زن و مرد همکار نیز اگر احتمال مفسده و گناه را بدهند، نمی‌توانند در یک اطاق با هم همکار باشند که در مسئله بعد به صراحت از آن یاد خواهد شد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۳۹

پرسش:

آیا ارتباط صمیمی بین دختر و پسر در هنگام همکاری یا میهمانی اشکال دارد؟

پاسخ:

دوستی بین دختر و پسر جایز نیست؛ زیرا ترس افتادن به گناه در میان است؛ اما ارتباط شغل، اگر باعث مفسده نشود و موازین شرع در آن رعایت شود، اشکال ندارد. «۱»

منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. ارزش ها و ضد ارزش ها در قرآن، ابوطالب تجلیل، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. اوامر و نواهی الله در قرآن، عبدالصمد اسلامی، انتشارات نصایح.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۴۱

همجنس بازی و پیامدهای آن را از منظر قرآن، حدیث، فقه و بهداشت توضیح دهید.

پرسش:

همجنس بازی و پیامدهای آن را از منظر قرآن، حدیث، فقه و بهداشت توضیح دهید. پاسخ:

۱. همجنس بازی در آیات قرآنی:

در قرآن مجید در سوره‌های اعراف، هود، حجر، انبیا، نمل و عنکبوت اشاره‌هایی به وضع قوم لوط و گناه بسیار زشت آن‌ها شده است، ولی در هر مورد تعبیر با مورد دیگر متفاوت است و در حقیقت هر یک از این تعبیرها به یکی از ابعاد شوم این عمل ننگین اشاره دارد. این عمل زشت با عنوان‌های اسراف، خبیث، فسق، تجاوز، جهل و قطع سبیل مطرح شده است.

در سوره اعراف آیه ۸۱ آمده است که لوط به آنها می گوید: «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ؛ بلکه شما گروهی اسراف‌کار (و متجاوز) ید.» «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۴۲

در سوره انبیا آیه ۷۴ می‌خوانیم:

«وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْقَرْیَهِ الَّتِی کَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ إِنَّهُمْ کَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِینَ؛ و او را از آبادی که همواره (مردمش کارهای) پلید انجام می‌دادند، نجات دادیم؛ [چرا] که آنان گروهی بد [کار و] نافرمانبردار بودند.» «۱»

و در جای دیگر خواندیم که لوط به آن‌ها می‌گوید: «بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ؛ بلکه شما گروهی تجاوزگرید!» «۲»

و در سوره نمل آیه ۵۵ آمده است: «بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ؛ آیا واقعاً شما از روی شهوت، به غیر از زنان به سراغ مردان می‌روید؟! بلکه شما گروهی هستید که نادانی می‌کنید.» «۳»

و در سوره عنکبوت آیه ۲۹ از زبان لوط چنین آمده است: «أَءِنَّکُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِیلَ؛ آیا واقعاً شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید.»

ویژگی‌های همجنس باز در قرآن:

«اسراف» از این نظر که آنها نظام آفرینش را در این امر فراموش کرده و از حد تجاوز کردند و تعدی نیز به همین جهت بر آن اطلاق شده است.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۴۳

«خبیث» به معنای کار یا چیز آلوده‌ای است که طبع سالم آدمی از آن تنفر دارد، و چه عملی از این عمل تنفر آمیزتر است.

«فسق» به معنای خروج از اطاعت پروردگار و برهنگی از شخصیت انسانی است که از لوازم حتمی این کار می‌باشد.

«جهل» به خاطر بی‌خبری از عواقب شومی است که این عمل برای فرد و جامعه در پی دارد.

و «قطع سبیل» از این جهت است که این عمل در صورت گسترش به قطع نسل انسانی می‌انجامد؛ علاقه به جنس موافق جانشین علاقه جنس مخالف می‌شود. «۱»

۲. همجنس بازی در احادیث

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌خوانیم: «لایجد ریح الجنه زنوق، و هو المخنث!؛ بوی بهشت به مشام کسی که مورد همجنس گرایی واقع می‌شود، نخواهد رسید.» در حدیث دیگری از علی (ع) می‌خوانیم که لواط را در سر حد کفر معرفی فرموده است. «۲»

در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (ع) در فلسفه تحریم همجنس گرایی چنین آمده است: «عله تحریم الذکران للذکران، و الاناث للاناث، لما رکب

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۴۴

فی الاناث و ما طبع علیه الذکران، و لما فی اتیان الذکران، الذکران و الاناث للاناث، من انقطاع النسل، و فساد التدبیر، و خراب الدنیا؛ فلسفه تحریم مردان بر مردان و زنان بر زنان این است که این امر بر خلاف طبیعتی است که خداوند برای زن و مرد قرار داده (و مخالفت با این ساختمان فطری و طبیعی، سبب انحراف روح و جسم انسان خواهد شد) و نیز به خاطر این است که اگر مردان و زنان همجنس گرا شوند، نسل بشر قطع می‌گردد، و تدبیر زندگی اجتماعی به فساد می‌گراید و دنیا به ویرانی روی می‌نهد. «۱»

روایاتی که در مذمت همجنس گرایی از پیشوایان اسلام نقل شده، آن قدر زیاد و تکان دهنده است که با مطالعه آن هر کس احساس می‌کند که زشتی این گناه به اندازه‌ای است که کم‌تر گناهی در پایه آن قرار دارد؛ از جمله در روایتی از پیامبر اسلام (ص) می‌خوانیم: «لما عمل قوم لوط ما عملوا بکت الارض الی ربها حتی بلغ دموعها الی السماء، بکت السماء حتی بلغ دموعها الارض، فاوحی الله الی السماء ان احصبی بهم، و اوحی الی الارض ان اخسفی بهم؛ هنگامی که قوم لوط آن اعمال ننگین را انجام دادند، زمین آن چنان ناله و گریه سر داد که اشکهایش به آسمان رسید، و آسمان آن چنان گریه کرد که اشکهایش به عرش رسید، در

این هنگام خداوند به آسمان وحی فرستاد

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۴۵

که آن‌ها را سنگباران کن و به زمین وحی فرستاد که آن‌ها را فرو بر (بدیهی است گریه و اشک جنبه تشبیه و کنایه دارد).» «۱»

همچنین در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که پیامبر (ص) فرمود: «من جامع غلاما جاء جنبا یوم القیامه لاینقیه ماء الدنیا و غضب الله علیه و لعنه و اعد له جهنم و سائت مصیرا ... ثم قال ان الذکر یرکب الذکر فیهتز العرش لذلک؛ هر کس با نوجوانی آمیزش جنسی کند، روز قیامت ناپاک وارد محشر می‌شود، آن چنان‌که تمام آب‌های جهان او را پاک نخواهد کرد، و خداوند بر او غضب می‌کند و او را از رحمت خویش دور می‌دارد و دوزخ را برای او آماده ساخته است و چه بد جایگاهی است ...؛ سپس فرمود: هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش کند، عرش خداوند به لرزه در می‌آید.» «۲»

در حدیث دیگری از امام صادق (ع) می‌خوانیم: آن‌ها که تن به چنین کاری می‌دهند، بازماندگان سدوم (قوم لوط) هستند؛ سپس اضافه فرمود: من نمی‌گویم از فرزندان آنها هستند، ولی از طینت آن‌ها هستند. پرسیده شد: همان شهر سدوم که زیر و رو شد؟ فرمود: آری، چهار شهر بودند سدوم و صریم و لدنا و غمیرا (عمورا). «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۴۶

۳. حکم فقهی همجنس بازی

این مسئله تا آنجا از دیدگاه اسلام زشت و ننگین است که در ابواب حدود اسلامی حد آن اعدام قرار داده شده است، و حتی برای کسانی که مراحل پایین‌تر همجنس بازی را انجام می‌دهند، مجازاتهای شدیدی ذکر شده است، از جمله در حدیثی از پیامبر (ص) می‌خوانیم: «من قبل غلاما من شهوه الجمه‌الله یوم القیامه بلجام من نار؛ کسی که پسری را از روی شهوت ببوسد، خداوند در روز قیامت لجامی از آتش بر دهان او می‌زند.» «۱»

مجازات کسی که مرتکب چنین عملی شود، از ۳۰ تا ۹۹ تازیانه است.

همجنس گرایی چه در مردان باشد و چه در زنان، در اسلام از گناهان بسیار بزرگ و هر دو دارای حد شرعی است.

حد همجنس گرایی در مردان خواه فاعل باشد یا مفعول، اعدام است «۲» و برای این اعدام راه‌های مختلفی در فقه بیان شده است؛ البته اثبات این گناه باید از راه‌های معتبر و قاطعی که در فقه اسلامی و روایات وارده از معصومین ذکر شده، صورت گیرد، و حتی سه مرتبه اقرار هم به تنهائی کافی نیست و باید حداقل چهار بار به این عمل اقرار کند. «۳»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۴۷

اما حد همجنس گرایی در زنان پس از چهار بار اقرار و یا ثبوت به وسیله چهار شاهد عادل (به شرایطی که در فقه گفته شده) صد تازیانه است، «۱» و بعضی از فقها گفته‌اند اگر زن شوهرداری این عمل را انجام بدهد، حد او اعدام است.

ذکر این نکته نیز قابل توجه است که اسلام یکی از مجازاتهایی را که برای چنین افراد قائل شده، آن است که ازدواج خواهر، مادر و دختر شخص مفعول بر فاعل حرام است، یعنی اگر چنین کاری قبل از ازدواج صورت گرفت، این زنان برای او حرام ابدی می‌باشند.

اجرای این حدود، شرایط دقیق و حساب شده‌ای دارد که در کتب فقه اسلامی آمده است و اجرای آن بر عهده محاکم صالحه و قانونی می‌باشد.

۴. بحث اجتماعی

شک نیست که انحراف جنسی از خطرناکترین انحراف‌هایی است که امکان دارد در جوامع انسانی پیدا شود، زیرا سایه شوم خود را بر همه مسائل اخلاقی می‌افکند و انسان را به انحراف عاطفی می‌کشاند.

در دنیای غرب که آلودگی‌های جنسی فوق العاده زیاد است، این گونه زشتی‌ها مورد تنفر نیست و حتی شنیده می‌شود در بعضی کشورها همانند

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۴۸

انگلستان، طبق قانونی که با کمال وقاحت از پارلمان گذشته، این موضوع جواز قانونی پیدا کرده، با این حال شیوع این گونه زشتی‌ها هرگز از قبح آن نمی‌کاهد و مفاسد اخلاقی و روانی و اجتماعی آن در جای خود ثابت است.

گاهی برخی پیروان مکاتب مادی که این گونه آلودگی‌ها را دارند، برای توجیه عملشان می‌گویند ما هیچ گونه منع پزشکی برای آن سراغ نداریم، ولی آن‌ها فراموش کرده‌اند که اصولًا هرگونه انحراف جنسی در تمام روحیات و ساختمان وجود انسان اثر می‌گذارد و تعادل او را بر هم می‌زند.

توضیح این‌که: انسان به صورت طبیعی و سالم تمایل جنسی به جنس مخالف دارد و این تمایل از ریشه دارترین غرایز انسان و ضامن دوام نسل است و هر کاری که تمایل را از مسیر طبیعیش منحرف سازد، نوعی بیماری و انحراف روانی در انسان ایجاد می‌کند. مردی که به جنس موافق تمایل دارد و یا مردی که به چنین کاری تن می‌دهد، هیچ کدام کامل نیستند. در کتاب های امور جنسی، هموسکوآلیسم (همجنس گرایی) یکی از مهم ترین انحرافها ذکر شده است. ادامه این کار تمایلات جنسی را نسبت به جنس مخالف در انسان به تدریج از بین می‌برد و در مورد کسی که به این کار تن می‌دهد، احساسات زنانه به تدریج در او پیدا می‌شود، و هر دو گرفتار ضعف مفرط جنسی و به اصطلاح سرد مزاجی می‌شوند، به طوری که بعد از مدتی قادر به آمیزش طبیعی (آمیزش با جنس مخالف) نخواهند بود.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۴۹

با توجه به این‌که احساسات جنسی مرد و زن هم در ارگانیسم بدن آن‌ها مؤثر است و هم در روحیات و اخلاق ویژه آنان، روشن می‌شود که از دست دادن احساسات طبیعی تا چه حد بر جسم و روح انسان ضربه وارد می‌سازد، و حتی ممکن است افرادی که گرفتار چنین انحرافی هستند، آن چنان گرفتار ضعف جنسی شوند که دیگر قدرت تولید فرزند را نداشته باشند. این گونه اشخاص غالباً از نظر روانی غالباً سالم نیستند و در خود نوعی بیگانگی از خویشتن و بیگانگی از جامعه‌ای که به آن تعلق دارند، احساس می‌کنند.

قدرت اراده را که شرط هر نوع پیروزی است، به تدریج از دست می‌دهند، و یک نوع سرگردانی و بی تفاوتی در روح آنها لانه می‌کند. آنها اگر خیلی زود به اصلاح خویشتن روی نیاورند و حتی در صورت لزوم از پزشک جسمی یا روانی کمک نگیرند و این عمل به صورت عادتی برای آن‌ها در آید، ترک آن مشکل خواهد شد، ولی در هر حال هیچ وقت برای ترک این عادت زشت دیر نیست؛ تصمیم می‌خواهد و عمل.

در هر صورت، سرگردانی روانی به تدریج آنها را به مواد مخدر و مشروبات الکلی و انحراف‌های اخلاقی دیگر خواهد کشانید و این یک بدبختی بزرگ دیگر است.

جالب این‌که در روایات اسلامی در عبارت‌هایی کوتاه و پرمعنا به این مفاسد اشاره شده است؛ از جمله در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: کسی از او پرسید «لم حرم الله اللواط»، چرا خداوند لواط را حرام کرده است؟

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۵۰

فرمود: من احل انه لو کان اتیان الغلام حلالا- لا- ستغنی الرجال عن النساء و کان فیه قطع النسل و تعطیل الفروج و کان فی اجازه ذلک فساد کثیر؛ اگر آمیزش با پسران حلال بود، مردان از زنها بی‌نیاز (و نسبت به آنها بی‌میل) می‌شدند، و این باعث قطع نسل انسان می‌شد و باعث از بین رفتن آمیزش طبیعی جنس موافق و مخالف می‌گشت و این کار مفاسد زیاد اخلاقی و اجتماعی به بار

می آورد.

عوامل و زمینه‌های همجنس بازی

کشیده شدن افراد به این گونه انحراف جنسی عوامل بسیار گوناگونی دارد و حتی گاهی شیوه رفتار پدر و مادر با فرزندان، و یا عدم مراقبت از فرزندان همجنس، و طرز معاشرت و خواب آنها با هم در خانه ممکن است از عوامل این آلودگی باشد.

گاهی ممکن است انحراف‌های اخلاقی دیگر سر از این انحراف در آورد. حتی شوخی‌های بی موردی که گاهی در میان پسران و دختران نسبت به هم‌جنسان خود می‌شود، گاهی انگیزه کشیده شدن به این انحراف‌ها می گردد و به هر حال باید به دقت مراقب این گونه مسائل بود، و آلودگان را به سرعت نجات داد و از خدا دراین راه توفیق خواست.

همجنس گرایی چه در میان مردان باشد (لواط) و چه در میان زنان (مساحقه) از بدترین انحراف‌های اخلاقی است که سرچشمه مفاسد زیادی در جامعه خواهد بود. موضوع مهم این است که بی بند و باری و تنوع طلبی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۵۱

بیمار گونه دنیای متمدن مادی، بسیاری از پسران و دختران را به سوی این انحراف بزرگ می کشاند. نخست پسران را به لباس‌های جلف و زنانه و خودآرایی مخصوص و دختران را به لباس‌های پسرانه تشویق می کند، و از اینجا انحراف و هم‌جنس گرایی آغاز می‌شود، تا جایی که به زشت‌ترین اعمال در این زمینه، شکل قانونی می‌دهند و از هرگونه پیگرد و مجازات بر کنار می‌مانند که قلم از شرح و وصف آن شرم دارد. «۱»

۵. پیامدهای بهداشتی همجنس بازی

الف- شیوع بیماری های مقاربتی:

«برخی پزشکان در رابطه با شیوع بیماری‌های آمیزشی می گویند علت اصلی انتشار و شیوع بیماری‌های مقاربتی اساساً به روابط جنسی آزاد و هر چیز که موجب بر هم خوردن کانون خانوادگی گردد، باز می گردد.»

دکتر «جان بیستون» نیز در همین رابطه می گوید: «از قرائن به دست آمده ثابت می‌شود که اغلب بیماری‌های آمیزشی در نتیجه وجود روابط جنسی خارج از دایره ازدواج [زنا] شیوع پیدا می کند.»

در بیست سال اخیر دانشمندان به رغم کشف پنی‌سیلین ((nillicineP و پایین آمدن آمار مبتلایان به این بیماری‌ها، به خطر بزرگی که از این جهت

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۵۲

متوجه بشریت است، پی بردند، از این رو در سال ۱۹۶۴ به تشکیل یک سمینار بزرگ جهانی با حضور ۱۵۰۰ متخصص از ۵۰ کشور در آمریکا برای بحث پیرامون بیماری‌های مقاربتی اقدام کردند و همه مطالب و مقالات ارائه شده در این سمینار را در کتابی به نام «عمل کرد سمینار جهانی بیماری‌های مقاربتی» جمع آوری و منتشر نمودند. از بررسی‌های ارائه شده در این سمینار مشخص گردید که نسبت بیماری‌های مقاربتی در فاصله زمانی ۱۹۵۰- ۱۹۶۰ در ۷۱ کشور از مجموع ۱۰۵ کشور مورد مطالعه، افزایش یافته که اغلب این کشورها را کشورهای اروپایی تشکیل می‌دهند؛ یعنی از مجموع ۲۰ کشور اروپایی در ۱۹ کشور آن بیماری‌های مقاربتی افزایش یافته بود. کم ترین میزان رشد این بیماری‌ها در کشورهای شرق مدیترانه بود که از مجموع ۱۲ کشور فقط در ۶ مورد آنها افزایش بیماری‌های مقاربتی وجود داشت.

در همین سمینار مشخص گردید که موارد ابتلا به سیفلیس در آمریکا در سال ۱۹۵۷ در مجموع ۷۶۰۰ مورد بوده که این رقم در سال ۱۹۶۱ به ۲۰۸۰۰ مورد رسید؛ یعنی تقریباً ظرف فقط چهار سال، سه برابر شده بود و این بسیار وحشتناک است. اما موارد ابتلا به سوزاک فقط در کشور آمریکا به تنهایی به یک میلیون مورد در سال می‌رسد. آمار تخمین مبتلایان به سیفلیس در سر تا سر

جهان در سال ۱۹۵۳ به ۲۰ میلیون نفر می‌رسید. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۵۳

ب- سست شدن عضلات مقعد و از دست دادن کنترل قضای حاجت، از این رو، ممکن است مدفوع شخص بدون اراده از او خارج شود.

پ- انعکاس روانی و تحت تاثیر قرار گرفتن شخص (مفعول مرد) به طوری که تصور کند که مرد نیست و همین مسئله باعث ایجاد اختلالاتی در رفتار وی می‌گردد و دچار بیماری‌های روانی می‌شود که از مهم‌ترین این بیماری‌ها می‌توان به بیماری‌های مازوفیسم و سادیسم را نام برد.

ت- از هم پاشیدن کانون خانواده به دلیل عدم تمایل مرد به آمیزش با همسر خود.

ث- پیدایش ناراحتی‌های روانی بین زن و شوهر.

ج- پیدایش و رشد بیماری ایدز در اثر لواط. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۵۵

راهکارهای سالم سازی ارتباط دختر و پسر چیست؟

پرسش:

راهکارهای سالم سازی ارتباط دختر و پسر چیست؟ پاسخ:

سالم سازی ارتباط دختر و پسر وابسته به تقویت مبانی اخلاقی و اعتقادی است که طرفین (دختر و پسر) با تقویت این دو مبنا می‌توانند ارتباط سالمی در جامعه اسلامی داشته باشند.

در صورت عدم تحقق مبانی پیش گفته و ضرورت ارتباط طولانی مدت، راهکار شرعی، ایجاد عقد موقت است. «۱»

توضیح راهکارها

۱. تخلق به اخلاق معاشرت که در زمینه‌های زیر توصیه می‌گردد:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۵۶

الف- حیا

از امیرالمومنین علی (ع) نقل شده است که حیا موجب پیدایش هر زیبایی است «۱»؛ بنابراین، برای زیبا شدن هرچه بیشتر زندگی و جلا بخشیدن به روابط و معاشرت، به کار بردن این مفهوم راهگشاست. شرم و حیا به معنای خودداری از حرکت و عملی است که انجامش مورد سرزنش و ملامت باشد. و در این مورد خاص حالتی بسیار با ارزش و مانعی فوق العاده مهم در برابر گناه و کیفیتی قابل توجه است. بی‌تردید کسی که به خداوند ایمان دارد و از قیامت و حوادث آن بیمناک است، چه در آشکار و چه در پنهان از این‌که در محضر پروردگار به گناه و معصیت دست بزند، حیا و شرم می‌کند و در نهایت با کمک و یاری این حالت نفسانی، به سوی گناه گام بر نمی‌دارد.

پیامبر اسلام (ص) فرمود: اما حیا، حقیقتی است که امور و خصلت‌هایی از آن منشعب می‌شود؛ مانند نرم خویی، مهربانی، آگاهی و توجه به مراقبت خدا در پنهان و آشکار، سلامت نفس، دوری از گناه و شر، خوش رویی، بزرگواری و بلندی نظر، پیروزی، نام نیک در میان مردم ...؛ این‌ها خصلت‌هایی است که خردمند به وسیله حیا به آن‌ها می‌رسد؛ پس خوشا به حال کسی که خیرخواهی خدا را بپذیرد و از رسوایی‌اش در محضر حق بترسد. «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۵۷

از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است که مانند پیامبران باقی نمی‌ماند مگر سخن مردم که اگر حیا نکنی هر کاری انجام خواهی داد. «۱»

این سخن رسول خدا که بیانگر و مؤید ضرب المثل معروف عرب است، روشنگر این واقعیت می‌باشد که حیا جوهره هر خوبی است؛ زیرا اگر انسان به مرتبه‌ای برسد که هرچه بخواهد انجام بدهد، از مرتبه انسانیت خارج می‌شود و آنچه در این راستا پیشگیر، مانع و همچون سدی است در برابر تمایلات انسانی، حیاء و شرم می‌باشد.

همچنین از امیرالمومنین علی (ع) نقل شده است که عاقل‌ترین مردم با حیاترین آن‌هاست. «۲»

نقش حیا در سالم سازی روابط به گونه‌ای پر اهمیت است که بدون آن حتی ایمانی وجود ندارد «۳» و جایی که ایمان وجود نداشته باشد، رابطه معنا ندارد و برای ایجاد یک ارتباط خوب و شایسته، حیا ضرورت دارد.

ب- رعایت حجاب شرعی

دختر در ارتباط با پسر باید مراقب حریم خود باشد و در پاسخ بی‌حیایی او خود را در دژ مستحکم حجاب بپوشاند؛ زیرا پوشش کامل همچون سدی

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۵۸

می‌تواند جلوی روابط ناسالم را بگیرد و روابط سالم را تقویت کند؛ البته از نظر روابط اجتماعی ثابت شده است که افراد بی‌حیا نسبت به افراد محجب و پوشیده مراقب اعمال خود هستند و آن گاه بی‌حیایی خود را ظاهر می‌سازند که از طرف مقابل نیز بی‌حیایی ببینند. استاد شهید مرتضی مطهری در این زمینه می‌نویسد: نبودن حریم میان زن و مرد و آزادی معاشرت‌های بی‌بند و بار، هیجان‌ها و التهاب های جنسی را افزایش می‌دهد و تقاضای سکس را به صورت یک عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می‌آورد. غریزه جنسی غریزه‌ای نیرومند، عمیق و دریا صفت است، هرچه بیشتر اطاعت شود سرکش‌تر می‌گردد؛ همچون آتش که هرچه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله‌ورتر می‌شود «۱» ...»

ضرورت حجاب و پوشش در مورد زن جای هیچ شک و تردیدی نیست، ولی آنچه در سالم‌سازی روابط کمک می‌کند، افزون بر پوشش زن، پوشش مرد است.

درست است که مردها وظیفه دارند تنها شرمگاه (از ناف تا زانو) خود را بپوشانند، ولی مرحوم صاحب عروه الوثقی مسئله را این گونه مطرح می‌کند: «بر مردان پوشش واجب نیست، مگر در عورت؛ اما اگر علم داشته باشیم که زنان عمداً به بدن ما نگاه می‌کنند، پوشش از باب حرمت تعاون بر اثم واجب

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۵۹

است. «۱» به این معنا که اگر مرد برهنه ظاهر شود؛ در صورت نگاه زنان به او مقدمات گناه فراهم می‌شود.»

اگر مردی با قصد به حرام انداختن زن بدون لباس بیرون بیاید، کمک به گناه صدق می‌کند؛ زیرا قصد وقوع گناه توسط زنان را نموده و این کار کمک به انجام دادن گناه است، ولی اما اگر چنین قصدی نداشته باشد و فقط احتمال داشته باشد از عدم پوشش وی عده‌ای به گناه بیفتند، کمک به گناه صدق نمی‌کند.

اما آنچه در سالم سازی روابط دختر و پسر مطرح می‌باشد، پوشش طرفین است؛ آن جا که دختر و پسر با هم معاشرت دارند، باید تمامی مقدمات احتمالی وقوع گناه از جمله برهنه بودن مرد برداشته شود و مرد با ظاهری محجوب حاضر شود و البته حجاب مرد ارتباطی کامل و استوار با حیا دارد که پیش‌تر از آن یاد شد.

ج- عفت چشم و چشم پوشی

نگاهی شهوت آلود به جنس مخالف تنها به زن و شوهر اختصاص دارد و هیچ زن و مرد دیگری نمی‌توانند چنین نگاهی به یکدیگر

داشته باشند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶۰

نگاه بدون قصد شهوت به غیر از دست و صورت زن نامحرم حرام است. در مورد نگاه کردن به دست و صورت زن نامحرم «۱» صاحب عروه الوثقی و حضرت امام می‌فرمایند: احتیاط در این است که نگاه کردن جایز نباشد. «۲»

افزون بر این، آگاهی از آثار وضعی نگاه به نامحرم می‌تواند گام مؤثری در تقویت این راهکار باشد. از امام صادق (ع) روایت شده است: «نگاه، تیری است از تیرهای زهرآگین شیطان؛ کسی که برای خداوند متعال نگاه را ترک کند، خداوند عزوجل آرامشی همراه با ایمان به او می‌چشاند. «۳»

از سوی دیگر توجه به آثار فراوان چشم پوشی، خود راهکاری است برای سالم‌سازی ارتباط دختر و پسر که تنها به یک نمونه اشاره می‌شود. از امام صادق (ع) روایت شده است: «هر کس زنی را ببیند و چشمش را به آسمان

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶۱

بیاندازد یا آن را برگرداند، به زودی خداوند مزه ایمان را به او خواهد چشاند. «۱»»

د- تقویت اعتقاد به مبدأ و معاد

امام خمینی (ره) در کلام نغز و شیوایی که برگرفته از آیات و روایات است، می‌فرمایند: «عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید.»

تمام هستی (عالم) به صورت یک مجموعه واحد محضر و دفتر دادگاه است و قاضی این دادگاه نیز حاضر است؛ اعتقاد به وجود خدای متعال و نظارت دائمی او و همچنین اعتقاد به روز رستاخیز از مهم ترین راهکارهای سالم سازی ارتباط دختر و پسر است. در این زمینه، اشاره به ارتباط حضرت یوسف (ع) و زلیخا می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسایل پیش آمده برای جوانان باشد. حضرت یوسف (ع) در پاسخ افزون طلبی زلیخا به او یک جمله گفت: «معاذ الله»؛ «و آن [زنی که آن (: یوسف) در خانه‌اش بود، از وجودش تمنّای کامجویی کرد؛ و همه درها را محکم بست و گفت: «بیا (که من آماده) برای توام!» (یوسف) گفت: «پناه بر خدا! در حقیقت او پرورش دهنده من است؛ جایگاه مرا نیکو داشت؛ (پس خیانت به او ستمکاری است و) قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند.» «۲»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶۲

پیام‌های هشدارآمیز داستان یوسف و زلیخا:

۱. پسرهای جوان که در خانه‌های زنان کم تقوا و نامحرم هستند، تنها نباشند؛ زیرا باب مراوده باز می‌شود.

۲. گناهان بزرگ با مراوده و نرمش شروع می‌شود.

۳. حضور زن و مرد، پسر و دختر در فضای در بسته، زمینه را برای گناه فراهم می‌کند.

۴. عشق در اثر مراوده و به تدریج پیدا می‌شود، نه به صورت دفعی و یک باره؛ بنابراین از معاشرت‌های طولانی مدت تا حد امکان پرهیز شود.

۵. در برابر قدرت شهوت، همسر پادشاه نیز به زانو در می‌آید.

۶. موقع هجوم حمله شیطان یاد خدا بهترین راهکار است.

۷. یاد عاقبت گناه مانع ارتکاب آن است.

۸. توجه به خدا مهم‌ترین عامل بازدارنده است.

۹. یک لحظه گناه، انسان را از رستگاری ابدی دور می‌سازد.

۱۰. ضرورت شکر نعمت دهنده اقتضا می کند گناه نکنیم. «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶۳

نظر قرآن و روایات در مورد تفریح‌های سالم و شادی و نشاط چیست؟

اشاره

پرسش:

نظر قرآن و روایات در مورد تفریح‌های سالم و شادی و نشاط چیست؟ پاسخ:

مفهوم‌شناسی

«تفریح» به معانی شادمانی نمودن، شادی کردن، شاد کردن، شادمان ساختن، «۱» فعالیت غیرجدی به قصد سرگرمی، وقت گذرانی رفع خستگی «۲» آمده است.

تفریح سالم، یعنی تفریح بی‌عیب، بی گزند، درست و صحیح «۳»، و تفریحات سالم به تفریحاتی گفته می‌شود که از نظر اخلاقی و اجتماعی زیان آور نباشند. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶۴

شادی یعنی خوشحالی و شادمانی، «۱» دوری از غم و اندوه، خوشحالی و سرور. «۲»

نشاط به معنای سبکی و چالاکی یافتن برای اجرای امور «۳» و به معنای شادی، خوشی و سرزندگی «۴» است.

تقسیم‌بندی

در یک تقسیم‌بندی کلی، آنچه به معنای تفریح مورد بررسی قرار می گیرد، به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. تفریح سالم؛

۲. تفریح غیرسالم.

انواع مختلف تفریح، براساس به کارگیری اسباب و وسایل ایجاد شادی و خوشحالی، و نتایج آن، می‌تواند برای انسان مفید و یا مضر باشد؛ و همین تفاوت در اسباب و نتایج است که تفریح را به آن دو قسم عمده تقسیم می کند.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶۵

نیاز به شادی و تفریح

درباره ضرورت تفریح و نیاز انسان به خوشحالی و شادابی، مطالب فراوانی بیان شده است. «۱»

همچنان‌که بدن انسان نیاز به مواد غذایی سالم دارد، روح و روان آدمی نیز این نیاز را دارد. تشویش، نگرانی و اضطراب در زندگی مانند تب، لرز، سر درد و هزاران درد جسمی دیگر است که افزون بر تحلیل و از بین بردن توان جسمی، کاهش عمل کرد اجتماعی فرد را نیز در پی دارد.

در روایات نسبت به نکوهش حزن و اندوه مطالبی به این شرح وارد شده است:

۱. از امام علی (ع) روایت شده است که: حزن و اندوه نصف پیری و درهم شکستگی است. «۲»

۲. غصه و اندوه بدن را آب می کند. «۳»

۳. از حضرت عیسی (ع) روایت است: کسی که حزن و اندوه او زیاد باشد، بدنش مریض است (مریض می‌شود). «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶۶

۴. از امام صادق (ع) روایت شده است:

اندوه‌ها و غصه‌ها بیماری‌قلب است؛ همان گونه که امراض، دردهای بدن و جسم هستند. «۱»

همچنین در آیات و روایات، راهکارهای مبارزه با پدیده‌ی اندوه ارائه شده است؛ برای مثال، خداوند متعال می‌فرماید:

آگاه باشید! که دوستان خدا، هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می‌شوند.» «۲»

ایمان به خدا و ارتباط با او، اندوه را از دل برطرف می کند و این، بهترین راهکار برطرف کردن حزن و اندوه و جایگزین کردن شادی است. از رسول گرامی اسلام روایت شده است:

خدای متعال به واسطه حکمت و فضلش، راحتی، آسایش و خوشحالی را در یقین و رضا و غم و اندوه را در شک قرارداده است.» «۳»

خوشحالی و آسایش نشان دهنده یقین و رضاست و یقین و رضا بالاترین مراتب ایمان است؛ بنابراین، پرداختن به مقوله تفریح، برای تعالی روح در

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶۷

راستای تعالیم قرآنی و رسیدن به سعادت نهایی، «۱» نه تنها کار بیهوده‌ای نیست، بلکه از ضروریات مباحث اخلاقی و اسلامی است. در فرهنگ غنی اسلام که برگرفته از دو سرچشمه‌ی نورانی کتاب (قرآن) و اهل بیت (ع) است «۲»، هرچند به طور صریح واژه‌ی «تفریحات سالم» نیامده است ولی با دقت و بررسی آیات، روایات و دستورهای اسلام در می‌یابیم که مجموعه‌ی دین برای زندگی با کرامت انسان «۳» تدوین شده و کرامت انسان در پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶۸

گروِ برخوردار بودن از روح سالم و جسم سالم است. در یک کلمه، «دین» راه و روش چگونه زندگی کردن را به ما می‌آموزد. که با به کارگیری این مجموعه دستورها، می‌توان سلامت کامل جسمی و روحی خود را تضمین کرد. «۱»

در این جا سخنان آیت الله شهید دکتر بهشتی را با عنوان «اسلام دین نشاط است، «۲» نه اندوه» از نظر می گذرانیم:

«براساس برخی از حکایات صوفیانه که ارتباط چندانی با قرآن کریم ندارد، قرن‌های متمادی، تفریح و شادی را نقطه ضعف معرفی می‌کردند؛ مثلًا به ما می‌گفتند: قرآن مجید می‌فرماید: «و باید کم بخندید و بسیار گریه کنید.» «۳» از ظاهر این آیه بدون توجه به شأن نزول و مراد اصلی آیه چنین تلقی می‌شود که «بایستی فراوان گریه کرد و اندک خندید.»

و عده‌ای با این آیه مردم را از خنداندن و خندیدن منع می کردند؛

اما اگر در همین یک آیه دقت کنیم، مطلب را درست بر خلاف مفهوم ظاهری به دست می‌آوریم؛ مطلب از این قرار است که

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۶۹

پیغمبر (ص) دستور مبارزه علیه کفار و مشرکین را صادر کرده بود، وقتی کاروان نظامی حضرت به سوی مبارزه حرکت کرد، عده‌ای از فرمان بسیج خدا و پیامبر (ص) تخلف کردند، این آیات می گوید: لعنت خدا بر کسانی باد که دیدند پیامبر با مسلمانان به میدان نبرد می‌رود اما باز هم زندگی دوستی آن‌ها را وادار کرد از فرمان خدا و رسولش تخلف کنند. لعنت خدا بر آن‌ها باد! محروم باد این گروه از رحمت حق و به عنوان یک نفرین می گوید: از این پس این گروه نافرمان، کم بخندند و زیاد بگریند؛ خنده در زندگی آن‌ها کم باد و گریه در زندگی آن‌ها فروان باد!

آیا از این آیه فهمیده نمی‌شود که اسلام دین نشاط است و زندگی توأم با گریه و زاری و ناله، خلاف رحمت و نعمت خداست؟!

تفریح سالم یکی از نیازهای زندگی انسان است، نه فقط به عنوان تجدید قوا، بلکه اصولًا به عنوان یکی از نیازهای اصلی، مثل نیاز به مواد غذایی، یک نیاز طبیعی است. خدای آفریدگار طبیعت و نظام طبیعت، خواسته است آدمی با احساس احتیاج به تفریح،

همواره نشاط زنده ماندن و زندگی کردن داشته باشد. خدای متعال به پیامبرش می‌فرماید: « [ای پیامبر] بگو: «چه کسی زیور [های الهی را که برای بندگانش پدید آورده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «این [ها] در زندگی پست (دنیا)، برای کسانی است که

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷۰

ایمان آورده‌اند؛ (اگر چه دیگران نیز از آنها استفاده می‌کنند،) در حالی که در روز رستاخیز مخصوص (مؤمنان) خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای گروهی که آگاهند، شرح می‌دهیم.» «۱»

این آیه از محکمات قرآن است که در سال‌های آخر بعثت و هجرت نازل شده است.

می‌گوید: ای پیغمبر، در برابر کسانی که بسیاری از مواهب زندگی را حرام می‌شمردند، اعلام کن و بگو چه کسی زینت و آرایش و زیبایی‌هایی را که خداوند از درون طبیعت برای بندگانش بیرون کشیده، حرام کرده است؟ چه کسی روزی‌های پاک، مواهب پاک، مواهبی را که انسان از آن‌ها لذت مشروع و صحیح می‌برد، حرام کرده است؟ بگو این مواهب، این روزی‌های پاک، این زیبایی‌ها، برای مردم با ایمان در همین زندگی دنیاست.

در زندگی جاوید و آخرت هم همین زیبایی‌ها و همین مواهب برای مردم با ایمان است با یک تفاوت که در این دنیا، زیبایی‌ها به زشتی‌ها آمیخته و آلوده است.

شادی‌ها به غم آمیخته است، ولی در دنیای دیگر این زیبایی‌ها و مواهب پاک برای مردم با ایمان به صورت خالص وجود دارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷۱

از این آیه می‌فهمیم اسلام به بهره‌مند شدن از زیبایی‌ها، مواهب زندگی و عوامل نشاط‌آور اهمیت می‌دهد. طبیعی است که در این دنیا، خدا نشاط و شادی را با غم همراه قرار داده است، نشاط و شادی خالص، در دسترس هیچ کس نیست، ولی در حدودی که قوانین و حق و عدالت اجازه می‌دهد مردم با ایمان از آن بهره‌مند شوند و مال آنهاست.

بیش از چند صد آیه از قرآن کریم، مردم مسلمان را به ایمان و راستی و درستکاری دعوت می‌کند و به آن‌ها می‌گوید: اگر در این دنیا براساس صحیح زندگی کردید، با عدالت، با پاکی و درستی، با ایمان صحیح، حرکت کردید آن وقت به شما بهشت می‌دهیم.

بهشت چیست؟

قرآن در ترسیم بهشت می‌گوید: بهشت یک زندگی سراسر نشاط، بهره‌مند از تمام زیبایی‌های خالص و پاک می‌باشد. باغ، میوه، گل، جوی روان، آب‌های زلال، بهترین همسران، بهترین پذیرایی‌ها، بهترین تخت‌ها، زیباترین بسترها «۱» و «فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنفُسُ وَتَلَذُّ

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷۲

الْأَعْيُنُ» «۱» هر چه را خودشان بدان میل کنند و چشم‌ها لذت ببرند در آن (بهشت موجود) است.

اسلام دین فطرت است «۲» و ارتباط فطرت با نشاط و شادابی بسیار زیاد است.

مولا علی (ع) روزی به خانه یکی از دوستانش قدم نهاد. دید خانه وسیعی دارد. به او فرمود: هان! در این دنیا چنین خانه وسیعی می‌خواهی چه کنی؟ آیا در روز قیامت بدین خانه محتاج‌تر نبودی- اول امام این مطلب را می‌گوید- بعد برای این‌که آن فرد اشتباه نکند، فرمود: هان! اشتباه نکن تو با داشتن همین خانه وسیع می‌توانی در همین دنیا آن را برای آخرت به کار بگیری از مهمانان پذیرایی کنی، صله رحم کنی این خانه را پایگاه اجتماعات برای تلاش در راه حق و عدالت قرار بدهی. دوست امام دید که نه، مطلب آن طور که او خیال می‌کرد که امام می‌خواهد به او زاهدمنشی و ترک دنیا تلقین بکند، نیست، بلکه می‌خواهد بگوید یادت باشد که خانه فقط برای کامروایی نیست، چیزهای دیگر هم باید باشد. عرض کرد: یا علی، برادر من را نصحیت کن، امام فرمود:

موضوع چیست؟ گفت: برادرم لباس‌های پشمینه می‌پوشد، خانه را رها کرده و رفته در یک گوشه‌ای می گوید:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷۳

«من بایـد عبادت کنم.» نه به زنش می‌رسـد نه به فرزنـدش، امام فرمود: به او بگو نزد من بیایـد. وقتی آمـد، امام به او پرخاش کرد و فرمود: هان! تو چه خیال می کنی؟ چه گمانی درباره خـدا می‌بری؟ آیا فکر می کنی که خـدا این همه مواهب را در این دنیا آفرید و حلال کرده ولی بعد از آفریدن و حلال کردن، دلش می‌خواهد ما به آن‌ها پشت پا بزنیم؟

آن مرد عرض کرد پس چرا شـما اینگـونه زنـدگی می کنیـد؟ لبـاس شـما از من خیلی خشن‌تر است. خـوراکت از من خیلی سـاده‌تر است. بی‌اعتنـایی‌ات به مـواهب زنـدگی از من خیلی بیشـتر است. مولاـ فرمـود: مطلب بر تـو اشـتباه نشـود، حسـاب من از حسـاب تو جداست، من زمامدار امت اسلام هستم که واجب است زندگی‌شان هم سطح بینواترین مسلمانان باشد.» «۱»

نمودهای تفریح‌های سالم در دستورهای اسلام

با جسـتجو در آیات و با دقت در روایات و دسـتورهای دینی می‌توان به این حقیقت پی برد که دین اسلام به چه میزان، این مسئله را مورد تاکید قرارداده است. برخی از این دسـتورهای دینی که هدفی جز تأمین سلامت روحی و جسمی انسان را تعقیب نمی کنند، از قرار ذیل است:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷۴

۱. ورزش و مسابقه

«أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدَاً یَرْتَعْ وَیَلْعَبْ» «۱» در قرآن کریم در داسـتان حضـرت یوسف و یعقوب آمده است: آن گاه که فرزندان او خواسـتند یوسف را از ایشان جـدا کننـد، ورزش را بهانه کردنـد و گفتند: «فردا او را همراه ما بفرست تا ورزش و بازی کند و ما هم یقیناً از او محافظت می کنیم.» «۲» و این بهانه‌هـایی بود که حضـرت یعقوب در برابر آن سـکوت اختیـار کرد، سـکوتی که علاـمت رضـایت و بیانگر تأیید این کار است.

نقـل تاییـدآمیز بـازی و ورزش یوسـف در داســتان او، و نیز تاکیـد بر ورزش و مسابقـات در روایـات «۳» و ســفارش‌های فراوان در خصوص ورزش‌هایی که پیش از همه نشاطآور و مفرّح است «۴»، خود می‌تواند دلیلی بر تاکید دین اسلام بر تفریح‌های سالم باشد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷۵

افزون بر ایـن، قرآن کریـم از دو پیـامبر به خـاطر ویژگی «قـوت» و «نیروی بـدنی» تعریـف و تمجیـد می کنـد؛ یکی از طـالوت «۱» و دیگری از حضـرت موسـی در جریـان کمک کردن او به دختران شـعیب «۲» که همگی نشان دهنـده‌ی توصـیه به قدرتمند شدن در پی‌تلاش و کوشش است.

ورزش‌های سوارکاری، تیراندازی و شنا سه ورزش مورد تاکید اسلام است که فرح بخشی این سه در میان رشته‌های فراوان دیگر بر اهل فن پوشیده نیست.

۲. صله رحم و دید و بازدید

نشـست و برخاست با یکـدیگر، به ویژه اقوام و خویشان، یکی از بهترین انواع تفریـح‌های سالم است. این عمل آن چنان مورد تأکید اسـت که روایـات فراوان و نیز آیـاتی در این زمینه وارد شـده است. خداونـد متعال در آیـات مختلـف این حقیقت را اینگـونه بیـان می کند:

«و به پـدر و مـادر، و نزدیکـان و یتیمـان و بینوایـان نیکی کنیـد و با مردم نیکو سـخن گوییـد.» «۳» پرسـش و پاسـخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷۶

«و (بیان) راه معتدل و راست بر عهده خداست، و برخی از آن (راه‌ها) کژ است؛ و اگر (بر فرض خدا) می‌خواست حتماً همه شما را (به اجبار) راهنمایی می‌کرد.» «۱»

از امام صادق (ع) در تفسیر آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی رعد نقل شده است که آنچه خدا به آن فرمان داده که آن پیوند را قطع نکنید، «صله رحم» است. «۲»

همچنین از رسول خدا (ص) روایت شده است: «زودترین خیر از نظر ثواب صله رحم است.» «۳»

از امام باقر (ع) برای صله رحم آثاری نقل شده است که به قرار ذیل است:

۱. اعمال را پاکیزه می‌کند.

۲. اموال را زیاد می‌کند.

۳. بلا را دفع می‌کند.

۴. حساب را آسان می‌کند.

۵. اجل را به تأخیر می‌اندازد. «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷۷

از رسول خدا (ص) روایت شده است: کسی که برادر مؤمنش را در منزل او بدون حاجت و درخواست زیارت کند، خداوند نام او را از زیارت کنندگان خودش می‌نویسد و واجب است بر خدا که زائر خود را گرامی بدارد. «۱»

۳. اطعام و پذیرایی از مهمان

خوردن و آشامیدن و خوراندن و نوشانیدن و میهمانی از موضوعات مورد تأکید اسلام است.

قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم (ع)، به میهمانی او و غذای فراوانی که آماده کرد (گوساله بریان شده) «۲» و نیز میهمانی در منزل پیامبر اسلام اشاره کرده است. «۳»

میهمانی کردن که نقش بسزایی در ایجاد شادی در دل مردم دارد، مورد تاکید دین اسلام است. از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده: «لذت کریمان در خوراندن است و لذت لئیمان در خوردن.» «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷۸

و همچنین از ایشان نقل شده است: «قوی کردن و توانمند سازی اجسام با غذا خوردن است و توانمندسازی روح با غذا خوراندن می‌باشد.» «۱»

۴. سیر و سفر و گردش

سیر و سفر و گردش و استفاده از مناظر زیبای طبیعت، آبشارها، کوه‌ها، دریاها و آثار باستانی دشت‌ها و حتی کویر مورد سفارش دین اسلام است، تا آن جا که سیر و سفر را مقدمه‌ی علم آموزی و عبرت‌اندوزی می‌داند: «سِیرُوا فِی الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَهُ الْمُکَذِّبِینَ» «۲»

و از رسول اکرم روایت شده است که می‌فرماید: «مسافرت کنید تا صحت یابید و غنیمت به دست آورید.» «۳»

۵. استفاده از مظاهر زیبای موجود در طبیعت:

قرآن کریم می‌فرماید:

«و در آنها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آنها را] از چراگاه بر می‌گردانید و هنگامی که (صبحگاهان) به چراگاه می‌فرستید.» «۴»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۷۹

صبح هنگام و عصرگاهان مواقعی است که انسان نیاز به آرامش روحی دارد. صبح گاهان، آن‌گاه که قصد شروع فعالیت روزانه را دارد و عصرگاهان، آن هنگام که نیازمند رفع خستگی تلاش روزانه است. قرآن مجید برای کسانی که در صحرا زندگی می‌کنند و از نعمت آب و هوای پاک و زندگی در طبیعت بهره‌مند هستند، توصیه می‌کند که به چارپایانی که خدا به شما عنایت کرده بیشتر توجه کنید که موقع رفتن و برگشتن آن‌ها، زیبایی و حسن نظر وجود دارد. خداوند به چنین مردمی توصیه کرده برای آرامش اعصاب و تفریح به چارپایان نگاه کنند و از نگاه به آنان لذت ببرند؛ حال آیا جا دارد بگوییم خدا مردمی را که هر روز با دود و دم و سر و صدا همنشین هستند از این نعمت و از سایر تفریح‌ها منع کرده باشد؟! هرگز چنین نیست و انسان‌های شهرنشین نیز باید از این مواهب برای تأمین بهداشت روان و جسم و تفریح بهره گیرند و این نیز توصیه‌ای است برای رفتن به دل طبیعت و تماشای آن مناظر زیبا.

آیات دیگری نیز از جمله توصیه توجه به گیاهان زیبا (حج/ ۵)، آب‌های روی زمین (کهف/ ۷)، زینت آسمان‌ها در شب (صافات/ ۶ و فصلت/ ۱۲ و ملک/ ۵ و حجر/ ۱۶ و ق/ ۶) و ... بیانگر بهره‌برداری و لذت از مواهب الهی است که در طبیعت وجود دارد.

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۸۰

۶. خودآرایی و رسیدگی به سر و وضع و لباس

انسان چون می‌خواهد برای عبادت و حضور در مسجد از منزل خارج شود، به سفارش خداوند لازم است خود را زیبا کرده و زینت‌های خود را بردارد. «یَا بَنِی آدَمَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِندَ کُلِّ مَسْجِدٍ» «۱» همچنین جواز استفاده از زینت‌های خدا و طیبات رزق در آیه بعد صادر شده است «۲» و به طور کلی هر زیبایی که در روح و روان انسان و دیگران تاثیر مثبت گذارد، مورد تایید آیات و روایات فراوان می‌باشد.

از امام صادق (ع) روایت شده است: «بپوشید و زینت کنید (خود را بیارائید) که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد (اما این زینت و خود آرایی) باید از راه حلال باشد.» «۳»

۷. استفاده از لذات حلال در مسائل زناشویی

یکی دیگر از تفریح‌های سالم که ضرورت آن نمی‌توان مورد شک قرار داد، بهره‌برداری جنسی مشروع و قانونی است که در آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نور در قالبی زیبا و کنایی بیان شده است:

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۸۱

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده‌اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند:

پیش از نماز صبح، و هنگام نیم روز که لباس‌های رسمی خود را فرو می‌نهید، و بعد از نماز عشا، [اینها] سه (وقت مخصوص) امور جنسی شماست که بعد از آن (زمان‌ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون (اجازه) رخصت وارد شوند؛ چرا که) برخی از شما بر (گردن برخی دیگر) از شما می‌چرخید، این گونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند و خدا دانای فرزانه است.»

در طول شبانه روز برای بهره‌برداری از لذت‌ها سه وقت مخصوص وجود دارد، به گونه‌ای که ورود اطفال غیربالغ ممنوع شمرده شده است، و افراد بالغ نیز که هیچ گاه بدون اذن وارد نمی‌شوند؛ زیرا در آیه‌ی بعد می‌فرماید: «هنگامی که کودکان شما به بلوغ می‌رسند، پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند، رخصت می‌گرفتند.» «۱»

پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۸۲

از رسول گرامی اسلام (ص) نقل شده است: هر کار بیهوده‌ای از انسان مومن باطل است، مگر در سه چیز: تربیت و تعلیم اسب

(سوارکاری) و تیراندازی و بازی با همسر که این سه چیز حق است.

۸. کار، بالاترین تفریح «۱»

این سخن که از امام علی (ع) روایت شده است، راهی نوین در تفریحات سالم می‌گشاید که انسان اوقات فراغت خود را با کارهای مفید (مثل صنایع دستی و ...) پر کند.

نتیجه گیری

دین اسلام نظر روشنی درباره‌ی تفریح‌های سالم دارد و با سفارش به تقویت قوای جسمی و روحی، «۲» انسان را در راه مبارزه با دشمنان ظاهری و باطنی، آماده می‌سازد؛ تا راه برای رسیدن به کمال نهایی و سعادت ابدی از مسیر همین دنیا فراهم آید. پرسش و پاسخ‌های قرآنی ویژه جوانان، ج۷، ص: ۲۸۳

افزون بر این، غنی سازی اوقات فراغت و اشتغال دائم به کارهایی از این قبیل، مانع از هجوم وسوسه‌های شیطانی است؛ زیرا شیطان به دنبال فرصت مناسب می گردد تا انسان را به گونه‌ای فریب دهد و به هدف اصلی خود یعنی «سقوط معنوی انسان» برسد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹